

قانون اساسي کشور مكزيك

عنوان اول

فصل يكم

در خصوص ضمانت‌های فردي

اصل يكم

در ایالات متحده مكزيك هر فردي برخوردار از ضمانت‌هایی خواهد بود که قانون اساسي به وي اعطا مي‌کند و این ضمانتها غيرقابل تحديد و تعليق مي‌باشد مگر در مواردی و شرایطی که قانون اساسي مقرر دارد.

اصل دوم

برده‌داری در ایالات متحده مكزيك ممنوع مي‌باشد. برده‌هایی که از سرزمین بیگانه به خاک مكزيك وارد شوند، به برکت همین نفس ورود به خاک مكزيك به آزادی خود دست یافته و در چتر حمایت قوانین این کشور قرار خواهند داشت.

اصل سوم

هر فرد مستحق برخورداري از آموزش و پرورش مي‌باشد. دولت در قالب کشور، ایالات و شهرها مراتب برخورداري از آموزش و پرورش را در سطوح پيش دبستان، ابتدائي و متوسطه بر وي مترتب خواهد ساخت، ضمن آنکه آموزش ابتدائي و متوسطه اجباري است. آموزش و پرورش که از طریق دولت در کشور جاري مي‌گردد بطور هماهنگ و یکدست تمامی تواناییهای فرد انسانی را بارور ساخته در وي به رشد و تعالی وا مي‌دارد در عین حال عشق به میهن و آگاهی نسبت به همبستگی بین‌المللی را در چارچوب استقلال و برابر در جامعه متبلور خواهد ساخت.

۱- آزادی اعتقادي طبق بند ۲۴ تضمین مي‌گردد و لذاست که آموزش و پرورش که ذکر آن رفت به شکل غير مذهبي اعمال خواهد گشت و به دور از هر گونه گرایش‌هایی به هر نوع دکتري مذهبي جاري خواهد شد.

۲- معیار هدایت روند آموزش و پرورش در کشور مبتني بر نتایج پیشرفت‌های علمي است و بر علیه جهل و اثرات آن مبارزه خواهد کرد، اثرات و تبعات مثل بردگی، تعصب و هر گونه پیش‌داوری.

و در عین حال:

الف- دولتي دموکراتيک خواهد بود که نه تنها مراتب دموکراسي را هم چون ساختاري حقوقی و رژیمي سياسي ملحوظ نظر خواهد داشت، بلکه آنرا چونان يك نظام حياتي مبتني بر بهبود دائمی اقتصادي و اجتماعي و فرهنگي مردم قلمداد مي‌نماید.

ب- دولتي ملي خواهد بود در عین حال، بي هيچ خصومتي و بي هيچ انحصار طلبی، و خواهد پرداخت به درك معضلات ما مردم و ما را در برخورداري از منابع خود ياري خواهد نمود و نیز در دفاع از استقلال سياسي‌مان و ضمانت استقلال اقتصادي و تداوم و رشد فرهنگي‌مان و همین‌طور:

ج- در زمینه همزیستی انسانی هر چه بهتر بین ما مردم مشارکت خواهد داشت، هم از لحاظ عواملی که در امر آموزش سرمایه‌گذاری خواهد نمود و هم از بابت ارزش و ارجحی که برای اعتلای فرد و جمع يك خانواده قائل خواهد شد.

و در جهت حصول منافع کلي و عمومي جامعه گام خواهد زد و نیز از باب حمایتی که در جهت رسیدن به ایده‌آل‌های برادری و برابری حقوق تمامی آحاد جامعه مبذول خواهد داشت ضمن آنکه از هر گونه امتیازدهی نژادي و مذهبي و گروهی و قومی و جنسیتی و فردیتی احتراز خواهد نمود.

۳- جهت اجرای کامل مندرجات پاراگراف دوم و بخش دوم، قوه مجریه طرحها و برنامه‌هایی در زمینه مطالعه آموزش ابتدائي و متوسطه و عادي برای تمام جمهوری تعیین خواهد نمود و

بدین منظور، قوه مجریه عقاید سرپرستان واحدهای فدراتیو و اقشار مختلف اجتماعی درگیر در آموزش و پرورش را در چارچوبی که قانون تعیین و خاطر نشان می‌سازد ملاحظه خواهد کرد و در نظر خواهد گرفت.

۴- تمامی امر آموزش و پرورش که از سوی دولت ارائه خواهد گردید، رایگان خواهد بود.
۵- ضمناً در کنار ارائه آموزش پیش از دبستان و ابتدایی و متوسطه، که در پاراگراف نخست از آن یاد شد، دولت به ترویج و تشویق تمامی انواع و گونه‌های ضروری نظام آموزش و پرورش، مشتمل بر آموزش عالی، جهت توسعه کشور همت خواهد گمارد و در عین حال از در تحقیق علمی و تکنولوژیکی حمایت نموده، تحکیم و اشاعه فرهنگ ما ملت را مدنظر خواهد داشت.
۶- افراد حقیقی نیز قادرند در امر ارائه و اجرای آموزش و پرورش در تمامی گونه‌ها و سطوح همت ورزند. در عین حال در چارچوب قانون، دولت برای تحصیلات و مطالعاتی که در مراکز و واحدهای آموزش خصوصی تحقق می‌گیرند ارزش و اعتبار قائل می‌شود و آنها را به رسمیت خواهد شناخت. در خصوص آموزش ابتدایی، متوسطه و عادی، مراکز و واحدهای خصوصی موظفند:

الف- در ترویج و ارائه امر آموزش و پرورش با همان اهداف و معیارهایی که در پاراگراف دوم مدرج گردیده، همت گمارند و نیز متعهد به اجرای برنامه‌ها و نقشه‌های مندرج در بخش سوم و نیز مراتب

ب- اخذ پیشاپیش مجوز که گویای متینی از دولت در چارچوب قانون می‌گردد.
۷- دانشگاهها و دیگر مؤسسات آموزش عالی که طبق مصوبه قانون دارای خودمختاری هستند، دارای اختیار و مسؤولیت اداره و خودگردانی واحد تحت سرپرستی خود می‌باشند. این واحدها به تحقق و اشاعه فرهنگ بر طبق اصول مندرج در همین بند و اصل مبادرت خواهند ورزید در حین اینکه به آزادی امر تدریس تحقیق و بررسی آزادانه عقاید و آراء همت خواهد گمارد. ضمناً به تعیین طرحها و برنامه‌ها مبادرت می‌ورزد. ضمناً چارچوب درآمدزایی، تشویق و تداوم کارکنان دانشگاهی و مدرس خود را تعیین خواهد نمود. در عین حال به سرپرستی آن مبادرت می‌ورزد. روابط و مناسبات کاری هم مرتبط به کارکنان دانشگاهی و مدرس و نیز اداری، برحسب مفاد زیر بند الف، بند یا اصل ۱۲۲ همین قانون اساسی تعیین و تدوین خواهند گشت، البته در چارچوب و بهر طبق موازینی که قانون فدرال و سراسری کار کشور بر حسب مختصات هر نوع کاری مقرر داشته است و به گونه‌ای که با امر خودمختاری و خودگردانی مندرج در همین زیر بند مشاهده می‌شود، ضمناً

۸- کنگره یا مجلسی با هدف وحدت‌بخشی و هماهنگ سازی امر آموزش و پرورش در کل جمهوری قوانینی ضروری را در جهت توزیع امر آموزش و پرورش در سراسر کشور تصویب و شرف صدور خواهد کرد، هم در پهنه کشور هم در میان ایالات و هم در خلال شهرها تا بتواند میزان سرمایه‌گذاری اقتصادی مرتبط با خدمات عمومی را تعیین نماید و نیز بتواند جرائم و مجازاتهای قابل اجرا را در قبال مسؤولینی که همت به انجام وظائف مربوطه نمایند، تعیین و تنظیم نماید.

همین طور در قبال آنها که این مراتب را مورد تخطی و تجاوز قرار دهند.

اصل چهارم

ملت مکزیك دارای ترکیبی چند فرهنگی که اساساً بر مبنای ملل بومی ساکن آن کشور است می‌باشد.

قانون هم حامی و هم مشوق توسعه زبانهای فرهنگهای مختلف این ملل بومی و نیز کاربردها و سنن و منابع و تنوع خاص ساختار اجتماعی این ملل بوده و در عین حال دسترسی قطعی این افراد را به حوزه قانونی و حقوقی دولت، میسر مقدور خواهد ساخت و هم قانونی خواهد بود که استثنائات را مشخص خواهد نمود.

دولت قادر نخواهد بود تا هیچگونه قرارداد و معاهده و پیمانی که نتیجه‌اش کاهش یا نقصان و محرومیت غیرقابل برگشت آزادیهای فردی باشد بهر علت و دلیل، باشد را مجاز قلمداد نماید. همچنین نمی‌تواند معاهده یا پیمانی را مجاز بداند که طی آن شخص مراتب تبعید و خروج از وطن خویش را به امضاء رسانیده باشد و یا طی آن بطور موقت و دائمی همت به حرفه‌ای صنعتی یا تجارتي نموده باشد.

قرارداد کاري فقط فرد را موظف به انجام خدمات و وظایفي خواهد نمود که قانون مدت زمان آنرا تعیین نموده باشد و ممکن نخواهد بود که فرد کارگزار و کارگر بیشتر از یکسال به آن صنعت و حرفه همت گمارد و نیز ممکن نمی‌باشد که به هیچ ترتیبی، این قرارداد نخواهد توانست که به فرد، مراتب بازنشستگی و استعفا و از دست دهی کار خود را یا گذشت از هر میزان حق و حقوق چه سیاسی و چه مدنی محروم نماید.

عدم اجرا و ایفای تعهد در برابر چنین معاهده و قراردادی، تنها وی را به مسؤلیت مدنی کار مربوطه موظف خواهد دانست بی آنکه در هیچ ارتباطی بتواند مراتب اخراج را در خصوص فرد مزبور به اجرا درآورد.

اصل ششم

ابراز عقاید هیچ شرایطی مورد تفتیش قضایی و اداری قرار نخواهد گرفت. مگر در صورتی که حمله به اخلاقیات و حقوق شخص ثالثی باشد و یا جرمی را دامن بزند، یا نظم عمومی را مختل سازد با حق اطلاع‌رسانی از سوی دولت تضمین خواهد شد.

اصل هفتم

آزادی نوشتار و انتشار متون در هر زمینه‌ای غیرقابل تحریم و تعدی است و هیچ قانونی قادر نخواهد بود تا بطور پیشاپیش بر آن متن یا نوشته تحریم و تکفیری را متبادر سازد و نیز نخواهد توانست ضمان و وجه‌الضمانی را بر مؤلف اثر یا صاحب مطلب و ناشر آن تحمیل نموده، سلب انتشار از ناحیه چاپخانه نماید.

و بجز رعایت و حرمت محرمیت افراد به هیچ تحمیل و تکفیری مجاز نخواهد بود، و موظف به رعایت اخلاقیات و صلح عمومی می‌باشد و در هیچ موردی مجاز به حبس و ضبط چاپخانه به اتهام ارتکاب جرائمی نخواهد بود.

قوانین تشکیلاتی، برخی مقررات و موقعیتهایی که جهت پرهیز از حبس و حصر افرادی که بطور غیر قانونی از پول استفاده می‌کنند، را می‌توانند بر فضای کشور حاکم سازد.

اصل هشتم

مقامات و کارگزاران دولتی به اجرای حق مردم در خصوص شکایات و درخواست رسیدگی محترم شمرده، هر آن که این درخواست کتبی مطرح گشته باشد، و به نحوی که نهایت مراتب احترام و صلح در این رسیدگی ملحوظ گشته باشد. اما در موارد سیاسی تنها می‌شود از این حق، شهروندان جمهوری بهره‌مند شوند.

برای هر گونه درخواست و استمداد رسیدگی می‌بایست که توافقی کتبی صورت گیرد، توافقی از سوی مقام مشارالیه که موظف به انجام این توافق در اسرع وقت نزد و در له متقاضی می‌باشد.

اصل نهم

حق بهره‌مندی از جمع‌آوری و ارائه هر آنچه مشروع و قانونی است غیرقابل امتناع می‌باشد. اما فقط شهروندان جمهوری مستحق برخورداری از این امکان می‌باشند تا بتوانند در امور سیاسی کشور مشارکت نمایند. هیچ‌گونه حق برای تصمیم‌گیری از سوی جمعیتها و تشکلات مسلح متصور نمی‌باشد.

هیچ گونه مجمع و انجمنی که خواستار ارائه يك اعتراض یا هر گونه اقدامی پرسش گونه باشد قابل انحلال نیست مادام که از سوی این انجمن یا مجمع صدمه و خسرانی متوجه مقام یا دستگاهی نباشد و هیچ نوع تهدید و اربابی از سوی خواهنده متوجه خواسته نباشد.

اصل دهم

شهروندان و ساکنین کشور ایالت متحده مکزیك حق برخورداری از تملك اسلحه را در منزل خود دارند، البته به نیت دفاع و امنیت شخصی بجز در مواردی که از سوی قانون کشوری و منحصرأ جهت استفاده ارتش و نیروهای مسلح و نیز نیروی هوایی و گارد کشوری متصور

گشته باشد. قانون فدرال کشوری، مراتب و شرایط و مکانهایی که شهروند یا شهروندان کشور قادر به حمل و حفظ اسلحه می‌باشند را تعیین نموده است.

اصل یازدهم

هر فرد حق ورود به جمهوری مکزیک را و نیز خروج از آنرا و یا سفر به مقصد سرزمین دیگر و نقل مکان از سرزمین خود را دارد، بی آنکه نیاز به تأمین نامه یا گذرنامه و نیز کلیه اوراق و شرایط مشابه آن داشته باشد. امر برخورداری از این حق نیاز به موافقت و مجوز مقامات قضایی کشور دارد، آنهم در مواردی که یک مسئولیت جنحه یا مدنی و اداری، به نحوی که محدودیتهای قانونی در خصوص مهاجرت و یا سلامتی جامعه و نیز حضور مضر و خسران‌آور برخی بیگانگان مقیم در کشور ایجاب نماید، تملک و حفظ اسلحه را اقتضاء نماید.

اصل دوازدهم

در ایالات متحده مکزیک هیچ گونه عنوان اشرافیت یا افتخارات موروثی اعطا نخواهد شد و نیز هیچ نوع عنوان و تیترا از این دست اعطایی از سوی کشورهای دیگر در خاک مکزیک اثر بخش نخواهد بود.

اصل سیزدهم

هیچ فردی را نمی‌توان توسط قوانین اختصاصی یا دادگاههای ویژه محاکمه نمود. و نیز هیچ فردی مستحق برخورداری از امکانات قانونی بیشتر یا مواجب برتر از فردی دیگر که در بخش خدمات دولتی و عمومی و در چارچوب قانون انجام وظیفه می‌نماید نمی‌باشد. قوانین جنگی جهت جرائم و خطاهایی که بر علیه تشکیلات نظامی مشور صورت می‌گیرد وجود دارد. اما دادگاههای نظامی در هیچ موردی و به هیچ عنوانی قادر نخواهند بود بر علیه شخصی که از جمع ارتش و نیروهای مسلح نباشد، حیطة اختیارات خود را گسترش داده اعمال نفوذ نماید. هنگامیکه در یک جرم یا قانون‌شکنی نظامی یک شهروند عادی مجرم و دخیل گشته باشد، مراتب پرونده این بی‌نظمی و بی‌قانونی از سوی مقام ذیربط و تشکیلات مربوطه بررسی و رسیدگی خواهد شد.

اصل چهاردهم

هیچ قانونی نسبت به هیچ شخصی به شکل عطف به ماسبق مجری نخواهد شد. هیچکس را نمی‌توان از حق حیات محروم دانست، یا از آزادی و تملکات و حقوق خویش محروم نمود، مگر آنکه از مجاری قانونی و نزد دادگاههای بایسته پرونده‌اش دنبال گشته باشد و طی آن کلیه تشریفات قانونی و ضروری رعایت گشته باشد.

در محاکمات جنایی و جنحه، تحمیل هر گونه جرم به علل مشابهت و قیاس و یا علی‌رغم کثرت علل و مستندات ممنوع می‌باشد جرم یا قصوری که از سوی قانون قابل اجرا و مرتبط تدوین و تعریف شده باشد.

در محاکمات مدنی، حکم قطعی می‌بایست که بر طبق لوایح و تعابیر حقوقی مندرج در قانون باشد و گرنه، در نبود چنین قانونی، مراتب با استناد به اصول کلی و عمومی قانون بررسی و مبتنی خواهد گشت.

اصل پانزدهم

انعقاد هر گونه معاهده و بستن هر گونه پیمانی جهت استرداد مجرمین سیاسی و رفتار با ایشان به شکل بردگان ممنوع است، چه این گروه مجرمین عادی و عامل ارتکاب جرم در سرزمین خودی باشند. همین‌طور انعقاد هر گونه معاهده‌ای یا پیمانی که به موجب آن ضمانتهای فردی و حقوق فردی متضرر یا متغیر گردند، حقوق و ضمانتهایی که از سوی قانون اساسی جهت شهروندان متصور و مقرر گشته، مجاز نمی‌باشد.

اصل شانزدهم

هیچکس را نمی‌توان شخصاً یا از لحاظ خانوادگی و یا اقامتی و مدارکی و مالکیتی مورد ایضاء و آزار قرار داد مگر آنکه مراتب از سوی مقام ذریب طي حکم و دستور شرف صدور شده باشد و مجاری قانونی مراتب را طی طریق نموده باشد.

هیچ فردی قابل دستگیری نیست مگر آنکه از سوی مقام قضایی مراتب محکومیت وی محرز شده باشد و یا مراتب مجرمیت وی و استناد محکومیت و مجرمیت وی محرز گشته باشد. مقامی که حکمی یا فرمان قضایی را در جهت دستگیری فردی مجری می‌سازد، می‌بایست فرد غیر محکوم را نزد محاکم و قضات معرفی نماید، بی‌هیچ فوت وقت و نیز تحت مسؤولیت سنگین و قطعی خویش هر گونه تخطی از مراتب فوق، از سوی قانون جزا مورد مجازات قرار خواهد گرفت.

در خصوص جرائم فاش و آشکار، هر فردی می‌تواند مظنون را دستگیر و بدون فوت وقت تحویل مقامات مربوطه دهد و این مقام موظف است بدون درنگ، مظنون را در اختیار مقامات و دوائر ذریب کشوری قرار دهد.

تنها در موارد اضطراری و هنگامیکه جرمی وخیم و تعریف شده از سوی قانون مطرح است، و در شرایطی که احتمال بروز خطری از سوی مجرم و گریز از دست عدالت مطرح باشد و هنگامیکه عامل دستگیری قادر به تحویل فی‌الغور مظنون بر مقامات ذیصلاح نباشد، به هر دلیل مکانی و زمانی و موقعیتی، مقامات ذیصلاح کشوری قادرند به مسؤولیت خویش حکم دستگیری مجرم را صادر کرده و خود علل و انگیزه‌های این اقدام اضطراری را تبیین و تدوین و تصریح نمایند.

لذا در موارد اضطرار و حساسیت زمانی در دستگیری يك مجرم، قاضی که فرد مجرم را به وی تحویل داده باشند، محق و مجاز است مراتب دستگیری قطعی و یا آزادی وی را، به صراحت، با رعایت حق قانون نسبت به تصمیم‌گیری نهایی و غایی، صادر نماید. هیچ مظنونی را نمی‌توان بیش از ۴۸ ساعت در حبس تشکیلات اداری دادگستری کشوری محبوس نگهداشت و باید که وی را آزاد نموده در اختیار مقامات قضایی قرار داد. این مدت حبس قبل از تحویل به مقامات قضایی را می‌توان تا دو برابر افزایش داد در شرایطی که قضیه عبارت از جرمی سازمان یافته و تشکیلاتی باشد. مراتب غیر از این پیش‌بینی‌ها از سوی قانون تخلف محسوب گشته و مجازات مربوطه خواهد داشت.

در هر مورد از دستگیری که تنها مقام قضایی قادر به صدور حکم بطور کتبی باشد، محل بازرسی شخص یا اشخاص مورد دستگیری و اشیاء مورد جستجو باید به وضوح و صریحاً تبیین گشته باشند و نیز حکم به همین مراتب بسنده کند، سپس و بعد از انجام امر تفتیش باید که پیش‌نویسی از عملیات بازپرسی و در محضر دو شاهد پیشنهادی از سوی فردی که محل مورد تفتیش را در اشغال خود دارد مراتب پیش‌نویس تنظیم گردد و در صورت فقدان این دو شاهد یا عدم پذیرش ایشان از شهادت، مراتب بازپرسی از فرد به انجام می‌رسد و تنظیم و ارائه می‌گردد.

ارتباطات خصوصی غیر قابل تعدی و استراق سمع‌اند و قانون هر گونه اقدامی که بر علیه آزادی و مجرمیت ارتباطات صورت پذیرد را از لحاظ جنایی و جنبه مورد مجازات قرار خواهد داد. و منحصرأً مقام قضایی کشور، آنهم به درخواست مقام فدرال که مراتب قانون را محرز و مجاز شناخته باشد و یا به درخواست مقام دادستان و یا مسؤول ارشد کشوری مرتبط با نوع جرم، خواهد توانست مراتب استراق سمع و یا پیگیری ارتباط مراسلانی و مخابراتی را مجاز دانسته صدور حکم نماید. در همین خصوص، مقام ذیصلاح موظف است تا علل قانونی درخواست استراق سمع و یا پیگیری ارتباطی و مخابراتی مزبور را مستند و مستدل تشریح نماید و حتی مدت زمان و نوع استراق و موضوعات استراق را مشخصاً تفسیر نماید. مقام قضایی کشوری، مجاز به صدور مجوز در مراتب سابق‌الذکر نبوده به ویژه هنگامیکه موضوع مرتبط به مسائل انتخاباتی، دادستانی یا مالی، تجاری، مدنی، کاری و یا اداری باشد و نیز مجاز به صدور مجوز در مواردی که گفتگوی موضوع مرادده یا مراسله و مخابره بین زندانی و وکیل مدافع خویش صورت می‌گیرد.

استراق سمعها و تفتیش‌های مخابراتی- مراسلانی- مراداتی، بر حسب چارچوب قانون و محدودیتها و شرایط قانون تنظیم و اجرا می‌گردند. نتایج این دخالت‌های مخابراتی و تلفنی یا

تفتیش‌های محاوراتی و مخابراتی چنانچه طبق چارچوب و محدودیتهای قانون نباشد از هر گونه ارزش اثباتی بری و فاقد اعتبار محسوب می‌شوند.

مقام اداری مرتبته کشوری، خواهد توانست حتی به دیدارهایی از منازل افراد مورد تفتیش و تداخل و کنترل تلفنی. مخابراتی مبادرت ورزد تا اطمینان از صحت اجرا و عملکرد مسئولین استراق یا تفتیش مخابراتی حاصل نماید یعنی از صحت عملکرد و از سیستم پلیسی بکار رفته اطمینان حاصل نماید. حتی قادر است طلب کتب و اسنادی را نماید که مراتب تفتیش به آنها اشاره نموده و در این ارتباط می‌تواند به دلایل و قوانین مربوطه استناد نماید. مراتب مکاتباتی که تحت پوشش خاص در مراوداتی خاص جریان خواهد داشت از هر گونه ثبت و ضبط و ربط مبری خواهد بود و هر گونه تعدی به حریم مراتب فوق مجازات مختصی در بر خواهد داشت.

در زمان صلح هیچ عضو ارتشی یا نیروهای مسلح نخواهد توانست در منزلی شخصی خلاف میل مالک یا صاحب آن ملک سکنا گزیند. و نیز نخواهد توانست هیچ گونه وامی را به تحمیل از کسی طلب نماید. در زمان جنگ نظامیان قادرند به اشغال یک مکان مسکونی خود را تحمیل نمایند، حتی تقاضای غذا و کمک و دیگر توقعات از این دست در چارچوب قانون حکومت نظامی که تصریح نموده است، می‌نماید.

اصل هفدهم

هیچکس قادر نیست شخصاً به اجرای عدالت مبادرت ورزد و یا برای احقاق حق خویش اقدام به هر گونه تجاوز یا تعدی نماید. هر فردی مستحق است از اجرای عدالت نزد محاکم ذیربط طی مهلت‌های قانون بایسته و محکمه برخوردار گردد و نیز همین محاکم‌اند را بهره‌مند سازند و هر گونه درخواست هزینه قضایی و حقوقی ممنوع و خلاف است. قوانین محلی و کشوری، موازین و وسایل و تدابیر کافی را جهت تضمین مراتب استقلال محاکم و اجرای تمام و کمال تصمیماتشان ارائه خواهند نمود. هیچکس را نمی‌توان به جهت بدهی مدنی حبس و حصر و زندان نمود.

اصل هجدهم

تنها در مواردی که جرمی شایسته و مستحق مجازاتی جسمانی و فیزیکی باشد حکم به زندان و حبس پیشگیرانه داده خواهد شد و محل این حبس مغایر با محل حبس‌هایی است که به نیت و به جهت مجازات‌های معین و مقرر می‌گردد و بطور کلی جداگانه تعریف و تبیین و تعیین می‌شوند.

حکومت کشوری و ایالتی نظامی جزایی را در حوزه قضایی خویش، هر استان و هر نقطه به فراخور و به مقتضای موقعیت و تقسیم‌بندی جغرافیایی‌اش، سازماندهی خواهد کرد بر شالوده کار و توانایی و توانبخشی جهت آن کار و نیز تربیت مقتضی بمثابه تطبیق دوباره اجتماعی فرد بزهکار در محیط جامعه زندهای بزهکار محکومیت خود را در اماکنی جداگانه فرمانداران و یا استانداران ایالتی با استناد و تشتت به آنچه قوانین محلی مقدر می‌دارند قادر خواهند بود معاهداتی از نوع عمومی و کلی و سراسری با تشکیلات مرکزی یا سردمداران حکومتی کل کشور برقرار و جاری سازند تا مجرمین محکوم و حکم گرفته به جرائم از نوع عمومی دوران محکومیت خویش را در تشکیلات و اماکنی که قوه مجریه تعیین نموده است سپری سازند.

حکومت مرکزی و نیز حکومت‌های ایالتی و فرمانداریها یا استانداریها تشکیلاتی ویژه جهت برخورد با بزهکاران جزء استقرار خواهند داد. مجرمینی که دارای ملیت مکزیک هستند و در حال سپری کردن دوره محکومیت خود در کشورهای بیگانه باشند، خواهند توانست به جمهوری مکزیک بازگشته تا محکومیت خویش را بر مبنای نظام تطبیقی اجتماعی پیش‌بینی شده طی همین اصل قانون سپری نمایند، هم چنین مجرمین بیگانه که در خاک مکزیک به جرم مشابه دوران محکومیت سپری می‌نمایند، خواهند توانست به کشور موطن خویش بازگشته و این امر طبق مراتب کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط به این بند و شرح قانون میسر خواهد شد.

فرمانداران و حاکمین ایالتی، قادر خواهند بود از قوه مجریه کشور درخواست حمایت از قوانین محلی مربوطه را جهت شمول و مراتب مشمولین مجرمین رده عمومی، نزد کنوانسیونها و معاهدات فوق بنمایند. انتقال مجرمین تنها در پی اعلام صریح رضایتمندی شخص ایشان میسر خواهد بود.

اصل نوزدهم

هیچ گونه دستگیری محکومین نزد مقام قضایی کشوری بیش از هفتاد و دو ساعت معتبر نخواهد بود یعنی از لحظه دستگیری فرد مظنون یا خاطی یا مجرم این هفتاد و دو ساعت کلید زده خواهد شد، مگر آنکه مراتب حکم حبس و قطعیت جرم مسلم و محقق گشته باشد و محکومیت و مسؤولیت فرد خاطی بسیار محتمل بوده باشد.

مراتب تعویق و تمدید زمان حبس خاطی و مجرم که بر علیه و بر خلاف مراتب فوق صورت گیرد طبق قانون جزا مورد مجازات قرار خواهد گرفت. محافظین و زندانبانانی که رونوشت مجوز حکم قطعی را مبنی بر حبس فرد مجرم یا خاطی طی مهلت فوق‌الذکر دریافت ننمایند موظف به آگاهی قاضی و صادر کننده حکم بلافاصله پس از ختم زمان حبس بوده و چنانچه مراتب تأیید و رسید اعلام خویش را ظرف ۳ ساعت پس از لحظه خاتمه زمان حبس دریافت ننمایند، خواهند توانست خاطی را آزاد نمایند.

کلیه روندهای حبس و محکومیت یک مجرم الزاماً بر اساس نوع جرم یا خطای مشخص وی که به علت آن در حبس قرار دارد، سپری خواهد شد و چنانچه مجرم مرتکب خطا یا جرم دیگری بشود، مراتب بطور جداگانه بررسی و قضاوت و صدور حکم خواهد شد و مراتب محکومیت چنانچه محرز گردد در ادامه حبس یا دوران محکومیت فعلی‌اش منظور و مجری خواهد شد.

هر گونه بد رفتاری و آزار به خاطی و مجرم و زندانی در طول دوران محکومیت و حبس که وجهه و توجیه قانونی نداشته باشد و نیز هر گونه مشارکت و موافقت با زندانیان در اماکن زندانها، سوء استفاده از مسؤولیت تلقی می‌شود و طبق قانون مورد اصلاح و سرکوب از سوی مقامات ذیربط قرار خواهد گرفت.

اصل بیستم

در هر روندی که نظامی جزایی بر آن مترتب است، مظنون یا مجرم محبوس از ضمانتهای زیر برخوردار خواهد بود:

۱- هر گاه که درخواست نماید، قاضی مکلف به اعطای آزادی موقت به وی تحت قبول وجه‌الضمانی خواهد بود و این مادامی روی می‌دهد که به واسطه جرم وی منظور شدت و وخامت این جرم، قانون صراحتاً وی را از این امتیاز محروم قلمداد نموده باشد. در خصوص جرائم غیر وخیم، و به درخواست مقام دادستانی کشور، قاضی خواهد توانست آزاد موقت را منع نماید یعنی هنگامیکه مقصر یا مجرم از پیش محکوم گشته باشد و به علت جرمی وخیم و شدید از سوی قانون محکومیتی برایش متصور گشته شده باشد و یا هنگامیکه دادستانی به ارائه مستندات نزد قاضی و محکمه مطرح و اثبات نماید که آزادی حتی موقت مجرم به جهت نوع رفتار مسبوق وی و یا محصوریت‌هایی از باب نوع جرم مرتکبه می‌تواند خطر آفرین برای فرد مورد تجاوز و تعدی و تهاجم و یا خود جامعه در کل و بطور اعم باشد.

مبلغ و شکل وجه‌الضمانی که تعیین گردید، باید نوعی باشد که برای مجرم و مقصر، رقم و نحوه‌ای منطقی و قابل قبول و منصفانه باشد. ضمناً در مراتب و چارچوبی که قانون تعیین نموده است مقام قضایی خواهد توانست مبلغ وجه‌الضمان را تغییر دهد. در خصوص تصمیم‌گیری در باب شکل و مبلغ وجه‌الضمان، قاضی موظف است ماهیت و نیز چگونگی نوع جرم را در نظر بگیرد. خصوصیات و وضعیت مجرم و نیز امکان تحقق تعهدات قضایی وی نسبت به پرونده و جرم باید مدنظر قاضی باشد. همین طور میزان و کم و کیف خسارات و آسیب‌هایی را که به قربانی وارد آورده و همین طور میزان مجازات نقدی را باید ملحوظ نظر داشته باشد تا مبدا به مجرم تحمیلی صورت گیرد.

این قانون است که موارد وخیم را که طی آنها قاضی خواهد توانست مراتب آزادی موقت را لغو نماید مصلحت‌اندیشی و تصمیم‌گیری خواهد نمود.

۲- مجرم را نمی‌توان وادار به اعتراف و ادای اظهارات نمود و نیز هر گونه ایجاد عدم ارتباط وی، ارباب یا فشار بر وی ممنوع بوده، خلاف آن عقوبت و مجازات دارد. اعتراف مجرم در برابر هر يك از مقامات قضایی که غیر از مقام دادستان و قاضی باشند و یا در برابر هر يك از اینها در غیاب وکیل مدافع وی، فاقد هر گونه ارزش اثباتی است.

۳- مراتب اتهام و جرم و مجرمیت وی طی ۴۸ ساعت پس از دستگیری و حبس به اطلاع مجرم خواهد رسید و همین طور نام خواننده و کم و کیف اتهام و انگیزه خوانندگی او به آگاهی‌اش برسد تا وی به خوبی نسبت به عمل قابل مجازات خویش آگاهی یافته و قادر به پاسخگویی باشد و حتی مراتب اظهارات مقدماتی وی به رضایت او می‌رسد و در اختیارش قرار می‌گیرد.

۴- هر گاه مجرم بخواهد در برابر قاضی و در برابر خوانندگان خویش در قضیه پرونده مطرح روبرو خواهد شد.

۵- کلیه شواهد و توضیحاتی که ارائه گردند در قضیه پرونده وی ابتدا دریافت و جمع‌آوری می‌شوند و سپس زمان مکفی برای جوابگویی وی و حتی مهلت مکفی برای آنکه بتواند از شواهدی و دلایلی، زنده و مکتوب و حی و حاضر در محل بررسی پرونده مجرمیت‌اش حسن استفاده را نماید، در نظر گرفته خواهد شد.

۶- وی در يك محکمه عمومی و نزدیک قاضی و هیأت منصفه که مواد خواندن و نوشتن داشته باشند دادگاهی خواهد شد، با هیأت منصفه‌ای که از شهروندان محلی بوده و نیز در ناحیه‌ای که جرم در آن رخ داده است. البته این مراتب هنگامی تحقق می‌یابد که به علت جرم وی بشود او را بیشتر از يك سال حبس و زندان نمود.

روی هم رفته کلیه جرائمی که علیه نظم عمومی خطر ساز بوده باشند و امنیت خارجی یا داخلی کشور را به مخاطره اندازد تحت محکمه‌ای با نظارت هیأت منصفه بررسی خواهند شد.

۷- در اختیار مجرم کلیه اطلاعات مندرج در پرونده محکومیت‌اش که در خواست نماید جهت تنظیم دفاعیه‌اش، قرار خواهد گرفت.

۸- وی در خلال چهار ماه تحت مجرمیت‌اش محاکمه خواهد شد چنانچه میزان محکومیت‌اش نخواهد فراتر از دو سال باشد و چنانچه میزان محکومیت‌اش قرار باشد احياناً بیشتر از دو سال باشد حداکثر ظرف يك سال پس از لحظه مجرمیت و حبس، مراتب دادگاهی شدنش برگزار خواهد شد.

۹- وی از لحاظ مجرمیت و حبس و شروع مراحل دادگاهی پرونده‌اش، در جریان کم و کیف حقوق خود که از ناحیه این قانون اساسی برای وی مترتب است قرار می‌گیرد و نیز مستحق برخورداری از دفاعی مناسب می‌باشد چه از ناحیه خویش یا از ناحیه وکیل مدافع و یا هر فرد قابل اعتماد خود او و چنانچه نخواهد و یا نتواند وکیل مدافع را نام ببرد، پس از آنکه محکمه از مراتب این عدم تمایل یا عدم توانایی اطمینان و اطلاع حاصل کرد، قاضی برای وی وکیل تسخیری و معین و نامزد خواهد کرد.

ضمن آنکه وی حق برخورداری از حضور وکیل مدافعش در تمامی مراحل روند پرونده و مسیر دادگاه را خواهد داشت و نیز سیر و روند قانونی محکمه وی موظف به تمامی دفاعاتی که مجرم بخواهد وکیلش در جلسات حضور بهم رساند می‌باشد.

همچنین:

۱۰- در هیچ پرونده یا موردی مراتب حبس و زندانی بودن مجرم به خاطر کمبود پرداخت حق‌الوکاله مدافعینش یا بهر علت دیگر مدنی یا علل مشابه قابل تمدید و تعویق نیست. و نیز مراتب حبس پیشگیرانه وی به مدتی بیش از زمانی که قانون برای نوع مجرمیت‌های مقرر داشته میسر و ممکن نخواهد بود.

و در کلیه محکومیت‌هایی که قرار بر حبس مجرم باشد، و حکمی در این قبال صادر گشته باشد زمان مورد حبس نیز محاسبه خواهد شد.

ضمناً ضمانت‌های پیش‌بینی شده در بخش‌های يك و پنج و هفت و نه (۹) در طول مراحل تفتیش و تحقیق اولیه ملاحظه خواهند شد یعنی در چارچوب شرایط و محدودیت‌هایی که قوانین مقرر می‌دارند و نیز آنچه در بخش ۲ مدنظر است مشروط به هیچ چیز نخواهد بود.

در کلیه روندها و مراحل پرونده‌های قضایی، قربانی و یا مورد تعدی و تحمل آسیب به جهت ارتکاب بزه یا جرمی، حق دریافت مشاوره حقوقی خواهد داشت تا میزانی که آسیب و شکنج وارده بر وی به شکلی رضایت‌مندانه و رضایت‌بخش التیام یا بدو نیز مستحق دریافت کمک از سوی مقام دادستان کشور و برخورداری از مراقبت‌های پزشکی در حد اورژانس و نیاز و دیگر ملاحظات و توجهاتی که قانون بر وی مترتب دانسته را خواهد داشت.

اصل بیست و یکم

تحمیل جرائم و مجازات‌ها منحصراً مختص مقام قضایی کشور است و امر تحقیق و تعقیب و پیگیری جرائم مرتبط با مقام دادستانی کشور است و این مقام به کمک نیروی پلیس ویژه‌ای تحت امر مستقیم خویش به انجام امر تحقیق و تعقیب و پیگیری خواهد پرداخت. بکارگیری جرائم مربوط به خطاهایی که بر علیه مقررات دولتی و پلیسی صورت پذیرفته (ارتکاب گشته) باشد مربوط به مقام دادستانی کشور است که بواسطه این جرائم، مجازات‌هایی نقدی و حبسی تا میزان سی‌وشش ساعت به مجرم تحمیل می‌گردد. اما چنانچه مجرم یا خاطی از پرداخت جریمه و قبول مجازات سر باز زند تا بهر حال با دستگیری مجدد و تحمیل مراتب مجازات به وی که حداکثر سی‌وشش ساعت تعیین و برآورد گشته، در مورد وی به اجرا گذاشته خواهد شد.

چنانچه فرد خاطی و مجرم کارگری روز مزد، کارگر مسلک و یا حق‌الزحمه بگیر غیر اداری و غیر کارمند باشد، نمی‌توان وی را به مجازاتی نقدی بیش از مبلغ دستمزد روزانه وی محکوم ساخت.

تصمیمات و قطعنامه‌های دادستان کشور در خصوص عدم اجرا و انصراف مراتب مجازات- از طریق حوزه‌های قضایی و نیز در چارچوب مقررات قانونی- قابل پاسخگویی خواهد بود. امنیت عمومی و کشوری وظیفه‌ای است برعهده کل هیأت حاکمه، و نیز ناحیه حکومت مرکزی ایالات و شهرداریها و نیز نهادهای ذیربط که این قانون بدان حکم و فرمان فرموده است. عملکرد نهادها و مؤسسات پلیسی کشور، از طریق اصولی مبتنی بر برابری و شایستگی و تبحر و صداقت هدایت و ارشاد خواهد بود.

هیأت حاکمه کشور، حکومت مرکزی، ایالات و شهرداریها در چارچوب قانون خود را با یکدیگر هماهنگ خواهد ساخت تا نظامی کشوری برای امنیت عمومی ملت و کشور برقرار سازند.

اصل بیست و دوم

مجازات‌هایی به شکل مثله کردن و نیز بدنام سازی، لکه دار کردن افراد، هتک حرمت، شلاق زنی افراد، چوب فلک کردن ایشان، از هر نوع که باشد و نیز اغراق در اجرای مجازات، مصادره اموال و هر نوع مجازاتی غیر معمول و غیر عادی به شدت و جداً ممنوع می‌باشد.

عمل استفاده قسمتی یا تمامی اموال فرد یا افرادی، از سوی مقام قضایی کشور جهت پرداخت غرامت مسؤولیت مدنی در ازای ارتکاب یک بزه، به هیچ وجه مصادره اموال محسوب نمی‌شود و نیز بکارگیری اموال فرد به شکل جزئی یا کلی، در جهت پرداخت مالیات یا جرائم و غرامتها نیز مصادره اموال آن فرد یا افراد به حساب نمی‌آید علی‌رغم آنکه این امر از سوی مقام قضایی کشور حکم گشته باشد، و علی‌رغم آنکه این امر در جهت احتکاری غیر حلال و نامشروع طبق مفاد بنیاد اصل ۱۰۹ قانون صورت همچنین محکومیت مرگ به جرائم سیاسی، منتفی و ممنوع اعلام می‌گردد، و نیز در خصوص دیگر جرائم، مقام قضایی تنها می‌تواند این محکومیت مرگ را به مجرمین از نوع خائنین به وطن، در معضلاتی مثل نبرد در برابر بیگانه، پدرکشی، خیانت در جنایت یا خیانت، قتل عمد یا آتش‌سوزی یا آدم‌ربایی، راهزنی و دزدی، و جرائمی که از لحاظ نظامی وخیم تلقی می‌شوند، تحمیل نمایند.

اصل بیست و سوم

هیچ محاکمه جنایی نباید، از سه مرحله دادگاه و نشست محکمه‌ای تجاوز نماید. و هیچکس را نمی‌توان دو بار به خاطر یک جرم یکسان محاکمه نمود. چه محکوم گردد در مرحله آغازین محاکمات چه تبریته. اعمال برائت از محکمه مطلقاً ممنوع است.

اصل بیست و چهارم

هر فردی در ابراز و اعتراف اعتقادات و باورهای مذهبی‌اش آزاد است و نیز از آزادی عمل در انجام مناسک مذهبی مورد علاقه‌اش برخوردار است. مادامی که مرتکب جرم و خطایی که از لحاظ قانونی مجازات دارد نشود.

کنگره نمی‌تواند مبادرت به اعمال قوانینی که ممنوعیت برای هر دین و مذهبی را بخواهد اعمال کند نماید، رفتار و مناسک مذهبی ادیان مختلف مردم بطور عادی در معابد مربوطه‌شان قابل اجراء است و نیز کلیه مناسکی که خارج از معابد بخواهد برگزار گردد، یا تشنت به قوانین مرتبطه قابل تحقق می‌باشد.

اصل بیست و پنجم

سرپرستی و نظارت بر حسن اجرای این امر به شکل فراگیر و بگونه‌ای که بر حاکمیت و استحکام اقتدار ملی و کشوری بکوشد بر عهده دولت است و نیز دولت است عهده‌دار تشویق رشد اقتصادی و اشتغال به کار و نیز توزیع هر چه عادلانه‌تر ثروت و درآمدهای ملی که به کمک آن امکان اجرا و تحقق آزادی و عظمت و شوکت فردی، گروهی، طبقاتی، اجتماعی که مراتب امنیت کامل‌اش طی همین قانون اساسی تضمین و حمایت می‌گردد، تحقق یابد. و نیز دولت است که به طرح، هدایت، هماهنگ و ارشاد فعالیت‌های اقتصادی ملی و کشوری همت خواهد گمارد و باز دولت است که به امر تنظیم و تشویق فعالیت‌هایی که به درآمدزایی ملی در چارچوب آزادی‌های مشروع اعطایی توسط قانون اساسی حاضر، می‌انجامد عهده‌دار بوده، مبادرت خواهد ورزید.

بخش دولتی و نیز اقشار دیگر اجتماعی و خصوصی در امر توسعه اقتصاد ملی مشترکاً همت خواهند گمارد ولی این مشارکت و همت دسته‌جمعی مانع از شکل‌گیری دیگر فعالیت‌های اقتصادی که به کمک توسعه کشور و میهن خواهند آمد، نخواهند شد.

بخش دولتی به شکلی منحصر عهده‌دار تمامی زمینه‌ها و پهنه‌های استراتژیک که در اصل بیست و هشتم، پاراگراف چهارم مشروحاً ذکر گشته، خواهد بود، در ضمن حکومت فدرال مراتب کمک و کنترل نهادهای دست‌اندارکار و درگیر این قضیه را عهده‌دار خواهد بود.

بخش دولتی همچنین خواهد توانست به همراه بخش‌های اجتماعی و خصوصی جامعه و یا به تنهایی طبق موازین قانون، در تشویق و سازماندهی زمینه‌های ترجیحی توسعه کشور همت گمارند.

نسبت به حمایت و تشویق مؤسسات و بخش‌های خصوصی و اجتماعی درگیر معضل اقتصادی کشور و تحت معیارهای برابری و برابری، همت و تلاش خواهد شد، این امر با کمک بهره‌گیری از رفتار و عملکردی که متضمن حصول منافع ملی و عمومی و مفید حال جامعه باشد با ملاحظه کافی نسبت به حفظ دقیق و رعایت سلامت محیط زیست، صورت خواهد گرفت.

امر برقراری مکانیزم‌هایی که مراتب سازماندهی و گسترش فعالیت اقتصادی بخش‌های متنوع و اقشار اجتماعی از قبیل:

پهنه‌های عمومی و مردمی، سازمانها و تشکلات کارگری، تعاونی، جمعیتها و مؤسساتی که منحصرأ یا اکثراً به تشکلات کارگری منسوب‌اند و بطور اعم، کلیه سازمانهای اجتماعی درگیر در امر تولید، توزیع و مصرف اموال و خدمات ضروری اجتماعی.

قانون است که به امر تشویق و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی که از سوی افراد و شخصیت‌های خصوصی صورت می‌گیرد، مبادرت خواهد ورزید و نیز هم اوست که شرایطی را برای حضور و نقش‌آفرینی بخش خصوصی در توسعه اقتصاد ملی و کشوری در چارچوب مقرر از سوی این قانون اساسی همت می‌گمارد.

اصل بیست و ششم

دولت متضمن نظامی طرح ریز جهت توسعه ملی و گسترش تحکیم و پویایی و تداوم و برابری رشد اقتصادی در جهت دستیابی به استقلال، تشکل دموکراتیک مردمی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه خواهد بود.

مقاصد مطروحه طی این قانون اساسی که می‌پردازند به پروژه‌ها و برنامه‌های ملی از همه لحاظ اهداف مرتبط با این پروژه‌ها را تعیین نموده رقم خواهند زد. پروژه‌های مربوط همه در هیأتی دموکراتیک ارائه و طرح خواهند شد و از طریق مشارکت اقشار مختلف اجتماعی به جمع‌آوری تشکل تمایلات و آرمانها و خواسته‌های اجتماعی جهت برخورداری از تشریک مساعی ایشان در معضلات توسعه ملی خواهد پرداخت. ضمناً طرحی سراسری و ملی در امر توسعه وجود خواهد داشت که الزاماً کلیه برنامه‌های اداره مملکتی بدان خواهند پیوست. قانون به قوه مجریه اختیار خواهد داد تا تدابیری در جهت مشارکت و مشاوره اجتماعی در کل نظام دموکراتیک جامعه جاری سازد و نیز موازینی را برای طرح، ساختار سازی و کنترل و ارزشیابی مراحل طرح و برنامه‌های ملی بیندیشد و مطرح سازد و نیز نهادهایی را مسؤول روند برنامه‌ریزی و هم چنین میانی‌چندی را جهت هماهنگ سازی و تحریک بخشیدن به واحدهای فدرایتو کشور در همسویی با اقشار خصوصی مطرح خواهد نمود تا اقدامات و عملکرد آنها ضمن تحقق و اجرا، همگام پیش برود. در نظام طرح و برنامه دموکراتیک کشور، کنگره به شکلی که قانون متذکر گشته و تصریح نموده دخالت و حضور خواهد داشت.

اصل بیست و هفتم

مالکیت زمین‌ها، آب‌های محصور بین سرحدات کشور، در اصل و ابتدا متعلق به ملت و کشور بوده، هم اوست که حق انتقال سلطه و تملک بر آنها را به افراد یا دستجات و شخصیت‌های حقوقی خواهد داشت که بدین شکل مالکیت‌های خصوصی دامن زده خواهد شد. مصادره این املاک فقط به علل فایده رسانی ملی و عمومی و با جبران خسرانهای مرتبطه قابل تحقق است.

کشور یا تمامیت ملت در تمامی موقعیتها و ازمنه حق تحمیل برخی تدابیر که به نفع عموم باشد را بر مالکیت‌های خصوصی خواهد داشت، همین‌طور مواردی که منافع ملی و عمومی حکم می‌کند، برخورداری از عوامل و عناصر طبیعی محسوس و مرتبط از برکت این تملک را به منظور توزیعی عادلانه از ثروت‌های عمومی، حق خود خواهد دانست و نیز ملت است که باید تلاش برای دستیابی بر توسعه متعادل در سطح کشور را مدنظر داشته مراقب بهبود شرایط معاشی و زیستی شهروندان باشد، هم در مقیاس شهری و هم در پهنه روستاها. لذا تدابیری ضروری جهت تنظیم اسکان‌های انسانی و پیش‌بینی تدارکات لازم، استفاده بهینه، از ذخائر و منابع آب و خاکی، رود و جنگلی، به منظور اجرای درست امور عمومی و طرح و تنظیم شالوده‌ها، حراست و بهبود و رشد مراکز تجمع مردمی خواهد اندیشید و اتخاذ خواهد کرد.

و لذا برای تنظیم و تعدیل اکولوژیک، توزیع و تعمیم برابر زمینها و نیز در اختیارگیری امتیازات قانون، سازماندهی و بهره‌گیری منحصراً اجتماعی تمامی اقشار و احاد و نیز توسعه خرده مالکیت روستایی، و نیز توسعه کشاورزی و دامپروری و نیز جنگلداری و پرورش بیشه‌زارها و دیگر اقسام فعالیت‌های اقتصادی در پهنه روستایی و نیز جهت پرهیز از نابودی عناصر و عوامل طبیعی و صدماتی که تحمیل این مالکیتها ممکن است از آن رنج برده، نتیجتاً کل جامعه را اسیر خسران نمایند، عهده‌دار مسؤولیت بوده، تلاش وافی خواهد نمود.

و نیز حق تسلط مستقیم بر تمامی منابع طبیعی از پهنه قاره و سکوهایی زیر آبی جزایر و کلیه معدنی‌ها و توده‌ها و لایه‌های زمین و زیرزمینی برعهده کشور و ملت یعنی سنگی ارزشمند، نمک و نیز نمکینه‌های متشکله از طریق آب‌های دریاها و نیز محصولات حاصله از تجزیه صخره‌ها، آن هنگام که نیاز به بکارگیری منابع زیر خاکی باشد و نیز لایه‌های معدنی و آلی کلیه مواد حتی تا مرحله کودهای شیمیایی و نیز سوخت‌های معدنی جامد، نفت و تمامی کربورهای هیدروژن منسجم و جامد و مایع و گازی شکل زیر فضایی محصور بین سرزمین ملی طبق آنچه حقوق بین‌الملل مشخص و متذکر و تعیین نموده است، برعهده کشور، دولت و ملت است.

کلیه آب‌های دریا‌های داخل قلمرو مکزیکی در چارچوب و مقرراتی که حقوق بین‌الملل تعیین نموده است مایملک این کشور محسوب می‌شود. هم چنین آب‌های رودها و دریاچه‌های درون مرزی و نیز آب‌های مرداب‌ها و برکه‌ها و دهانه رودها که بطور پیوسته و لاینقطع به دریاها کشور

مرتبطاند و کلیه آبگیرها و حوزه‌های آبی که تشکلی طبیعی دارند و با جریانهای آبی دائمی در ارتباط مستقیم هستند از نقطه مدخل اولیه، همینطور حد فاصل آنها و نیز تا مصبشان که به آب دریاها می‌پیوندند و نیز کلیه مجاری آبی مستقیم و غیرمستقیم که به شکلی از اشکال مدخل و حدفاصلشان در محدوده خاک سرزمین مکزیک قرار گرفته باشند و به نحوی که سرحداتی از خاک مکزیک را یا حداقل ثغوری از دو واحد فدراتیو از تقسیم‌بندی جغرافیایی ملی مکزیک را تشکیل دهد و در تماس و تماس با ثغور فوق‌الذکر قرار گرفته باشند، و یا از سرحدات یک واحد فدراتیو کشور عبور نموده و به واحد فدراتیو دیگری بپیوندند و یا خط حایل خطه جمهوری را به شکلی قطع نماید و نیز کلیه آبهایی که خط حایل را در هر نقطه قطع کرده باشند و یا حد فاصل مرزی با کشور همسایه مدخل حد فاصل و یا مصب گرفته باشند، و همینطور مجاری معدنی، ساحلی، بستر رود یا هر نوع آبی جاری تلقی گردند مادامی که در بین حدود و ثغور قلمروی مکزیک به شکلی از اشکال فوق قرار گرفته باشند، طبق چارچوب منظم و مقرر و از سوی قانون از مایملکات آبی فدراسیون مکزیک یا همان ایالات متحده مکزیک محسوب می‌گردند.

نیز آبهای زیرزمینی را می‌توان به اشکال مصنوعی در حصار گرفته شده توسط مالک زمین محل استقرار و بروز آن در مایملک صاحب زمین یا قطعه مربوطه محسوب گردد. اما چنانچه محلی از منافع عمومی را در هر حد و حصری در معرض تجاوز و حضور بهم‌رسانی‌اش قرار دهد دیگر جزء ملک خصوصی صاحب زمین قرار نمی‌گیرد، اینجاست که قوه مجریه خواهد توانست مراتب قانونمندی مرتبته‌ای را بر آن آب یا آبها مرتب دانسته، نحوه استخراج و بهره‌وری از این آبها را تنظیم نماید و محدوده و چارچوب معینی بر آن منطقه استوار سازد، که البته امر استقرار محدوده و چارچوب معین می‌تواند بر کلیه آبهای ملی و درون مرزی مرتب بداند.

دیگر انواع آبهای غیر مشتمل در موارد منظمه فوق متعلق به مناطق و خاک در تملک صاحبانش منظور گشته و به طرق مشخص و مربوط به خود طبقه‌بندی شده محاسبه و محسوب می‌گردند. اما چنانچه این نوع آبها در مجاری و بسترهایی در شرق منافع عمومی قرار گرفته باشد بهره‌وری از آنها نیز جنبه عمومی خواهد داشت و طبق مقررات دیکته شده در قانون اساسی ایالات متحده مکزیک با آنها رفتار می‌شود.

در مواردی که طی دو پاراگراف اخیر ذکرشان رفت، سلطه کشور امری لایتجزا و غیرقابل اجتناب بوده مراتب بهره‌وری و استخراج از منابع مربوطه چه از سوی افراد و آمار حقیقی و خصوصی و چه توسط جوامع متشکله در چارچوب قانون مکزیک، چنانچه مبتنی بر کسب مجوز و اعطایی قوه مجریه کشور نباشد و مطابق موازین و قوانین مشروطه مقرر از سوی قوانین کشوری صورت نگیرند، مجاز نخواهند بود. مقررات و موازین قانون مرتبط با کارهای استخراجی معدنی و منابع دیگر که در پاراگراف چهارم منظور گشته‌اند، مراتب اجرا و تحقق آن از زمان اعتبار اجرا مستقلا و از تاریخ اعطای مجوز مجری خواهند بود و عدم رعایت و عدم لحاظ این مراتب به لغو مجوزات مزبور خواهد انجامید. حکومت فدرال کشور اختیار استقرار منابع و ذخائر ملی و همینطور براندازی و لغو آنها را خواهد داشت.

اظهارات شدیدالحن و تند مربوطه نیز از سوی قوه مجریه در چارچوب موارد پیش‌بینی شده از سوی قانون مجری خواهد بود. هنگامی که منابع و ذخائر فوق عبارت باشند از نفت و کربورهای هیدروژن سولید، لیکید تا گاز، یعنی هیدروکربورهای جامد و مایع و گازی شکل، و یا دیگر معدنی‌های رادیو اکتیو، دیگر امکان اعطای مجوز و قرارداد بهره‌وری به غیر ساقط می‌شود و نیز حتی اگر اعطا هم شود مجری نخواهد بود و این ملت و مملکت است که قادر به بهره‌گیری از فرآورده‌ها و منابع فوق، در چارچوب مقرر از سوی قانونی و مقررات مربوطه خواهد بود. و نیز جزء انحصارات کشور خواهد بود مراتب تعمیم، هدایت تبدیل توزیع و تأمین انرژی برق که به نیت منافع عمومی مصرف خواهد شد در این زمینه اعطای هر گونه مجوز به افراد و احاد و شخصیت‌های حقیقی و خصوصی مجاز نبوده و کشور و ملت است که از اموال و منابع طبیعی خطه خویش به نیت و مقاصد مطروحه فوق بهره‌مند خواهد شد.

و نیز حق و استحقاق ملت و کشور به تمامی است امر بهره‌وری از کلیه سوخت‌های هسته‌ای جهت تعمیم انرژی هسته‌ای و تنظیم و مقرر دانستن کلیه کاربردها در کلیه اهداف. استفاده از انرژی هسته‌ای تنها به مقاصد و منظورهای صلح‌طلبانه قابل تحقق می‌باشد.

کشور، مراتب بهره‌وری از حقوق تملک و سلطهٔ خویش را بر انرژی هسته‌ای، در منطقه‌ای اقتصادی و انحصاری در حد فاصل خارج از آبهای سرزمین و یا زمینهای غیر پیوسته یا وابسته، آبهای ملی به منصفهٔ ظهور خواهد رسانید و یا در حوزهٔ حقوقی و قلمرو قضایی مقرر از سوی قانون مجلسین، و:

منظور از منطقهٔ اقتصادی انحصاری، منطقه‌ای است در حد فاصل دویست مایلی دریایی که از خط شروع مدخل آبهای ملی محاسبه می‌شود و در مواردی که ین گسترهٔ خاکی بخواهد یا به نحوی از انحاء متجاوز بر مناطق اقتصادی انحصاری دیگر دول یا سرزمینها محاسبه و تلقی گردد، محدودهٔ متفرقه و تحدید خاک مناطق مزبور به گونه‌ای محاسبه خواهد شد که طبق توافق بین دولتین، ضروری به نظر رسد.

امکان سلطه بر زمین‌ها و آبهای درون مرزی کشور طبق پیش‌بینی‌های مشروحهٔ زیر محقق خواهد بود و لاغیر:

۱- تنها شهروندان مکزیکی متولد خطهٔ مکزیکی یا تبعهٔ مکزیکی شده و نیز جوامع و تجمعات مکزیکی‌الاصل حق تصاحب و سلطه‌وری بر زمینها و آبها و حق شرکت در مالکیت یا اخذ مجوز جهت بهره‌وری از معادن و منابع آبی را خواهند داشت.

دولت اختیار اعطای چنین محق را به بیگانه، مادام که در برابر وزارت امور خارجهٔ مکزیکی، احراز هویت ملی و شهروندی‌گری مکزیکی نمایند و مراتب عدم تمایل و خواست این بیگانهٔ ملی محسوب شده، مبنی بر حمایت از دولت تابعهٔ اصلی‌اش محرز گردد، خواهد داشت.

چنانچه بیگانهٔ مزبور از توافق و قرارداد و معاهدهٔ خویش تصور نموده سرباز زند، و به نفع کشور و ملت مکزیکی به بهره‌وری از منابع ملی کشور مکزیکی گام نهند، مراتب این اعطای حق از وی سلب خواهد شد.

در منطقهٔ کمربندی صد کیلومتر در طول مرز و پنجاه کیلومتر در خط ساحل بیگانه و غیر قادر و مجاز به تصاحب چنین حقی و سلطه مستقیم بر آب و خاک مکزیکی را نخواهد داشت.

دولت مطابق با منافع ملی و عمومی درون مرزی و نیز اصول متقابل و «رسیپ راسیتی» به قضاوت و حکم وزارت خارجه قادر خواهد بود تا مجوز، به دول بیگانه جهت در اختیارگیری منابع مشروحهٔ فوق در بند حاضر را اعطا نماید. آن هم در محل دائمی اقامت و امکان قوای سه گانهٔ کشور، حتی این مجوز مبنی بر تملک خصوصی اموال غیر منقول ولی ضروری به حال خدمت دهی نزد سفارتها و هیاتهای بیگانهٔ مستقر در خاک مکزیکی باشد.

۲- تجمعات مذهبی که مشتمل در چارچوب مندرجات اصل یکصدوسی‌ام و قوانین مرتبطه باشند، قادر خواهند بود تا به تصاحب و در اختیارگیری و مدیریت منحصر بر اموالی که از برای حصول نیات‌شان ناگزیر باشند، طبق مقررات و شرایط و محدودیتهای منظمهٔ قانونی مبادرت ورزند.

۳- مؤسسات انتفاعی چه دولتی و چه خصوصی که هدف کمک‌رسانی به نیازمندان را داشته باشند و یا به هدف تحقیقاتی علمی و نشر تعلیم و آموزش و کمک متقابل به مشترکین خود به فعالیت می‌پردازند و یا کلیهٔ اهداف مشروع و حلال مدنظرشان باشد قادر به تملک و تصاحب اموال غیرمنقول، به شکل مستقیم و مرتبط بلاواسطه نخواهد بود و طبق موازین قانون نسبت به این امر لحاظ خواهد شد.

۴- جوامع و شرکتهای تجاری از طریق سهام خواهند توانست به تملک زمینهای روستایی تنها در گستره و پهنه‌ای که جهت اجرا و تحقق نیاتشان نیاز دارند مبادرت ورزند.

در هیچ وضعیتی و طبق هیچ شرایطی، شرکتهایی از این دست نخواهند توانست زمینهای مختص فعالیتهای زراعی و دامی، جنگلی در مقاطع و ابعادی که بیش از بیست و پنج برابر ابعاد مندرج و متذکره در بند پانزدهمین اصل شرحشان خواهد رفت، را در تملک خویش بگیرند.

و قانون است که ساختار و میزان سرمایه و تعداد حداقل انحصاء این قبیل شرکتها را تعیین و تکلیف خواهد نمود تا زمینهای در تملک شرکت مزبور افزون بر حد و مرتبطه با خرده مالکیت هر عضوی نگردد. در این صورت، تمامی مالکیت سهام افرادی هر عضو مرتبط با زمینهای زراعی فوق‌الذکر، جهت موارد شمارش قابل محاسبه و افزایش است. و نیز قانون خواهد بود که شرایط شرکت بیگانه را در مجامع و شرکتهایی از این دست خاطر نشان خواهد ساخت.

و نیز هم قانون خواهد بود که روش‌های ثبت و کنترل ضروری و لازم را جهت تحقق آنچه در صورت تخطی از مراتب فوق، صورت گیرد، ملاحظه نموده جاری سازد.

۵- بانکهای مجاز مطابق با قوانین مؤسسات اعتباری خواهند توانست سرمایه‌گذاری‌هایی را بر مالکیت‌های شهری و روستایی، مطابق با پیش‌بینی‌های لازم طی قوانین مزبور داشته باشند، اما نخواهند توانست بر اموال غیرمنقولی که جهت منظورهایی فوق به سرمایه‌گذاری بر روی آنها و به جهت آنها همت می‌گمارند نه تملک و نه مدیریتی داشته باشند.

۶- دولت و حکومت‌های فدرال هر ناحیه مثل شهرداریها در کل خطه جمهوری، قادر خواهند بود تا مبادرت به تصاحب و تملک بر کلیه اموال غیرمنقول و به جهت تأمین خدمات عمومی نمایند. قوانین جاری در خطه جمهوری و ایالات متحده مکزیك در حوزه‌های قضایی خاص خود، تعیین کننده مواردی خواهند بود که طی آنها منافع عمومی و سرویس دهی یا اشغال فلان ملک خصوصی میسر و ممکن خواهد بود و مطابق با قوانین مربوطه ذیربط از هیات حاکمه کشور به بیان دعاوی مربوطه خواهند پرداخت. بهایی که برای غرامت ملک و یا مورد مصادره تثبیت و تعیین خواهد شد، مبتنی بر قدر و قیمتی خواهد بود که در محاضر و دفاتر ممیزی به ثبت اراضی و املاک تعیین می‌گردد، چه این قدر و قیمت از سوی مالک برآورد و تبیین شده باشد و چه از سوی وی بگونه‌ای ضمنی و تلویحی و صرفاً به جهت پرداخت قطعی مالیات‌های مربوطه مورد قبول واقع شده باشد.

میزان افزایش و کاهش و بیشتر و کمتری ارزش و یا عدم ارزش فلان ملک خصوصی که به لحاظ برتریها و نقصانهای مترتبه، که پس از تاریخ تعیین ارزش و اعلام میزان ارزش آن ملک، بروز کند، تنها موردی خواهد بود که باید راجع آن، محکمه کارشناسی و به مصلحت اندیشی و تصمیم‌گیری قضایی حکم نماید.

و این امر هنگامی مورد تصمیم‌گیری و مصلحت‌اندیشی و کارشناسی واقع خواهد شد که بهای ملک در دفتر استیجار ملک و تهیه مسکن و ملک، تعیین و تثبیت نگشته باشد.

تحقق اقدامات مرتبط با کشور و ملت، حسب امر مقررات مندرج در همین اصل، از مجاری قضایی پیگیری و مجری خواهد شد. اما در خلال همین پیگیری و قضاوت و اجرا، به دستور محاکم ذیربط که به صدور حکم ظرف حداکثر یک ماه مبادرت خواهند نمود، مقامات اداری و مدیریت حاکم بر کشور، به امر اشغال و مدیریت با حراج و فروش زمینها و آب‌هایی که موردشان به بحث و قضاوت گذاشته شده، همت خواهند گمارد و نیز هم آنانند که نسبت به صدور کلیه واگذاریها و یا عدم واگذاریها تعیین تکلیف خواهند نمود ولی در هیچ موردی و تا قبل از صدور نهایی حکم و اعلام تصمیم غائی قادر به صدور و اجرای حکمی در جهت مغایر با آنچه تا قبل از اقدام به تصمیم‌گیری به آن زمینها و آنها مترتب است، نخواهند بود.

۷- مسئولیت حقوقی هسته‌های تجمع جمعیت مشترک و عمومی به رسمیت شناخته می‌شود و امر مالکیت بر زمین هم جهت اسکان انسانی و به منظور فعالیت‌های تولیدی مورد حمایت می‌باشد و قانون از تمامیت ارضی زمینهای متعلق به گروه‌ها و جمعیت‌های بومی دفاع خواهد کرد.

قانون با ملاحظه و رعایت و تحکیم زندگی عمومی هسته‌های انسانی و جمعیت مستقر در کشور، در حمایت از زمین‌هایی که به منظور اسکان انسانی مصروف می‌گردد، خواهد کوشید و بهره‌وری از این نوع زمینها، جنگلها و آب‌هایی که مصارف عمومی خواهد داشت، و برخورداری از املاکی از این دست را قانونمندی نموده، منظم خواهد نمود و نیز در تدارک اقداماتی در جهت توسعه و گسترش ضروری در جهت ارتقاء سطح زندگی ساکنین این اراضی همت خواهد گمارد.

قانون در ارتباط با اراده و خواست هسته‌های تجمع انسانی و گروه‌های مردمی، جهت اتخاذ شرایطی که بیشتر مفید حال از آن تجمعات باشد و در مسیر برخورداری از فواید منابع تولیدی این زمینها، مراتب تحقق و اجرای حقوق ساکنین این زمینها را ملحوظ نظر خواهد داشت و حق هر یک از ساکنین به حق این املاک بر ملک و زمین تحت اشغالش مدنظر خواهد گرفت.

و نیز قانون تدابیر و روش‌هایی جهت ساکنین زمینهای فوق مترتب خواهد دانست تا بتوانند اینها بین خود به مشارکتهای درون گروهی و زیر ساختی و تشریک مساعی بپردازند و یا با خود دولت و یا با اشخاص ثالث و حتی در زمینه اعطای حق استفاده از زمینهای خویش به دیگران. ضمن آنکه این ساکنین و مالکین خواهند توانست زمین خویش را بین اعضای دیگر ساکن در این هسته‌های انسانی و اسکان‌های جمعیتی به انتقال واگذار نمایند. نیز هم قانون

خواهد بود که عیناً خواهد توانست شرایط و تدابیر لازم جهت برخورداری از حق سلطه بر روی ملک خویش، از سوی شورای تجمع انسانی مربوطه، را تعیین و تبیین و استوار نماید. در صورت فروش و واگذاری و سلب مالکیت از خود نسبت به برخی از قطعه زمین‌ها و املا نسبت به یکدیگر، قانون از حق ترجیحی پیش‌بینی شده توسط قانون دفاع نموده و آن را لحاظ خواهد نمود.

در درون یک هسته جمعیت، هیچ ساکن و همسایه‌ای نخواهد توانست تصاحبی بیش از پنج درصد کل املاک آن هسته اسکان دست یازد و به هر صورت عنوان دهی و تملک بر زمینهای مزبور در جهت حال فقط یک ساکن و فرد انسانی، می‌بایست مطابق با مندرجات و تصمیمات متذکره در بخش ۱۵ و طبق حدود و محدودیتهای مترتبه این بخش، باشد. شورای عمومی هر هسته اسکان انسانی نهاد عالی خواهد بود که با سازماندهی و بکارگیری مراتب پیش‌بینی شده توسط قانون عملکرد خواهد داشت. کمیساریای عالی هر هسته و هر اسکان انسانی و جمعیتی، منتخبه از سوی مراتب قانونی و به شکلی کاملاً دموکراتیک و به دور از اعمال سلیقه‌ها و اغراض فردی و خصوصی، معرف تمامی هسته و مسئول اجرای تصمیمات شورای فوق خواهد بود. اعاده و بازپس دهی زمینها، جنگلها و آنها به ساکنین هر تجمع و هسته انسانی مطابق با مندرجات قانون و منویات قانون صورت خواهد گرفت.

۸- کلیه مراتب زیر خنثی و ملغی است:

الف- کلیه سلب مالکیت‌های از خود نسبت به زمین متعلقه و نیز واگذاری و یا فروش زمین خود به غیر، همین‌طور فروش و واگذاری آب و ملک، مزرعه، کوه و تپه متعلق به فرد یا گروه و تجمع، از سوی رهبران سیاسی، فرمانداران منطقه‌ای و دولتی و هر مقام دیگر محلی که مغایر با مفاد قانون مورخ ۲۵ ژوئن ۱۸۵۶ و دیگر قوانین و مقررات متعلقه و مرتبته باشد.

ب- کلیه واگذاریها، اشتراکها یا فروش زمین و آب و کوه که از سوی معاونت توسعه کشور (که در هیأت وزارتی فعالیت و هویت دارد. مترجم [۱] و یا وزارت دارایی و هر مقام فدرال کشوری از روز نخست دسامبر ۱۸۷۶ تا تاریخ حاضر که به طریق این واگذاری یا ... ساکنین مورد تعدی و تجاوز به حریمشان واقع گیرند و کار زمینهای عمومی تفکیک و تقسیم و امثالهم بکشد و این زمین یا مزرعه یا امثالهم از متعلقات هسته تجمع و اسکان انسانی مقیم در آن خطه باشد.

ج- تمامی اقدامات قطع و تقطیع زمین، معامله و سلب مالکیت از خود و حراج خصوصی که ذکرشان طی پرونده زمانی که در تاریخهای مذکور طی زیر بند فوق از اصل حاضر آمده، از سوی شرکتها، قضات و محاکم و مقامات دولتی و ایالتی و فدراسیون مکزیک که به طریق آنها، حق از حقوق و حدود زمینهای تحت اسکان، به گونه‌ای غیرقانونی اشغال می‌گردد، نایل گشته و نسبت به ایشان تعدی و تجاوز به حریم تلقی گردد و در لحظه این تعدی به حریم زمینهای مشترک‌المنافع و امثالهم از املاک و متعلقات این هسته انسانی و اسکان جمعیت باشد.

البته از مراتب لغو و بی‌اعتباری مندرج در بحث اخیر و سابق، تنها زمینهایی که به نام زمینهای تفکیکی مندرج طی قانون و به قانون ۲۵ ژوئن ۱۸۵۶ از آنها یاد شده و در تملک به نام فرد یا افرادی برای مدت بیش از ده سال رقم خورده باشد، به شرطی که مساحت‌اش از پنجاه هکتار تجاوز ننماید، بری و غیر محسوب می‌شوند.

۹- تقسیم و تفکیک که به شکلی مشروع و قانونی بین ساکنین یک هسته اسکان انسانی صورت پذیرفته باشد، ولی طی آن خطا یا قصدی و غرض ورزی صورت گرفته باشد، قابل لغو و بی‌اعتباری خواهد بود چنانچه سه چهارم سکنه مالک یا یک چهارم این زمین یا زمینها موضوع تفکیک و تقسیم مورد بحث و یا یک چهارم کل ساکنین مالک سه چهارم زمینهای مورد بحث خواستار لغو و حذف چنین تقسیم و تفکیکی بشوند.

۱۰- ابطال شد.

۱۱- ابطال شد.

۱۲- ابطال شد.

[۱] () «در مکزیک وزارت‌های به عنوان سکرتاریا یا معاونت می‌شناسند، ولی منظور نظر غایبی همان وزارت است.» [مترجم] .

۱۳- ابطال شد.

۱۴- ابطال شد.

۱۵- در ایالات متحده مکزیک امر ارباب و رعیتی ممنوع می‌باشد. هر زمینی که از هر صد هکتار/ فرد (یعنی ۱۰۰ هکتار برای یک نفر) تجاوز ننماید و زمین آبیاری و امثالهم باشد «خرده زمین مزروعی» تلقی می‌شود. جهت مقیاس و اندازه‌گیری و برآورد مراتب فوق اخیر، هر هکتار زمین آبیاری با ضریب دو (۲) در هر فصل محاسبه می‌گردد و به ضریب ۴ در صورت مرغوبیت یک زمین حتی خشک و به ضریب هشت چنانچه عبارت از یک جنگل، منطقه کوهستانی و خشک و زمینهای بایر باشد. و نیز جزء زمینهای خرده مالکیتی تلقی می‌گردد، هرگونه سطحی که از یکصد هکتاری فرد تجاوز ننماید و چنانچه زمین مزبور، صرف و مختص کشت و زرع پنبه و با برخوردار از آبیاری باشد و یا هرگونه سطحی که به سیصد هکتار بالغ گشته هنگامیکه به کشت موز، نیشکر، قند، گیاه صباره که برای کنف، الیاف و طناب بکار می‌رود، الیاف مشمع و برزنت، نخل، انگور، زیتون، گنه‌گنه، وانیل، کاکائو، درختانی از تیره صبر زرد، گردو و بادام و یا درخت بادام اختصاص داده شده باشد.

و نیز از خرده املاک دامداری به حساب می‌آید زمینی که بیش از پانصد راس دام و احشام را در خود جای دهد چه از گله‌های بزرگ و چه از گله‌های کوچک و در چارچوب قانون و نیز مطابق با توانایی علوفه کافی در زمین خود.

وقتی به علت اقدام برای اموری از قبیل آبیاری، لایروبی یا هر نوع امور اجرایی از سوی صاحبان و مالکان یک ملک کوچک یا خرده املاک، نحوه و کیفیت زمینهای ایشان بهره شده باشد، هم چنان به عنوان یک خرده مالکیت و تملک کوچک محسوب خواهد شد حتی آنگاه که به جهت بهبود آن، زمین از شرایط بهتری برخوردار گردد و از خرابی و ویرانی قبل هم بری گشته باشد و کلیه شرایط مندرج در قانون حتی بر آن مترتب باشد.

هنگامی که در میان یک خرده تملک دامداری بهبودهایی جهت زمین و سطح زیر دامپروری تحقق پذیرد و زمین را برای انجام کشت و زرع مهیا نماید، شطح تحت بهبودی نمی‌تواند بسته به موقعیت و مورد، فراتر از حدود و شعوری که طی پاراگرافهای دو و سه همین بخش از اصل ۲۷ به آن اشاره شده برود و همان مراتبی که به کیفیت این قبیل زمین‌ها چه قبل و چه بعد از انجام بهبودی بدان‌ها اشاره نموده است.

شانزدهم- حذف.

هفدهم- کنگره و تمامی قانونگذارهای دولت و ایالات در حوزه قضایی مرتبته، قادر خواهند بود تا به صدور قوانینی در جهت تعیین تدابیر و در خصوص منفک سازی و تقسیم سطوح و گستره زمینهایی که از حدود مندرج در بخش‌های چهارم و پانزدهم همین اصل بدانها اشاره گشته پردازند.

آنکه حریم محدودیت مندرج و فوق‌الذکر را در بخش‌های مذکور رعایت ننماید و تخطی و تجاوز نماید طی یکسال که به وی مهلت داده خواهد شد از زمان ابلاغ به وی نسبت به مراتب تخطی، فرصت خواهد داشت تا نسبت به حذف فضای مورد تجاوز و برگشت به شرایط بایسته و قانونی خود، اقدام مقتضی به عمل آورد. چنانچه پس از گذشت مهلت قانونی فوق نیز مبادرت به رفع تخلف ننماید، فروش قطعی زمین متعلقه طی یک طرح عمومی تحقق خواهد یافت و در شرایطی یکسان حقه حق ترجیحی طبق مفاد قانون رعایت و لحاظ خواهد شد. / قوانین محلی با سازماندهی میراث خانوادگی به تعیین اموالی خواهد پرداخت که باید در مراتب فوق مشتمل گردند و آن هم مبتنی بر مفادی که لاینجرا و قطعی بوده و در گزند هیچ تحریم و تکفیر و عوارضی واقع نخواهد شد.

هجدهم- تمامی قراردادهای و واگذاریهای صورت گرفته از سوی دول قبل از سال ۱۸۷۶ که به تکاثر و احتکار زمین، آب ملک و ثروتهای طبیعی ملت و کشور منجر گشته باشد، چه از سوی یک فرد چه جامعه و تجمع و گروه قابل بررسی و تجدید نظر بوده و نیز بدین‌وسیله به قوه

مجریه اختیار داده می‌شود تا بتواند تمامی آنها را حتی ملغی اعلام نموده آن هنگام که به نوعی از انحاء خسارتی را به منافع ملی و عمومی وارد سازد. نوزدهم- با تکیه بر این قانون اساسی، دولت تدابیری را در جهت تقسیم و اشتراک در امر زراعت کشور را در نهایت عدالت و برابری اتخاذ خواهد نمود و بکار خواهد بست تا امنیت حقوقی مالکیت و تملک بر زمینهای مزروعی و ساکنین آنها محفوظ بماند و تضمین گردد چه خرده تملکی باشد و چه زمینها مشاع و مشترک، و نیز نسبت به تضمین و امنیت رایزن قانون و مشاوره زارعین نهایت خاطر جمعی را ابدال خواهد داشت. / کلیه معضلات و مسایل مرتبط با محدودیتهای زمینهای ساکنین چه انفرادی و چه اشتراکی، از هر نوع و جنس و موضوعیت چه معوقه و چه بروز کرده بین مالکین منطقه جهت رسیدگی مربوط به حوزه قضایی فدرال و کشوری می‌شود. و نیز تمامی معضلات و دعوای مرتبط با مالکیت بر زمین این قبیل ملک و زمین‌داران جهت رسیدگی به این امور و نیز اجرای مدیریت عدالت زراعی، قانون محاکمی را تأسیس خواهد نمود و به ایشان خودمختاری و اختیارمندی کافی جهت اجرای حقوق و ملاحظات قضایی مربوط را که محاکم پیشنهادی از سوی قضاوت محترم کشور متناسب در قوه مجریه کشور و نیز مجلس سنا کشور می‌باشند، اعطا خواهد نمود و در صورت فقدان سنا در کشور این اختیار دهی و تفویض خودمختاری از سوی قوه مجریه و کمیسیون دائمی مجری خواهد شد.

قانون است که جهت تلاش در مسیر برقراری عدالت زراعی و نیز مراتب زیر نهادی را منصوب خواهد نمود.

بیستم- دولت شرایطی را جهت توسعه زراعی جامع و همه‌جانبه فراهم و هموار خواهد ساخت و با هدف تعمیم امر استخدام و تضمین و تأمین مردم روستایی از جهات رفاه و مشارکت ایشان و نیز تشریک مساعی‌شان در توسعه ملی و پیشرفت کشور، همت خواهد گمارد، همچنین به تعمیم و تشویق فعالیت زراعی- دامی و جنگلی جهت استفاده بهینه از زمین با اموری از قبیل کارهای زیربنایی، تهیه مواد، تأمین اعتبارات، خدمات تربیتی و توان بخشی و معاونت فنی و از این دست، دست خواهد یازید. و نیز درست است که مراتب قانونمندی و چارچوب مقررات را جهت طرح‌ریزی و سازماندهی تولید زراعی دامی و صنعتی کردن و تجاری سازی هر چه بیشتر و موفق‌تر در خطه مکزیک و تماماً با ملاحظه منافع عمومی همت خواهد ورزید.

اصل بیست و هشتم

در ایالات متحده مکزیک هرگونه انحصار و انحصار طلبی ممنوع است و نیز فعالیت‌های انحصار طلبانه معافیت از مالیات در چارچوب و مقررات تدوینی از سوی قوانین کشور ممنوع تلقی می‌شود. همین گونه عملکرد و برخورد در نظام حمایت از صنعت در کشور مجری و نافذ خواهد بود.

در نتیجه، قانون جداً و نیز مقامات ذیربط با کفایت و نهایت هر چه تمامتر هرگونه تمرکز یا احتکار اجناس و اقلام ضروری را در دست یک یا معدودی افراد منحصر، که به قصد افزایش قیمت اقدام به احتکار مواد در مناطق نموده باشند، مجازات خواهند نمود. هرگونه توافق، راهکرد متقابل یا ادغام و اشتراک بین تولیدکنندگان صاحبان صنایع، تجار و بازرگانان در زمینه خدمات صورت گیرد و به نحوی به انحصار یا امتیازگیری و امتیاز دهی نباید، خاص و یکسویه یک کالا بیانجامد، که نتیجه مثبت‌اش عاید عده‌ای معدود، خاص و معین گردد و زیان این انحصار دهی و انحصار طلبی به عموم مردم وارد آید حال از هر طبقه و قشر باشند و کلاً متوجه عموم مردم گردد، جداً با آن برخورد خواهد شد.

قوانین، مبانی و شالوده‌هایی را برای آنکه مشخص کننده قیمت حداکثر فرآورده‌ها اقلام و کالاها باشند تثبیت خواهند نمود. یعنی در زمینه اقتصاد ملی و مصرف همگانی و عمومی جامعه، و نیز جهت تحمیل و الغای نحوه‌هایی به سازمانها و تشکلات توزیع این کالاها به نیت جلوگیری از واسطه‌گری و دخالت غیرضروری عوامل واسطه و دلال یا بی‌مورد و غیر ضروری که به عدم کفایت مقدار و حجم کالاها و ارزاق عمومی مبنی و نیز افزایش بی‌رویه قیمت‌ها. و هم قانون است که مصرف کنندگان را زیر چتر حمایتی خود قرار داده، به اهتمام تشکل و سازماندهی جهت حفظ هر چه بهتر منافع عموم بر خواهد آمد.

هیچ گونه انحصاری از ناحیه عملکرد و اقدامات دولت در زمینه این توزیع عادلانه به گونه‌ای که در زمینه‌های زیر مراتبی از احتکار و انحصار پیش آید، بیار نخواهد آمد؛ زمینه‌هایی از قبیل پست و تلگراف و تلفن، نفت و دیگر هیدرو کربورها، پتروشیمی پایه، معادن رادیواکتیو و تعمیر یا ژنراسیون انرژی هسته‌ای، برق و فعالیت‌هایی که قانون صادره از سوی مجلسین به صراحت نسبت به آنها خط مشی معین نموده است.

ارتباطات ماهواره‌ای و راه آهن و زمینه‌های ترجیحی جهت توسعه ملی در چارچوب اصل ۲۵ این قانون اساسی تلقی می‌شوند. دولت به هنگام اجرای مدیریت و سرپرستی در زمینه‌های مزبور مراتب امنیت و تمامیت و خودمختاری کشور را لحاظ نموده، بهنگام اعطای واگذاری‌هایی یا مجوز، مراتب سلطه مندی (سلطه) بر طرق ارتباطی فوق را بر طبق قوانینی جاری و مرتبط، حفظ و حراست خواهد نمود.

دولت است که از نهادها و مؤسساتی که جهت هدایت هر چه بهتر زمینه‌های استراتژیک مصلحت بداند قادر است بهره‌مند باشد و این عهده‌داری در کلیه فعالیت‌های ترجیحی و مقدم است که طبق نص صریح قانون، خود هم در کنار دیگر بخش‌های خصوصی و عمومی کشور، در آنها شراکت داشته باشد.

دولت از یک بانک مرکزی که خودگردان در امر اجرای وظایف و نیز مدیریت خویش خواهد بود برخوردار بوده و هدف ترجیحی و مقدم‌اش تلاش جهت تثبیت قدرت خرید مردم با واحد پول ملی خویش است ضمن آنکه از طریق همان بانک تحکیم مدیریت توسعه کشور که از وظایف اوست، یعنی دولت، می‌پردازد. هیچ مقامی قادر نخواهد بود به بانک مزبور نسبت به اعطای هر گونه سرمایه‌گذاری و یا وامی اعمال نظر نماید.

اقدامات و عملکردهای دولت که از طریق بانک مرکزی و در زمینه‌های استراتژیک مسکوکات و صدور اسکناس صورت می‌گیرد هیچ یک به ایجاد انحصار طلبی یا مونوپولی و امتیازگیری خاص نمی‌انجامد و بانک مرکزی است که در چارچوب و موازین قانون و با دخالت مربوطه مقامات ذیربط و ذیصلاح به انجام تغییرات دست می‌یازد.

و نیز دخالت در امور و خدمات مالی با برخورداري از کمکها و مساعدت‌های ضروری مقام ذیربط جهت اجرای قانونمندی و پیش‌بینی‌های لازم که ملحوظ نظرش بیفتد. / هدایت بانک بر عهده افرادی است متناسب از سوی ریاست جمهوری و نیز پس از تأیید مجلس سنا و یا کمیسیون دائمی مرتبطه و ذیربط در خصوص مورد مشخص و معین. / متصدیان هدایت و مسئولین سرپرستی و مدیریت بانک مرکزی برای دوره‌های خاص تعیین و تکلیف می‌شوند و طول مدت این دوره‌ها و نیز ترفیع و پیشرفت در زمان تصدی برای اجرای منحصر وظایف ایشان در طول همان دوره خاص پیش‌بینی شده است و نیز عزل ایشان به علل و انگیزه‌های حاد، امکان‌پذیر است و یا هنگامیکه معلوم گردد اینها دارای پستی یا سمتی یا کاربردی دیگر در مقام دولتی هستند ولی از این مراتب عزل مستثنی هستند آن عده یا افراد که در نمایندگی از سوی بانک مزبور و یا در سمتی بدون دستمزد در محافل و اجتماعات آموزشی، علمی، فرهنگی و غیرانتفاعی و فقط به نیت اجرای امور خیریه عهده‌دار سمتی می‌باشند. افراد مسئول و عهده‌دار وظیفه نزد بانک مزبور، امکان محاکمه‌شان از لحاظ سیاسی مطابق با مفاد اصل یکصدوده همین قانون اساسی وجود دارد.

اجتماعات و گروه‌های کارگری متشکله جهت حمایت از منافع خویش و نیز اجتماعات و جوامع تعاونی تولیدی در دفاع از منافع خود و یا منافع عمومی جامعه هیچ گونه انحصار طلبی برایشان متصور نیست. لذا اینها قادر نیستند تولیدات و محصولات ملی و صنعتی کشور را چه منبع اصلی درآمد منطقه باشد چه جدای از منافع و تولیدات حکومت فدرال کشور، علیرغم آنکه این محصولات حاصل تلاش و فعالیت ایشان در منطقه به خودشان هم باشد، بفروش برسانند و این امر نیاز مشخص به کسب مجوز و موافقت قانون مورد به مورد از ناحیه حکومت مرکزی دارد. / همین قانونمندی نیز قادر است به موقع لزوم در جهت لغو و براندازی مجوزات مزبور آنگاه که فراخور ملی و ضرورت کشوری و منافع عامه حکم می‌کند برآیند. لذا مجوزهای اعطایی در صورت بروز هر یک از موارد و حوادث اخیر قابل لغو هستند.

و نیز امتیازاتی که برای مدتی معین به عاملین و خالقین آثار تالیفی و هنری اعطا می‌شوند تا استفاده انحصاری ایشان را از اختراعات و آثارشان سبب گردد، چه در جهت خلق اثر چه

تکمیل و امثالهم هیچگونه انحصار طلبی و مونوپولی را برای عاملین این اثر تألیفی و هنری متصور نمی‌باشد.

دولت با استناد به قوانین خواهد توانست در صورت بروز مواردی که منافع عمومی ملحوظ است، مبادرت به اعطای خدمات عمومی، امکان بهره‌وری، بهره‌مندی از اموال تحت سلطه فدراسیون منظور کشور را به جز در مواردی که در همین مراتب از اعطایشان امتناع گشته نماید. و نیز قوانینی هستند که نحوه و چگونگی و شرایط متضمن کفایت این وام دهی و بهره‌وری اجتماعی از اموال را تعیین و تبیین خواهند نمود و نیز قوانینی‌اند که امکان پرهیز از تمرکز ثروت و خدمت و درآمدزایی را در مواردی که بر علیه منافع عمومی است، دارند.

دستیاری و تشبث به چارچوب خدمات عمومی حسب امر مفاد همین قانون اساسی حاضر میسر بوده و منحصرأ در چارچوب قوانین امکان اجرا خواهند داشت.

و نیز امکان اعطای یارانه برای انجام فعالیت‌های ترجیحی و تقدیمی همواره وجود دارد مادام که این فعالیتها در جهت منافع عموم و به گونه‌ای موقت و نه مادام‌العمر صورت پذیرد. دولت بر نحوه کاربرد آن و اجرای آن فعالیتها نظارت داشته نتایج حاصله را هم اوست که ارزیابی و ارزش‌گذاری خواهد نمود.

اصل بیست و نهم

در موارد بروز تهاجم و تعدی به حریم صلح عمومی یا هر مواردی که جامعه را درگیر خطر و درگیری نماید، تنها مقام رییس جمهوری است که ضمن توافق و هماهنگی با وزرای کابینه، مقام شامخ دادگستری کل کشور و نیز پس از تصویب مجلسین و در صورت غیاب در مجلس، موافقت کمیسیون دائمی کشور قادر خواهد بود به لغو و براندازی امتیازاتی که به واسطه آنها، تهاجم و تعدی فوق صورت گرفته باشد، مبادرت و همت نماید تا به مقابله سریع و جدی با بحران و درگیری نایل گردد. اما دولت بایستی در زمانی محدود و از طریق پیشگیری‌های عمده بی‌آنکه مراتب لغو و غولی که به وی تحمیل بنمایند به عزل فرد یا شخص بخصوصی بیانجامد به این امر همت ورزد. چنانچه این مراتب عزل و براندازی از سوی دولت در هنگامی که برقراری و برگزاری مجلسین صورت پذیرد، مجلسین خواهد توانست مجوزهای لازم و مقتضی را به دولت جهت اجرای هر چه بهتر و سریعتر اقداماتش در این مقابله با درگیری و بحران تفویض نمایند، اما چنانچه این مقابله در زمان غیبت و عدم برگزاری مجلسین صورت بگیرد، از مجلسین خواسته خواهد شد تا در اسرع وقت با مراتب اتفاق نظر نماید.

فصل دوم

در خصوص شهروندان مکزیکی

اصل سیام

ملیت مکزیکی به لحاظ تولد یا تبعیت فرد کسب می‌گردد.

الف/ و لذا افراد مشروحه زیر مکزیکی به حساب می‌آیند:

۱- آنها که در قلمرو مکزیك متولد گشته باشند، حتی اگر والدینشان از ملیتی غیر باشند.
۲- آنها که در خارج از قلمرو مکزیك متولد گردند ولی والدینشان مکزیکی و یا متولد خطه مکزیك باشند.

۳- آنها که در خارج از قلمرو مکزیك به دنیا آمده باشند ولی والدینشان به جهاتی ملیت مکزیك را پذیرفته باشند چه پدر و چه مادر هر يك شهروندیگری مکزیك و ملیت را پذیرا شده باشد، وی نیز مکزیکی محسوب می‌شود.

۴- آنها که در عرشه هوانورد یا دریانورد مکزیکی چه در حال جنگ و چه در هیأت یا هوانورد و دریانورد تجاری باشد، به دنیا آیند، نیز مکزیکی محسوب خواهند شد.

ب/ و نیز افراد مشروحه زیر که به تابعیت مکزیك درآمده باشند نیز به شرح زیر مکزیکی محسوب می‌شوند:

۱- خارجياني که از وزارت امور خارجه مکزيک مراتب شهروندی و ملیت مکزيک را اخذ کرده باشند.

۲- زن یا مرد بیگانه‌اي که به عقد و ازدواج مرد یا زن مکزيکی در آیند و محل اسکان خود را در قلمرو و خاک مکزيک برقرار سازند و نیز از عهده دیگر شرایط و مفاد قانون مربوطه برآیند.

اصل سي و یکم

و این است تعهدات مکزيکیها:

۱- اینکه فرزندان‌شان به مدرسه بروند تا از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و نیز خدمت نظام برخوردار گردند، و همواره در چارچوب قانون.

۲- حضور موظف و به موقع در محل اقامتی‌شان آن هنگام که شهرداری منطقه انتظار دارد تا به امکان آموزش دهی مدنی و نظامی جهت شهروندی‌گري مناسب و با برخورداری از حقوق خویش میسر باشد و یا احياناً اگر قرار است به فراگیری کاربرد اسلحه و نظامی‌گري بپردازند.

۳- انجام خدمت وظیفه در گارد ملی کشور مطابق با قانون تشکیلاتی مربوطه، جهت برقراری و حفظ امنیت و دفاع و حفظ از خطه مکزيک و کسب افتخار و حرمت و حقوق و منافع میهنی و نیز حفظ آرامش و نظم داخلی.

۴- مشارکت در هزینه‌های عمومی و نیز کشوری، و منطقه‌اي تحت زیست و اسکان، به گونه‌اي شایسته و برابر با مفاد قانون مرتبطه.

اصل سي و دوم

قانون است که مراتب اجرا و برخورداری از حقوق قانونی افراد مکزيکی را تضمین و تعیین می‌نماید تا شهروندان دیگر ملیتها از مراتب و چگونگی آن گاه‌کردند و نیز قانون است که مقررات مرتبطه را تنظیم خواهد نمود تا هیچ گونه اشکالی یا درگیری از بابت ملیت مضاعف صورت نگیرد.

اجرای وظایف شهروندان مکزيکی یا مکزيکی شده طبق مفاد و نص صریح این قانون اساسی که می‌طلبد تا برای شهروندی‌گري مکزيکی افراد بدان نایل گردند، به روشنی توضیح داده شده است. این امکان همچنین در خصوص دیگر مراتب متذکره توسط قوانین دیگر کنگره کشوری مجری خواهد بود.

در زمان صلح، هیچ بیگانه‌اي را نمی‌توان جهت خدمت در ارتش یا نیروهای انتظامی و امنیتی کشور به کار گمارده و جهت تعلق به ارتش در زمان صلاح و یا نیروهای مسلح و نیروی هوایی بطور مستمر، و یا عهده‌داری هر گونه مسئولیت و کاربری در ارگانهای مشروحه فوق الزاماً، فرد باید مکزيکی باشد.

همین موقعیت و هیأت برای ناخداهای کشتی یا خلبانان هواپیما یا سرپرستان و مهندسین موتور و مکانیکها و به گونه‌اي اعم جهت تمامی پرسنل همراه هوانورد یا دریانورد که تحت لوای یک کشتی تجاری یا هر هیأت دیگر مکزيکی تردد نماید. و نیز جهت انجام وظایف ناخداگری و کلیه اموری که یک سرپرست هدایت کشتی و یا هوانورد بر عهده دارد. نهایتاً مشمول این مفاد خواهند بود.

مکزيکیها همواره بر بیگانگان مرجح خواهند بود، یعنی در تمامی واگذاریها و برای تمام اشتغالها سمت دهی‌ها و کاربریهای دولتی همواره بر خارجیا برتر خواهند بود.

فصل سوم

«در خصوص بیگانگان و شهروندان غیر مکزيکی»

اصل سي و سوم

همه آنهايي که دارای کیفیات و خصوصیات مفاد اصل ۳۰ قانون اساسی هستند، بیگانه محسوب می‌شوند، و اینها برخوردار از حقوقی هستند که در فصل یک همین قانون برای اینها مرتب است می‌باشند. اما قوه مجریه اختیار منحصر به فرد نفی بلد تمامی آنها که بیگانه‌اند

را دارد و نیز نیازی به محاکمه و محکمه خاصی نیست. بیگانگان به هیچ وجه حق دخالت در امور سیاسی کشور را ندارند.

فصل چهارم «در باب شهروندان مکزیکی»

اصل سی و چهارم

جزو شهروندان مکزیکی محسوب می‌شوند آنها که ضمن شهروندی‌گری در مکزیکی دارای خصوصیات زیر نیز هستند:

- ۱- هجده ساله هستند.
- ۲- روش صادقانه و راستین در زندگی اتخاذ می‌کنند.

اصل سی و پنجم

ضمناً یک شهروند مکزیکی:

- ۱- در انتخابات عمومی شرکت می‌نماید.
- ۲- می‌تواند در تمامی موارد و انواع انتخابات رأی بیاورد و برای عهده‌داری هر سمتی یا کارگزاری طبق مفاد قانون شرکت نماید.
- ۳- شرکت انفرادی و آزاد در تمامی امور سیاسی آشتی‌گرایانه کشور.
- ۴- می‌تواند در ارتش نیروهای مسلح کشور اسلحه در دست بگیرد و در دفاع از جمهوری و نهادهای کشور مکزیکی در چارچوب قانون همت گمارد.
- ۵- شرکت در تمامی امور حقوقی و دادخواستها.

اصل سی و ششم

و اینها از جمله وظایف یک شهروند مکزیکی است:

- ۱- شرکت در ثبت‌نام شهروندی‌گری نزد شهرداری‌ها و نیز ارائه مدرکی که گویای شهروندی‌گری وی می‌باشد حال تملک بر یک حرفه یا صنعت یا هر چه که باشد/ و نیز ثبت نام در ناحیه کشوری طبق مفاد قانون.
- تشکل و عملکرد سازمان ثبت احوال نسبت به اوضاع شهروندان و نیز صحت و سقم اعتبار شهروندی‌گری مکزیکی جزو خدمات عمومی محسوب گشته و در عهده دولت است و نیز:
- شهروندان در چارچوب زیر می‌توانند حق حضور داشته باشند:
- ۲- تشکل در گارد ملی کشور.
- ۳- رأی دادن در انتخابات مردمی در چارچوب قانونی کشور.
- ۴- عهده‌داری مسئولیت با علم به بهره‌مندی از دستمزد و حقوق مالی و ...
- ۵- عهده‌داری مسئولیت در سمتهایی که شهرداری منطقه به وی موظف و مکلف می‌دارد و احیاناً انتخابات بر وی مترتب می‌داند.

اصل چهل و سوم

الف- هیچ شهروند مکزیکی که متولد خاک مکزیکی است را نمی‌توان از حق تولدش و ملیت‌اش از خطه مکزیکی محروم دانست.

ب- ملیت مکزیکی که به جهت تغییر شهروندی‌گری از سوی یک بیگانه کسب و اتخاذ شده باشد، در موارد زیر از بین خواهد رفت:

- ۱- به جهت کسب یک ملیت بیگانه دیگر، یعنی مثل بکارگیری از یک گذرنامه خارجی یا با قبول شهروندی‌گری بیگانه ثالث و یا غیر.
- ۲- با صرف اقامت در یک سرزمین به مدت پنج سال مداوم.
- ج- امتیاز ملیت مکزیکی از بین می‌رود، چنانچه:

- ۱- فردي از مليت حتي افتخاراً، شهروندىگري كشوري يا سرزمين بيگانه بهره جويد.
- ۲- وي به ارائه خدمات رسمي به دولتي بيگانه بدون كسب مجوز از دولت خودي با كميسيون ويژه مبادرت ورزد.
- ۳- فردي به ارائه يا بهره‌وري از تقدير بيگانه بدون مجوز از كنگره كشور متبوع با كميسيون ويژه مبادرت ورزد.
- ۴- فردي به لطف اجازه و يا مجوز كشور بيگانه، ولي بدون مجوز از مجلسين كشور متبوع يا كميسيون ويژه كشور خودش، به امتيازي غير نايل گردد.
- ۵- به خاطر كمك به يك بيگانه بدون اطلاع و مجوي كشور خودي مجبور به حضور در يك محكمه بيگانه شود.

اصل سي و هفتم

- الف- هيچ مكزيكي از باب تولد را نمي‌توان از مليت‌اش محروم نمود.
- ب- مليت مكزيكي در صورت حصول از طريق پذيرش مليت و ماهيت مكزيكي، از دست خواهد رفت چنانچه فرد مبادرت به يكي از مراتب زير نمايد:
- ۱- تحصيل داوطلبانه مليتي خارجي و انجام تشريفاتي به هر شكل حمايت قبول بيگانه، استفاده از گذرنامه خارجي يا پذيرش و استفاده از عناوين اشرافيتو نجبايي كه به نحوي از انحاء وي را دار سيستم و اطلاعات در برابر يك دولت بيگانه نمايد.
 - ۲- اقامت پنج سال مداوم در سرزمين خارجه.
 - پ- مليت و شهروندىگري مكزيك در صورت موارد زير نيز از بين مي‌رود:
 - ۱- با قبول يا استفاده از عنوانين اشرافيتي و نجبايي دول بيگانه.
 - ۲- با انجام قدمت براي به يك دولت بيگانه بي‌اجازه كنگره فدرال يا كميسيون دائمي مجلسين.
 - ۳- با قبول يا استفاده از بزرگداشتها و تك رسميهاي خارجي و از طرف بيگانه بي‌اجازه كنگره فدرال يا كميسيون دائمي مجلسين.
 - ۴- با پذيرش عنوان يا انجام وظائف براي دولت بيگانه بي‌مجاز قبلي از سوي كنگره فدرال يا كميسيون دائمي مجلسين، بجز عناوين ادبي و علمي و انساندوستان كه مي‌توان آنها را آزادانه و بي كسب مجوز از نهادهاي فوق كسب و اخذ و پذيرش نمود.
 - ۵- با كمك عليه كشور موطن و ميهن، به يك دولت خارجي يا فرد بيگانه و در هر هيات ديپلماتيك و در نزد هر محكمه بين‌المللي.
 - ۶- و با انجام هر يك از موارد دي كه قوانين بر آنها اشاره داشته باشند، در اين مقوله در صورت بروز هر يك از زيربندهاي ۲ تا ۴ از اين قسمت، كنگره طي استناد به قوانيني و مقررات بایسته و شايسته، مراتبي از استثنائات را كه طي آنها مجوزاتي نيز جهت اعطا به افراد و نهادها پيش‌بيني شده، منظور نمود تا شخص پس از طي مراحل و گذشت مدتهاي زماني خاص و معين از سوي قانون بتواند درخواست اين اعطاي مجوز را بنمايد.

اصل سي و هشتم

- حقوق و امتيازات شهروندان در موارد زير لغو مي‌شوند:
- ۱- به جهت عدم وفاي به عهد، بي‌علت موجه و نسبت به هر نوع از وظائف محوله و مترتبه مندرج در اصيل سي و ششم قانون اساسي چنين لغوي يك سال ادامه خواهد داشت و احياناً كيفرهايي نيز طبق حق پيش‌بيني شده قانوني بر آن مترتب خواهد بود.
 - ۲- به علت درگير بودن و مجرم قلمداد شدن در محاكمه و محكمه‌اي كه كيفرش جزايي يا عقوبتي جسماني باشد و از تاريخ صدور حكم مجلس قطعي و رسمي.
 - ۳- طي دوران رفع يك مجازات جسماني.
 - ۴- به جهات مدهوش و بيهوش منوط كه چارچوب قانوني حدودش را تعيين نموده مي‌نمايد.
 - ۵- به علت مضمون بودن و فراري بودن از دست عدالت و از لحظه صدور و اعمال حكم دستگيري تا لحظه لغو قطعي كيفر جزايي وي.
 - ۶- به علت وجود حكم اعدام براي يك فرد شهروند.

به هر حال قانون است که کلیه موارد دیگر که به موجب بروز آن مراتب لغو امتیاز شهروندیگری کوچک حاصل می‌شود رد پیش‌بینی تعیین خواهد نمود و باز قانون است که چگونگی بازیافت این امتیاز را به جهت فرد مورد بحث حدومرز می‌شناسد. توجه: در زیر این اصل مراتب اصلاحی اصول ۳۰ الی ۳۷ یعنی دقیقاً ۳۰، ۳۲ و ۳۷ آمده که چون در فصل ماقبل پایانی کتاب به شرح موجز و مستأجر اصلاحات اشاراتی متین و حجیم شده برای پرهیز از تکرار احیاناً ایجاد بروز سوء تفاهم و دوگانگی از مجددشان احراز ورزیده شده. مترجم.

عنوان دوم **در خصوص تمامیت ملی و در خصوص شکل حکومتی»** **اصل سی و نهم**

تمامیت ملی همواره و اصولاً بر ملت هموار و استوار است. تمامی قدرت مملکت از ملت است که شرف صدور می‌گیرد و جهت منافع هم اوست که برقرار و جاری می‌گردد و ملت است که در تمامی اوقات برخوردار از حق لاینجزای تغییر شکل حکومتی کشور و مملکت‌اش می‌باشد.

اصل چهل

مراتب شکل یافتن نماد در يك جمهوری دموکراتیک، فدرال و متشکل از ایالات آزاد و خودمختاری بر هر آنچه مرتبط با رژیم داخلی مملکت‌شان مکزیک می‌باشد، همانا در اداره ملت مکزیک است و لاغیر. / ولی نه خودمختار در تحت لوای يك فدراسیون متشکله بر اساس اصول این قانون بنیادین و فراگیر و اصولی بلکه متحد زیر پرچم این فدراسیون به نام ایالات متحده مکزیک.

اصل چهل و یکم

ملت مجری مراتب خودمختاری مملکت خویش از طریق قوانین سه گانه جمهوری است، همواره که مراتب این اجرای خودمختاری در چارچوب اختیارات و تواناییهای هر يك از این قوا مطروف گردد و این اعمال خودمختاری، در حوزه هر ایالات و حدود و اختیارات هر يك از ایالات متحده این کشور و البته مرتبط با هر رژیم ایالتی و در چارچوب منحصرأ تصریح شده این قانون اساسی و قوانین مختص هر ایالت ممکن و مجری خواهد بود، و نیز در هیچ موردی، قوانین ایالتی فدراسیون ایالات متحده مکزیک نمی‌تواند مغایر با قانون اساسی سراسری و پیمان فدرال کشور مکزیک که منظور همین نص صریح قانون اساسی است، باشد. هر گونه تجدیدنظر و نوآوری در قوای مقننه و مجریه از طریق انتخابات آزاد و بکر و دوره‌ای و حسب امر مراتب زیر قابل اجرا خواهد بود:

۱- احزاب سیاسی تشکلات در جهت منافع عمومی جامعه محسوب می‌شوند و قانون تعیین کننده شکل یا اشکال خاص دخالت و حضور فعال ایشان در روند انتخاباتی کشور است. احزاب سیاسی کشور حق مشارکت در انتخابات ایالتی و شهرداریها را نخواهند داشت. احزاب سیاسی همچنین از جمله اهدافشان تلاش برای پیشبرد مشارکت مردمی در زندگی دموکراتیک آنها در جامعه و نیز اهتمام جهت دخیل نمودن مردم در حضور بهم رسانیهای ملی و مملکتی و نیز همت جهت تشکل بخشی و سازماندهی مردم و شهروندان، همچنین ممکن ساختن دسترسی ایشان به اجرا و اعمال این قدرت مردمی مطابق با برنامه‌ها، اصول و عقاید ایشان و البته از طریق يك همه‌پرسی سراسری، آزاد، مخفی و مستقیم، می‌باشد و تنها شهروندان خواهند توانست به گونه‌ای آزادانه و انفرادی در لوای احزاب سیاسی صف‌آرایی کرده به جمع ایشان الحاق گردند.

۲- قانون متضمن آنست که احزاب سیاسی کشور به گونه‌ای بر ابراز عوامل اجرایی فعالیت‌های خویش برخوردار باشند و لذاست که اینها حق بهره‌مندی دائم از وسایل ارتباط جمعی را خواهند داشت، ولی در چارچوب تدابیر و اشکال پیش‌بینی شده از سوی قانون و نیز قانون است که مقررات سرمایه‌گذاری احزاب سیاسی و مبارزات انتخاباتی ایشان را معین و

مشخص می‌نماید، در عین رعایت ضمانت‌های اجرایی تشکلات مردمی در برابر تشکلات فردی و انحصاری، منظور منافع و اهداف مردمی و ملی و عمومی را ارجح بر سلائق فردی و شخصی قلمداد نموده ضامن اجرا و تحقق این منافع و اهداف خواهد بود.

سرمایه‌گذاری عمومی و مردمی احزاب سیاسی که مراتب تثبیت و تشکل‌شان پس از هر انتخاباتی محرز گشته باشد، عبارت است از خدمات و فعالیت‌های عادی و دائمی آنها و نیز رویکردشان به سوی اخذ همواره آراء مردمی طی روندهای انتخاباتی مراتب سرمایه‌گذاری و فعالیت عادی و دائمی احزاب سیاسی حسب امر آنچه قانون در عبارات زیرین پیش‌بینی نموده میسر و ممکن خواهد بود:

الف- مراتب سرمایه‌گذاری عمومی و مردمی جهت حفظ همواره فعالیت‌های عادی و دائمی احزاب به طور سالانه مشخص و تثبیت خواهد شد و در این ارتباط، حداقل هزینه مبارزات احزاب، از سوی نهاد ارشد سرپرستی مؤسسه انتخابات کشور، محاسبه خواهد شد، ضمن آنکه

تعداد سناتورها و نمایندگان مجلسین که قرار است انتخاب شوند و نیز عده احزاب سیاسی که قرار است بر شرکت و حضور سیاسی در مجلسین را دارند، همین‌طور مدت مبارزات انتخاباتی لحاظ قرار گرفته محاسبه می‌گردند. / سی درصد تعداد کل مشروحه فوق بین احزاب سیاسی مطابق با موازین برابری و تساوی و نیز ۷۰٪ باقی به تناسب درصد آراء متخذه طی انتخابات نمایندگان دور قبل توزیع خواهد شد.

ب- مراتب سرمایه‌گذاری عمومی جهت فعالیت‌های منتهی به اخذ آراء طی روندهای انتخاباتی همواره برابر با تعداد مشابه مبلغ و رقم سرمایه‌گذاری عمومی مرتبط با هر حزب به نسبت فعالیت‌های عادی سال مربوط خواهد بود و نیز:

ج- درصد از هزینه‌های سالیانه‌ای که احزاب سیاسی به جهت فعالیت‌های مرتبط مصروف می‌دارند به امر آموزش، بازآموزی پژوهش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حزب و نیز دیگر وظایف و امور تالیفاتی و انتشاراتی ایشان اختصاص خواهد یافت. و قانون است که معیارهایی چند برای تعیین حدود در خصوص هزینه‌های مصروفه از سوی احزاب سیاسی در مبارزاتی انتخاباتی‌شان مشخص خواهد نمود و نیز هم قانون است که هزینه‌هایی حداکثر جهت عضوگیری و تدابیر کنترلی و حفاظتی از منابع و امکانات احزاب سیاسی را مشخص و معین خواهد نمود. / و نیز قانون است که مجازات‌هایی را جهت مجرمین و خاطیان از این مقررات خواهد نمود.

۲- سازماندهی انتخابات فدرال و کشوری وظیفه‌ای دولتی و ایالتی است که از طریق یک نهاد عمومی و دولتی ولی خودمختار به نام مؤسسه فدرال انتخابات کشور صورت می‌گیرد. این مؤسسه دارای شخصیتی حقوقی و انحصاری است که در تشکل آن قوه مقننه شرکت دارد و نیز احزاب سیاسی کشور و شهروندان در چارچوب مقرر از سوی قانون، در اجرای این وظیفه تمامی ایقان و مشروعیت و استقلال و برابری و عینیت، اصولی هدایتگر و راهبرند.

مؤسسه فدرال انتخاباتی، یا مؤسسه انتخاباتی کشور، مقامی است که مستقل در تمامی تصمیمات و عملکردهایش و نیز راهکردهای حرفه‌ای و فنی‌اش، عمل می‌کند.

و نیز در ساختارش برخوردار از نهادهای راهبري، اجرایی و فنی و حفاظتی است. شورای عمومی و سراسری نهادی ارشد و عالی در امر راهبر است و نیز متشکل است از یک (۱) مشاور ارشد و هشت (۸) مشاور انتخاباتی که حق صحبت دارند اما بدون حق رأی هستند، به علاوه مشاوران قوه مقننه، نمایندگان احزاب سیاسی و یک دبیر اجرایی.

قانون مقررات سازماندهی و عملکرد نهادها را و نیز ارتباط سرپرستی را بین این نهادها تبیین و تعیین خواهد نمود. نهادهای اجرایی و فنی یا کارشناسی از کارکنان مجرب لازم جهت سرویس‌دهی حرفه‌ای انتخاباتی برخوردار خواهند بود. مقررات قانون انتخابات و آیین‌نامه‌ای که مبتنی بر آن و بر شالوده آن شورای سراسر به تصویب خواهد رسید، مناسبات کاری خدمتگزاران نهادهای دولتی و مردمی را سرپرستی و هدایت خواهد نمود. نهادهای حفاظتی و حراستی چندی نیز که اکثریت متشکل از نمایندگان احزاب سیاسی کشور است برپا و راه‌اندازی خواهد شد. هیأت رئیسه‌های میزهای انتخاباتی از بین عموم شهروندان برگزیده خواهند شد.

مشاور ریاستی یا سرپرست مشاوران فوق‌الذکر و نیز مشاوران انتخاباتی شورای سراسری بطور پیوسته و با رأی دو سوم اعضای حاضر در مجلس نمایندگان گزینش خواهد شد و در غیاب مجلس از سوی کمیسیون دائمی و با پیشنهاد گروه‌های پارلمانی برگزیده خواهند شد و بر حسب همین نوع مکانیزم و راهکرد، هشت مشاور انتخاباتی جانشین، بر حسب گزینش و نصب خواهند شد. و قانون است که مقررات و راهکرد مربوطه را معین و مشخص خواهد نمود.

سرپرست مشاوران با مشاور ارشد و نیز مشاوران انتخاباتی به مدت هفت سال در سمت خود دوام خواهند داشت و نخواهند توانست به هیچ شغل دیگری اشتغال ورزیده، دست یازند و قادر نخواهند بود عهده‌دار هیچ سمت یا منصب شوند به جز آنها که به نحوی در جانشینی یا نمایندگی از سوی شورای سراسری انجام وظیفه نمایند و یا اصولاً در نقش مدرس و حرف آموزشی، علمی، فرهنگی، پژوهشی و امور خیریه مردمی و غیرانتفاعی به کار گمارده شوند.

دبیر اجرایی از سوی دو سوم اعضای شورای سراسری و به پیشنهاد ریاست این شورا منصوب خواهد شد. و قانون، شرایط انتصاب و امکان انتصاب سرپرست مشاوران یا مشاور ارشد شورای سراسری، همین‌طور مشاوران انتخاباتی و دبیر اجرایی مؤسسه انتخابات کشور را تبیین و تعیین خواهد نمود. / این عده تمامی جابگویی وظائف و مسئولیتهای مقرر در عنوان چهارم مندرج در قانون اساسی حاضر خواهند بود.

مشاوران قوه مقننه از سوی گروه‌های پارلمانی با عضویت حزبی در یکی از مجلسین پیشنهاد خواهند شد. و تنها یک مشاوره به جهت هر یک گروه حاضر مجلس امکان تعیین خواهد داشت، اما به هر صورت مراتب به رسمیت شناسی وی از سوی مجلسین باید که صورت پذیرد.

مؤسسه انتخابات کشور عهده‌دار مستقیم و تام کلیه فعالیت‌های مرتبط با امر آموزش و توانبخشی‌های مدنی، جغرافیای انتخاباتی و نیز دیگر حقوق و نیازها و خواسته‌های دستجات و احزاب سیاسی طبق نمونه و فهرست انتخاب کنندگان منظور رأی دهندگان و نیز امر چاچ ماتریال‌های انتخاباتی و تهیه دستور کار و برنامه هر روز انتخابات، شمارش آراء در چارچوب مقررات و قوانین، ذکر اعتبار و اعطای مراتب صحت در انتخابات نمایندگان مجلس و سناتورها و نیز شمارش آراء مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده مکزیک به علاوه کلیه مراتب پیش‌بینی شده از سوی قانون خواهد شد.

۴- جهت تضمین اصول مشروعیت دهی و قانونی بودن اقدامات و تصمیمات انتخاباتی، نظامی از تدابیر و روش‌های تصویب در چارچوب مقررات مندرج در این قانون اساسی و نیز دیگر قوانین مرتبطه کشور برقرار خواهد گشت. این نظام به مراحل مختلف روندهای انتخاباتی قطعیت لازم را خواهد داد و ضامن حمایت از حقوق سیاسی شهروندان رأی دهنده و نیز رأی گیرنده و یا تجمعات حزبی و سیاسی در چارچوب اصل ۹۹ همین قانون اساسی خواهد بود.

در زمینه امر انتخابات، برقراری تدابیر و روش‌های تصویب مشروطه و مطابق با نص صریح قانون اساسی به هیچ وجه مانع و حایل بر تصمیمات و اقدامات به تصویب رسیده نخواهد بود و تعلیقی را بر آنها مترتب نخواهد ساخت.

فصل دوم

در باب بخش‌های گوناگون متشکله فدراسیون و قلمرو ملی کشور مکزیک

اصل چهل و دوم

قلمرو ملی کشور در برگیرنده خاک و خطه زیر است:

۱- خطه محصور در میان ثغور و حدود قلمروی ملی.
۲- خطه مربوط به جزایر و مشتمل بر: کلیه آبگیرها و آبراهه‌های موجود در آبهای به انضمام خطه.

۳- خطه مربوط به جزایر گوآدالوپه و رویاخیخو، مستقر در اقیانوس آرام.

۴- خطه محصور بین سکوی قاره‌ای و دیگر سکوهایی زیر دریایی جزایر،

۵- آبهای دریاهای محصور در قلمرو مکزیک به گستره و در حدودی که حقوق بین‌المللی و نیز حقوق دریاها و آبهای داخلی تعیین و تبیین نموده است.

۶- فضا و پهنه محدود بر گستره خطه ملی به گستره و تغییرات دیگری که همان حقوق بین‌الملل مبین و معین نماید.

اصل چهل و سوم

قسمتهای زیرین نیز همه جزو خاک و قلمرو فدراسیون ایالات متحده مکزیک بشمار می‌روند:

اصل چهل و چهارم

مکزیکوسیتی و منطقه پایتخت مقر قوای سه‌گانه و پایتخت رسمی ایالات متحده مکزیک است و عبارت است از قلمرو و خطه‌ای که هم اینک نیز تحت شمول خود دارد و در صورتی که قوای سه‌گانه کشور به دیگر نقطه یا منطقه منتقل گردند، مراتب هم در ایالات واپه دمخیکو با حدود و گستره‌ای که کنگره کشور تبیین و تعیین نماید برپا و استوار خواهد گشت.

اصل چهل و پنجم

ایالات فدراسیون مکزیک از حدود و ثغور و گستره و پهنه‌ای که هم اینک نیز از آن برخوردارند، برخوردار بوده‌اند و مراتب این برخورداری مادام که اشکالی در این گستره تبیین یافته و تعیین گشته حادث نگردد به قوت خود باقی است.

اصل چهل و ششم

ایالات متحده مکزیک می‌تواند با انعقاد پیمانهای دوستانه بین خویش حد و مرز و ثغور خود را تعیین و تکلیف نمایند اما همواره مسیر چنین پیمانها و توافقاتی ولو دوستانه بایستی از مجرای شایسته خود یعنی کنگره و به تصویب مجلسین عبور نماید.

اصل چهل و هفتم

ایالت نایاریت دارای گستره و حدودی است که در حال حاضر مشتمل بر منطقه تپیک نیز می‌شود.

اصل چهل و هشتم

جزایر، آبگیرها و کلیه آبراهه‌ها و تمامی دریاهای منظم به خطه و قلمرو ملی، که به خاک کشور متعلق‌اند همین طور سکوه‌های زیر دریایی جزایر و آبراهه‌ها و تمامی آبگیرهای موجود، آبهای درون مرزی، آبهای دریایی داخلی و فضایی تحت پوشش قلمرو ملی کشور همه و همه مستقیماً به دولت فدرال وابستگی دارند به جز آن دسته از آبهایی که تا این تاریخ بر روی آنها مراتب حقوقی حوزه قضایی ایالات، اعمال و اجرا گشته باشد.

عنوان سوم

فصل یکم

در بحث تقسیم قدرتها

اصل چهل و نهم

قدرت عالی فدرال کشور مقسم است به جهت اجرای وظایفش بین سه قوه: مقننه، مجریه و قضائیه.

ادغام دو یا سه قوه از قوای سه‌گانه فوق در یک فرد یا تشکیلات یا نهاد امکان‌پذیر نیست و نیز مراتب اختیارمندی و قوه مقننه را نمی‌توان در یک فرد به جز مواردی که اختیاراتی فوق‌العاده به مقام قوه مجریه طبق مفاد اصل بیست‌ونهم، اعطا گشته باشد، تفویض نمود. در هیچ وضعیت و مورد دیگری به جز آنچه در پاراگراف دوم اصل ۱۳۱ (یکصدوسی‌ویکم) بدان اشاره و تصریح گشته است اختیاراتی فوق‌العاده برای قانونگذاری اعطا و تفویض نمی‌گردد.

فصل دوم از باب قوه مقننه اصل پنجاهم

قوه مقننه ایالت متحده مکزيك، برگرده کنگره ملي کشور که متشکل از دو مجلس، يکي مجلس نمايندگان و ديگري سناست استوار مي‌باشد.

اصل پنجاه و يکم

اصل پنجاه و دوم

اصل پنجاه و سوم

اصل پنجاه و چهارم

اصل پنجاه و پنجم

جهت به نمايندگي مجلس گزينش شدن نياز به احراز شرايط زير هست:
۱- شهروندي مکزيك به صورتي که متولد در خاک مکزيك بوده باشد و بتواند از حقوق حقه خود بهره جويد.

۲- در روز گزينش، بيست و يك سال تمام داشته باشد.

۳- اهليت محل ايالتي که انتخابات در آن صورت مي‌گيرد و يا شهروند همسايه آن ايالت بوده باشد و لااقل از بيش از شش ماه قبل از امر انتخابات در آن ايالت مجاور يا همان ايالت محل انتخابات ساکن بوده باشد.

و جهت آنکه وي بتواند اسم‌اش در فهرست‌هاي ثبت‌نام انتخاباتي چند اسمي همچون نامزد انتخاباتي و در هيأت وکيل مجلس ظاهر گشته و ثبت گردد، نياز به اين است که وي اهل يکي از واحدهاي فدراتيوي که مراتب ثبت‌نام از کاندیداها و امر گزينش مدت نامزد انتخاباتي در آن صورت مي‌پذيرد بوده و يا اينکه در مقام همسايگي اين واحد فدراتيو با اقامتي بيش از شش ماه پيش از تاريخ تحقق امر انتخابات باشد.

مراتب همسايگي و شهرونديگري در هيأت همسايگي چنانچه غيبي از سوي شهروند به جهت ايفاي وظائف دولتي و عمومي‌اش در امر انتخابات مردمی کشور صورت گيرد همچنان محفوظ خواهد ماند.

۴- شهروند نامزد کاندیداتوري مجلس نبايد در خدمت فعال ارتش فدرال کشور و يا عهده‌دار سيمکتی نزد پليس و ژاندارمري محلي ناحیه محل اجراي انتخابات خويش باشد و اگر هم اين چنين است بايد که تا قبل از ۹۰ روز قبل از تاريخ انجام انتخابات از اين سمت يا وظيفه احتراز جسته باشد.

۵- به هيچ وجه نبايد عهده‌دار سمتي به عنوان وزير يا معاونت وزير و يا حتي قاضي در کشور گردد و نيز نخواهد توانست در حوزه انتخاباتي خويش، چنانچه تا قبل از ۹۰ روز بيش از تاريخ انجام امر انتخابات از سمت خويش در قالب يکي از موارد فوق تيري جسته باشد، انتخاب گردد.

۶- و نيز نبايد مقام مذهبي هيچ يك از اديان و يا مذاهب باشد.

۷- عضو هيچ يك از تشکلات که در مفاد اصل ۵۹ بدان اشاره گشته باشد.

اصل پنجاه و ششم

مجلس سنا متشکل از يکصدويست و هشت سناتور است که از اين عده، در هر ايالت و ناحیه فدرال، دو سناتور طبق اصل اکثريت نسبي اخذ آراء و يك سناتور نيز طبق اصل اقليت اوليه گزينش خواهند شد. بدین منظور، احزاب سياسي بايد که به تهیه دو فهرست انتخاباتي

با دو فرمول فوق مبادرت جویند. نفر دوم فهرست اقلیت اولیه سپس در رأس فهرستی قرار خواهد گرفت که هر حزب سیاسی به جهت دیگر نامزدهایش تهیه کرده است. سی و دو سناتور باقی طبق اصل احراز نسبی و بالنسبه آراء و در چارچوب نظام فهرستهای مورد رأی در يك مرحله واحد از ثبت نام چند اسمی سراسری گزینشی خواهند شد. قانون، واضع مقررات و نیز چارچوب گزینش این عده ۳۲ نفره خواهد بود. تشکل مجلس سنا هر شش سال یکبار از نو تجدید خواهد شد.

اصل پنجاه و هفتم

به جهت هر يك از سناتورها، يك جانشین یا کفیل نیز برگزیده خواهد شد.

اصل پنجاه و هشتم

برای احراز مقام سناتوری همان شرایطی متصور است که برای گزینش در هیأت وکالت مجلس، بجز مراتب سن که میبایست برای احراز مقام سناتوری، نامزد در روز انتخابات سی سال تمام را داشته باشد.

اصل پنجاه و نهم

سناتورها و نمایندگان مجلس و کنگره نمی‌توانند برای دوره بعدی پیوسته به دوره‌ای که مراتب جانشینی کاندیداهای مربوط به خود را می‌گذرانیده‌اند، مادامی که در حال انجام وظیفه فعال و در خدمت دولت باشند، به نمایندگی مجلسین برگزیده شوند. اما سناتورها و نمایندگان مجلس نخواهند توانست برای دوره بعدی پیوسته به دوره‌ای که خود در مقام نمایندگی و سناتوری در کنگره ایفای وظیفه می‌نموده‌اند، حتی در هیأت جانشین وکیل مجلس یا سناتور برگزیده شوند.

اصل شصتم

نهاد عمومی و دولتی پیش‌بینی شده در اصل چهل و یکم متن قانون اساسی حاضر بر حسب آنچه قانون مقرر می‌دارد.

مراتب اعتبار انتخاب نمایندگان و سناتورهای مجلسین را در هر يك از نواحی انتخاباتی تك اسمی و در هر يك از واحدهای انتخابیه فدراتیو اعلام خواهند نمود. همین نهاد همچنین، مراتب صحت و گواهی برنامه‌های کاندیداهایی که به اخذ اکثریت آراء دست یازیده باشند، را اعلام نموده و نیز به انتصاب سناتورهای اولین اقلیت مطابق با مفاد اصل پنجاه و ششم همین قانون و مراتب مندرج در پیش‌بینی دعاوی قانون مبادرت خواهد ورزید. همچنین اعلام مراتب صحت و انتصاب نمایندگان مجلس طبق اصل نمایندگی بالنسبه، حسب الامر اصل پنجاه و چهارم همین قانون و قوانین مرتبطه با همین نهاد است.

تصمیماتی که در خصوص اعلام صحت و اعطای گواهی مراتب و انتصاب نمایندگان سناتورهای کنگره اتخاذ می‌گردند، قابل پاسخ‌گویی و اعراض نزد محاکم منطقه‌ای دادگاه فدرال قوه قضاییه کشور در چارچوب مقرر از سوی قانون خواهد بود.

تصمیمات و قطعنامه‌های محاکم و محافل مشروحه در پاراگراف فوق، قابل بازبینی و بررسی دوباره منحصراً از سوی محکمه عالی همان دادگاه (دادگاه فدرال) خواهد بود، آن هم از طریق پاسخگویی و اعراضی که احزاب سیاسی می‌توانند اعمال نمایند، اما؛ منحصراً و هنگامی که نقصانی را مشاهده نمایند، که بتواند یحتمل، نتیجه انتخابات را دستخوش تغییری نماید، احکام محکمه عالی قطعی بوده و غیرقابل اعراض و خدشه است و قانون است که مراتب میزان بودجه و شرایط اعمال و انجام تشریفات این پاسخگویی یا اعراض را به هر صورت مقرر خواهد نمود.

اصل شصت و یکم

وکلاي مجلس و سناتورها به لحاظ عقايد و آرائي که در مراتب اجراي وظيف خويش مطرح کرده و ارائه مي‌دهند، غيرقابل تعدي محسوب مي‌شوند و هرگز قابل مصالحه و مسامحه نيستند.

رياست هر يك از مجالس نمايندگان و سنا به لحاظ حرمت و احترام به هيأت مشروطه اعضاي هر يك از مجالس فوق و نيز به لحاظ مشخصه غيرقابل تعدي بودن حيطه مجالس و محفل تشكيل مجالس فوق.

اصل شصت و دوم

نمايندگان مجلس و سناتورها طي دوره عهده‌داري نمايندگي و سناتوريشان نمي‌توانند عهده‌دار وظيفه يا سمتي ديگر در تشکيلات مملکتي و ايالتي به نحوي که از حقوق و حق‌الزحمه‌اي برخوردار باشند، بدون اخذ مجوز قبلي از مجلس مربوطه خويش باشند. اما چنانچه عهده‌دار سمتي در يکي از تشکيلات فوق گردند، بطور خودکار از عهده‌داري سمت نمايندگي و سناتوري مجالس فوق دور خواهند بود تا سمت جديد به پايان برسد. همين قانون و مقررات در خصوص جانشينان نمايندگان مجلس و سناتورها، صادق و مترتب خواهد بود. تخطي از اين مقررات با مجازات از دست دادن هيأت نمايندگي سناتوري ايشان روبرو خواهد بود.

اصل شصت و سوم

مجالس نمي‌توانند بدون حضور بهمرساني کمتر از نيمي از تعداد کل اعضا يعني نمايندگان مربوطه، چه وکلاي مجلس و چه سناتورها، تشکل جلسه دهند. اما طبق قانون حاضرين مي‌بايست در روزي معين گرد هم آمده و غايبين را نسبت به حضور بهمرساني در خلال ۳۰ روز بعد از تاريخ غيبت‌شان آگاه و هشدار نمايند. و به ايشان هشدار دهند که چنانچه چنين عمل نمايند اين بدان معني است که پذيراي عهده‌داري وظيف و سمت خويش نمي‌باشند و لذاست که جانشين‌هاي ايشان فراخوانده خواهند شد و اين عده موظف‌اند که در مهلتي يکسان مراتب حضور بهمرساني خود را محرز و محقق نمايند و چنانچه اين هم محقق نگردد، جاگه غائب رسماً اعلام خواهد شد تا نسبت به انتخابات جديد اقدام لازم به عمل آيد.

و نيز چنين استنباط مي‌شود که نمايندگان مجلس و سناتورهايي که به مدت ۱۰ روز پيوسته بدون علت توجيهي يا بدون اخذ مجوز قبلي از رياست مجلس مربوطه خويش از حضور در جلسات مجلس مربوطه امتناع نمايند، تلويحاً از امان حضور بهمرساني و نمايندگي يا سناتوري خويش تا دوره بعدي خويش را محروم ساخته‌اند و لذاست که از جانشين‌هاي اين افراد دعوت به عمل خواهد آمد.

چنانچه هر يك از نمايندگان يا سناتورهاي مجالس از حد نصاب بايسته جهت برخورداري از هيأت نمايندگي و سناتوري مجلس مربوطه برخوردار نبود، لذا بلافاصله جانشين اين فرد، افراد فراخوانده خواهد شد تا در اسرع وقت جهت عهده‌داري وظيف و سمت فرد مزبور پس از گذشت ۳۰ روز از تاريخ قطعي اين عدم احراز حد نصاب بايسته، خود را به مجالس مربوطه معرفي نمايد و اعلام حضور قطعي نمايد.

چنانچه نماينده يا سناتوري بدون علت توجيهي مقبول نزد محکمه مجلس مربوطه خويش خاطي تلقي گردد، موظف و مسؤول نسبت به تخطي خويش قلمداد گشته و مجازات‌هاي پيش‌بيني شده در قانون نسبت به وي اعمال و مجري خواهد گشت. به همين طريق کليه احزاب سياسي کشور که کانديداهايي را نزد مجالس معرفي نموده باشند معترف به تخطي نمايند و يا سناتور مجلس مربوطه نسبت به عدم عهده‌داري بايسته و مسؤوليت پذيري شايسته در اداي وظيف خويش در مجالس فوق باشند، همين مجازات‌هاي پيش‌بيني شده توسط قانون نسبت به ايشان اعمال خواهد گرديد.

اصل شصت و چهارم

نمایندگان و سناتورهای مجالس که در یکی از جلسات حضور بهم نرسانند و علت موجه مقبول ارائه ندهند یا مجوز ریاست مجلس خویش را نداشته باشند، حق برخورداری، از امتیاز و حقوق جلسه غایب خویش را نداشته و نخواهند داشت.

اصل شصت و پنجم

کنگره از تاریخ اول سپتامبر هر سال آغاز بکار خواهد نمود و ابتدا و بدین ترتیب نخستین جلسه از جلسات عادی خویش را برگزار خواهد نمود و نیز در تاریخ ۱۵ مارس هر سال مبادرت به آغاز بکار اولین جلسه از دور دوم جلسات عادی را طی آن سال مربوطه خواهند نمود. در هر دوره یعنی طی هر دو دوره از جلسات مجلسین، مراتب مطالعه، بررسی و مباحثه و اخذ رأی جهت کلیه پیشنهادات و ابتکارات قانونی که ارائه گردیده‌اند و نیز تصمیماتی که در خصوص دیگر اموری که حسب‌الامر متن این قانون اساسی حاضر می‌باشند به اجرا درخواهد آمد.

در هدر دوره از جلسات عادی کنگره یعنی مجلسین، به گونه‌ای ترجیحی امور متذکره از سوی قانون تشکیلاتی مجالس به بحث و بررسی و تصمیم‌گیری گزارده خواهد شد.

اصل شصت و ششم

هر دوره از جلسات عادی به مدت زمان ضروری جهت بررسی کلیه امور متذکره در اصل قبل، برپا خواهد بود. نخستین دوره نمی‌تواند تا بیشتر از ۱۵ دسامبر همان سال ادامه یابد، بجز مواردی که ریاست جمهوری، در تاریخ پیش‌بینی شده مندرج در اصل هشتادوسه عهده‌دار وظایف رئیس جمهوری خویش گردد که در این صورت جلسات فوق‌العاده تا ۳۱ دسامبر همان سال نیز می‌تواند ادامه یابد. دوره دوم نیز نمی‌تواند تا بیش از ۳۰ آوریل همان سال ادامه یابد.

اصل شصت و هفتم

کنگره یا یکی از مجالس، هنگامی که بحث بر سر یک موضوع خاص و مختص هر یک از آنها باشد، جلسات فوق‌العاده‌ای را برپا خواهد داشت یعنی هر گاه کمیسیون ویژه هر یک از مجالس را فراخواند. اما طی این جلسات فوق‌العاده تنها، موضوع مورد بحث و انگیزه اصلی تشکیل این جلسات مطرح و بررسی خواهند شد و کمیسیون ویژه نسبت به بررسی آن کنگره را توجیه نموده باشد و البته مراتب موضوع بررسی طی فراخوانی به اطلاع هر یک از مجالس خواهد رسید.

اصل شصت و هشتم

هر دو مجلس، در یک محل یکسان اسکان خواهند یافت و نخواهند توانست بر محلی دیگر در صورت عدم موافقت مجلس دیگر/ از باب زمان و نحوه تحقق این انتقال/ که بایستی طی یک اجلاس عمومی و دوجانبه صورت پذیرد، تغییر مکان یابند. اما چنانچه هر دو نسبت به این تغییر مکان انتقال موافقت نظر داشته باشند، اما از بابت زمان، مکان و نحوه جابجایی در این انتقال اختلاف نظر داشته باشند، لذا قوه مجریه مراتب این اختلاف را حل‌وفصل خواهد نمود و به یکی از آراء از سوی دو مجلس رأی مثبت خواهد داد. هیچ یک از مجالس نخواهد توانست بیش از سه روز جلسات خویش را بدون جلب رضایت و نظر مجلس دیگر معلق نگه دارد.

اصل شصت و نهم

در هنگام گشایش جلسات عادی نخستین دوره از جلسات کنگره، یعنی هر یک از مجالس، ریاست جمهوری حضور بهم رسانیده و گزارشی را مکتوب تقدیم خواهد نمود، و طی این گزارش به شرح وضعیت عمومی و جاری کشور خواهد پرداخت. در گشایش جلسات فوق‌العاده کنگره، یا حتی یکی از هر دو مجلس، ریاست کمیسیون ویژه در خصوص انگیزه‌ها و علل فراخوانی جهت برپایی این جلسات فوق‌العاده گزارش را معروض خواهد داشت.

اصل هفتادم

تمامی تصمیمات کنگره مراتب قانونی و لوایحی شخصی خواهد داشت. قوانین و لوایح به اطلاع قوه مجریه خواهند رسید و از سوی ریاست هر دو مجلس البته توشیح و امضاء خواهند شد و لذا بدین شکل به تصویب خواهند رسید:

«کنگره ایالات متحده مکزیك، مقرر می‌دارد: (متن قانون یا لایحه)»

کنگره همچنین به صدور قانونی که به تنظیم ساختار و عملکرد و حل این قانون اشراف خواهد داشت مبادرت خواهد ورزید. و نیز قانون است که شکل و مسیر تشکل و دسته‌بندی نمایندگان مجلس را طبق عضویت‌شان در هر حزبی و به منظور تضمین آزادی میان جریانات عقیدتی مطرح و حاضر در مجلس نمایندگان، تبیین و تعیین خواهد نمود. این قانون قابل وتو کردن نخواهد بود و نیز نیازی به تصویب قوه مجریه کشور جهت مجری بودن و اعتبار نخواهد داشت.

بخش دوم

در باب ابتکارات و تشکل قوانین

اصل هفتاد و یکم

حق یا حقوق آغاز به اجرای يك قانون و کلیه قوانین و نیز لوایح، افراد یا نهادهای زیر را درگیر می‌سازد:

۱- ریاست جمهوری ۲- نمایندگان و سناتورهای کنگره ۳- نهادهای درگیر قانون‌گذاری ایالات متحده را.

ابتکارات و پیشنهادات ارائه شده از سوی رییس‌جمهوری یا قضات ایالات و نهادهای قانون مقننه و یا نمایندگان مجلس طبیعی است تحت نظارت و بررسی کمیسیون‌هایی واقع خواهند شد. اما آن دسته از پیشنهادات و ابتکارات پیشنهادی از سوی نمایندگان و سناتورهای کنگره مبتنی بر عبور از تشریفات مقررات مباحثات و مناظرات خواهند بود.

اصل هفتاد و دوم

هر لایحه پیشنهادی که تصمیم‌گیری راجع به آن مختص و منحصرأ وابسته به یکی از دو مجلس نباشد، بطور پیوسته و به ترتیب نزد هر دو مجلس به بحث گذارده خواهد شد و نیز در حین این بررسی مراتب قانونمندی مناظرات و مباحثات و شکل اجرایی آنها مشاهده خواهد شد، همین‌طور مراتب زمانی و نحوه انجام این مذاکرات و مباحثات و اتخاذ آراء نیز مورد نظارت و مشاهدت قرار خواهند گرفت.

الف-

بخش سوم

در باب اختیارات کنگره

اصل هفتاد و سوم

کنگره دارای اختیارات زیر است:

یک- جهت ایجاد و پذیرش ایالات جدید در جمع ایالات متحده.

دو- این بخش حذف گشته است.

سه- جهت تشکیلات ایالات جدید در چارچوب حدود و ثغور موجود کشور و در صورت اینکه:

۱- بخش یا ناحیه‌ای که در ایالات قرار است تشکیل یابد لاقلاً برخوردار از جمعین برابر یکصد و بیست هزار سکنه حداقل باشد.

۲- که نزد کنگره به تثبیت و تصویب و تأیید برسد که بخش‌ها و هسته‌های سکنه پذیر فوق برخوردار از عوامل کافی جهت پیش‌بینی‌های مطلوب و ابراز موجودیت سیاسی خویش باشند.

۳- که مراتب قانونمندی و قانون‌گذاری ایالت یا ایالات مربوطه در خصوص مطلوبیت و عدم مطلوبیت برپایی و تأسیس چنین ایالت یا ایالاتی نزد کنگره استماع گشته و موظف و مجاب به ارائه گزارش چگونگی این برپایی ظرف ۶ ماه از تاریخ اعلام جمعی این تأسیس باشد.

۴- که عیناً مراتب فوق نزد قوه مجریه مطرح گشته و استماع شود تا این قوه نیز به سهم خویش گزارش بایسته‌ای را ظرف ۷ روز از تاریخ ارائه درخواست برپایی این ایالت یا ایالات جهت طرح در مجلسین تهیه و ارسال خواهد داشت.

۵- که مراتب تأسیس و برپایی چنین ایالتی تازه بنیاد از سوی دو سوم نمایندگان مجلس و سناتورها نزد مجالس مربوطه‌شان رأی آورده باشد.

۶- که مراتب تصمیمات کنگره از سوی اکثریت قانونگذاران ایالات با رویت و بررسی رونوشت پرونده این تأسیس مورد تصویب قرار گرفته باشد و این نیز منوط بر آن است که قانونگذاران ایالت یا ایالات تازه بنیاد فدراسیون کشور مکزیك مراتب رضایتمندی خود را نسبت به این تأییدات و مصوبات اظهار نموده باشند.

۷- چنانچه قانونگذاران ایالت یا ایالاتی که بحث تأسیس و بنیادشان مطرح است رضایتمندی نسبت به مصوبات و تأییدات یا قطعنامه‌ها و تصمیمات کنگره نداشته باشند، مراتب این تصمیمات و مصوبات می‌بایست لااقل از سوی دو سوم کل قانونگذاران دیگر ایالات کشور به تأیید و تصویب برسد.

چهار- جهت تعیین قطعی حدود و ثغور ایالات و خاتمه دادن به اختلافات بین آنها در خصوص خطوط حایل و بین ایالتی‌شان، بخصوص در هنگامی که بین ایالات مورد بحث بر سر قضیه مطروحه این بند بحران و درگیری هم وجود داشته باشد.

پنج- جهت تعویض محل اقامت و اسکان قوای عالیة فدراسیون منظور قوای سه گانه کشوری، شش- حذف شده است.

هفت- جهت اعمال و تحمیل کلیة مالیاتهای ضروری جهت پوشش امر بودجه کشور. هشت- جهت تدوین و برقراری شالوده‌هایی که براساس آنها قوه مجریه بتواند مراتب وام‌گیری‌هایی را در خصوص اعتبار کشور برگزار نماید و بتواند همه این مراتب وام‌گیری‌ها را به تصویب رسانیده و به رسمیت شناخته و سپس جهت پرداخت دیون کشور آنها را تحویل و (احاله) نماید.

هیچ يك از این اقدامات فوق‌الذکر به هیچ وجه قابل انجام و اجرا نیست مگر آنکه جهت اجرای اموری که مستقیماً به افزایش درآمدهای عمومی کشور بینجامد و البته به جز آن دسته از اموری که به انگیزه تنظیم پولی کشور صورت پذیرند یا در مبادلات تبدیلی و تسعیری و دیگر مواردی که به لحاظ اعلام مقام ریاست جمهوری و در چارچوب اصل بیست‌ونهم قانون اساسی لحاظ گشته باشند. و نیز تصویب سالیانه ارقام دیونات مشتمل در قانون درآمدها، که نیاز به حضور و دخالت حکومت پایتخت و دیگر نهادهای بخش عمومی داشته باشد، به عهده و در اختیار کنگره می‌باشد.

قوه مجریه سالانه به کنگره در خصوص چگونگی و راهبردها و راهکردهای دیونات مزبور گزارشی را ارائه خواهد داد که به انگیزه آن، رئیس حکومتی ناحیه پایتخت گزارشی را در باب منابع مورد استفاده در امر درآمدزایی را تهیه و نزد کنگره ارسال خواهد نمود.

رئیس حکومتی ناحیه پایتخت به همین شکل مراتب فوق را نزد اجلاس نمایندگان ناحیه فدرال یا پایتخت به هنگام تقدیم شرح حسابهای عمومی ناحیه مزبور تقدیم خواهد داشت. نه- نسبت به جلوگیری از بروز هر گونه محدودیتی در امر تجارت و بازار بین ایالتی با ایالتی دیگر.

ده- جهت قانونمندی سازی بحث هیدروکربورها، معدنی‌ها و صنایع سینمایی و تجارت و بازیهای همراه با شرطبندی و قرعه‌کشی‌ها و نیز واسطه‌گری و خدمات مالی و نیز امر انرژی برق و هسته‌ای و نیز صدور قوانین کار، مقرر در اصل یکصد و بیست و سه همین قانون اساسی حاضر.

یازده- جهت خلق یا لغو استخدام‌های دولتی در سطح کشور، همین‌طور خاطر نشان سازی نسبت به وظایف هر شان شغلی و نیز افزایش و کاهش این وظایف.

دوازده- جهت اعلام جنگ در چارچوب و منظری که قوه مجریه آن را لحاظ بداند و طرح موضوع نموده باشد.

سیزده- جهت القاء و اعمال فرامین مربوط به احداث سدهای آبی و خاکی و نیز صدور قوانین مرتبط با حقوق دریایی زمان صلح و جنگ.

چهارده- جهت برپایی و حفظ مؤسسات و نهادهای مسلح کشوری مثل ارتش، نیروهای دریایی، نیروی هوایی و نیز قانونمندی سازی سازمان و تشکل و نحوه خدمت رسانی این قوا.

پانزده- جهت قانونمندی‌سازی، تسلیح، و انضباط بخشی به کار گارد ملی که البته از طریق شهروندان مکزیکی تشکل خواهد یافت و نیز انتصاب رؤسا و افسران نیروی فوق هم چنین در قبایل ایالات، دارای اختیار آموزش و هدایت این نیرو مطابق با انضباط پیش‌بینی شده توسط همان قانونمندی‌ها و مقررات است.

شانزدهم- جهت اعلام و القا قوانینی در خصوص ملیت، وضعیت حقوقی خارجیها، مراتب شهروندیگری، به ملیت مکزیکی تشرف جستن، ایجاد کلین و جمعیت‌هایی غیر مکزیکی در خاک مکزیک کردن، بحث مهاجرت و ورود به مکزیک و مهاجرت به خاک این کشور و رعایت و حفظ سلامتی در سطح عام و جامع جمهوری مکزیک.

الف- شورای سلامت عمومی جامعه و کشور مستقیماً وابسته به مقام ریاست جمهوری کشور است بی‌هیچ دخالتی از سوی هیچ یک وزارتخانه‌های دیگر و رعایت مقررات عمومی آن در سطح کشور اجباری است.

ب- در صورت بروز شیوع هر گونه بیماری اعم از وخیم و خطرناک و تهاجم هر نوع امراض ناشناخته به درون مرزهای کشور، اداره بهداشت کشور یا سازمان کل بهداشت کشور، وظیفه دارد تا نسبت به اتخاذ و اعمال تدابیری پیشگیرانه و اجتناب‌ناپذیر جدای از آنکه بعداً و متعاقباً جرائم و مجازات‌هایی نیز از مقام رسمی ریاست جمهوری بر این امراض و عاملین ورود و بروز آنها معین و اعمال خواهد شد مبادرت خواهد ورزید.

ج- مقام بهداشت کشور، تصمیماتش مجری بوده و مقررات وضع شده از سوی این مقام توسط کلیه مقامات اداری کشور اطاعت خواهد شد.

د- تدابیری که شورا در طول مبارزات انتخاباتی‌اش در جهت دفع الکلیسم و فروش مواد سمی و کلیه ماتریال‌هایی که نوع بشر را دچار نقصان و نوعی دژانریزه می‌کنند، همین‌طور کلیه تدابیری که جهت پیشگیری و مبارزه علیه آلودگی محیطی اتخاذ گشته‌اند، پس از اتخاذ توسط کنگره در مواردی که ذریب باشد بررسی خواهند شد.

هفده- جهت اعمال قوانینی در خصوص راه‌های عمومی ارتباطی و خبررسانی و در خصوص امور پستی و نامه‌رسانی و نیز صدور قوانینی در باب استفاده و بهره‌گیری از آب‌های حوزه تحت استحفاظی فدرال کشور.

هیجده- جهت برقراری ضرابخانه و تثبیت شرایطی که این ضرابخانه باید دارا باشد و نیز اعمال مقررات در جهت تعیین ارزش نسبی پول خارجی و اتخاذ نظامی جامع در خصوص وزن و اندازه‌های پول کشور.

نوزده- جهت تثبیت مقررات مرتبط با اشغال و تفکیک زمین‌های بایر و نیز بهای این قبیل زمین‌ها.

بیست- جهت صدور قوانینی در جهت سازماندهی هیأت‌های دیپلماتیک و هیأت‌های کنسولی مکزیک در کشورهای دیگر.

بیست و یک- در وضع جرائم و تخطی‌هایی که بر علیه کشور صورت می‌گیرد و نیز در جهت تعیین تنبیهات بایسته و شایسته علیه این قبیل جرائم. مقامات کشوری قادرند از مراتب جرائم عمومی هنگامی که این قبیل جرائم بندی با جرائم مملکتی مرتبطند آگاهی حاصل نمایند.

بیست و دو- جهت اعطای بخشودگی در حدود جرائمی که مراتب شناسایی و تشخیص صحت و سقم آنها در حیطه دادگاه‌های کشور باشد.

بیست و سه- جهت صدور قوانینی که به برقراری شالوده‌های هماهنگی بین کشور از قبیل پایتخت و ایالات و شهرها در زمینه امنیت عمومی و نیز سازماندهی و عملکرد، گزینش و ترفیع و به رسمیت شناسی نهادها و آحاد امنیتی عموم پهنه کشور بینجامد.

بیست و چهار- جهت صدور قانون تشکیلاتی ذیحسابی کل کشور.

بیست و پنج- جهت برقراری و سازماندهی و حفظ مدارس روستایی، ابتدایی، متوسطه و حرفه‌ای عالی و نیز مؤسسات علمی- تحقیقات و هنرهای زیبا و آموزش فن و همین‌طور مدارس عملی و غیر تئوری زراعی و معدنی، هنری و حرفه‌ای، همین‌طور موزه و کتابخانه و رصدخانه و دیگر مؤسسات مرتبط با امر فرهنگ عمومی جامعه جهت کلیه شهروندان مملکت و نیز در جهت قانونمند کردن ابنیه باستان‌شناسی، هنری و تاریخی که حفظ آنها در جهت حفظ منافع عمومی جامعه باشد.

نیز جهت اعمال قوانینی که در شرف وضع در سراسر جامعه چه پایتخت چه ایالات و دیگر شهرها، در جهت هدایت مراتب آموزشی و پرورشی و هم چنین رسیدگی به مراتب سرمایه‌گذاری در راه این خدمت عمومی و جستجو برای وحدت‌بخشی و هماهنگ‌سازی امر آموزش و پرورش در کلیت جامعه، اسنادی که توسط تأسیسات و تشکیلات ذیربط شرف صدور یابند، در کل جامعه و کشور مجری بوده و سندیت دارند.

بیست و شش- برای اعطای مجوز به ریاست جمهوری و نیز برای استقرار قانونی نزد جامعه مبارزات انتخاباتی (کانون انتخابات کشور) کشور جهت انتصاب شهروندی که اگر لازم باشد باید به جانشینی ریاست جمهوری برگزیده شود چه در هیئت جانشینی یا موقت و اضطراری در چارچوب مفاد اصول ۸۴ و ۸۵ قانون اساسی.

بیست و هفت- جهت قبول استعفای رئیس‌جمهور.

بیست و هشت- حذف شده است.

بیست و نه- الف- جهت وضع مالیات‌ها:

یک/ بر تجارت خارجی. دو/ بر بهره‌وری و استفاده از منابع طبیعی مشتمل در پاراگراف‌های ۴ و ۵ اصل بیست و هفتم. سه/ بر تشکیلات اعتباری و مؤسسات بیمه. چهار/ بر خدمات عمومی ارائه شده و یا مورد استفاده و بهره‌وری قرار گرفته از سوی سیستم. (منظور نظام حاکم و مملکت است). پنج/ مالیات ویژه بر:

الف- انرژی برق. ب تولید و مصرف تنباکوی به عمل آمده، پ- بنزین و دیگر فرآورده‌های مشتق نفتی، ت- کبریت، پ- و فرآورده‌های تخمیری آن، ج- بهره‌وری از جنگل‌ها، ج- تولید و مصرف آبجو.

واحدهای فدراتیو در مقام و هیأت مؤدیان مالیاتی فوق که مالیات‌های ویژه محسوب می‌شوند در چارچوب مقرر و حدود قانونی مشارکت خواهند جست.

و مقامات قانونگذار محلی میزان و درصد مربوط به هر شهر را از محل درآمدهای ایشان و مالیات بر انرژی برق تعیین و تنظیم خواهند نمود.

بیست و نه- ب- جهت قانونگذاری در باب مشخصات و استفاده از پرچم، سمبل و نشان و سرود ملی.

بیست و نه- پ- جهت صدور قوانینی که حضور و دخالت دولت فدرال را ملزم و ضروری قلمداد نمایند. همین‌طور دخالت ایالات و دولتهای ایالتی و شهرها را، در پهنه وظایف و حدود اختیاراتشان و در زمینه اسکانهای انسانی و به منظور اجرای اهداف پیش‌بینی شده در پاراگراف سوم بیست‌وهفتم قانون اساسی.

بیست و نه- ت- جهت صدور قوانینی در خصوص طرح ریزی ملی امر توسعه اقتصادی و اجتماعی.

بیست و نه- ث- جهت صدور قوانینی برای برنامه‌ریزی، ترفیع، هماهنگی و اجرای عملیات و اقدامات اقتصادی به ویژه تولید کافی و به موقع اموال و خدمات و باروری اجتماعی عمومی و کلیه باروریهای ملی و ضروری.

بیست و نه- ج- جهت صدور قوانینی مرتبط با امر تشویق سرمایه‌گذاری مکزیکی، تنظیم و تقریر سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال تکنولوژی و تعمیم گسترش و کاربرد آشنائیهای علمی و تکنولوژیکی که توسعه ملی آنها را ایجاب نماید.

بیست و نه- چ- جهت صدور قوانینی که حضور و دخالت دولت فدرال را و نیز دول و حکومت‌های ایالتی و شهری را در پهنه اختیارات و وظایفشان بطلد و آن هم در زمینه حمایت از محیط زیست و حفظ و بازسازی تعادل اقلیمی و بومی (یا اکولوژیکی).

بیست و نه- خ- جهت صدور قوانینی که دادگاهها در زمینه منازعات و درگیری‌های اداری با آن روبرو هستند یا می‌شوند، محاکمی که دارای خودمختاری کافی و وافی جهت صدور و ابلاغ حکم هستند یعنی در منازعاتی که بین دوائر دولتی و حکومتی و عمومی با افراد یا شخصیت‌های خصوصی و حقوقی بروز کرده یا می‌کنند.

سی- و نیز جهت صدور تمامی قوانینی که به منظور جاری ساختن اختیارات قبل ضروری باشند و نیز کلیه آن اختیاراتی که از سوی قانون اساسی به قوای سه‌گانه مملکتی تفویض گشته است.

اصل هفتاد و چهارم

اینها از اختیارات منحصر مجلس نمایندگان است:

۱- صدور حمایل به خصوص که باید در تمامی خاک جمهوری مکزیک نسبت به معرض آن و نیز نسبت به ارائه متن اظهارات رئیس جمهوری منتخب نزد محکمه انتخابات قوه قضاییه جمهوری ایراد گشته باشد.

۲- حمایت از ایفای دقیق و اجرای به حق وظایف ذیحسابی کل کشور از طریق کمیسیون برخاسته از بطن و متن مجلس.

۳- انتصاب رؤسا و دیگر کارمندان آن اداره.

۴- بررسی و بحث و تأیید بودجه جهت پرداختهای کشور بطور سالیانه و بحث راجع به مالیاتها ابتدائاً و سپس تقدیم لوایحی جهت پوشش این بودجه و نیز بازبینی حسابها و هزینههای عمومی سال گذشته.

قوه مجریه پیشنهاد قانون هزینهها و پرداختها و نیز لایحه بودجه مربوط به هزینههای کل کشور را حداکثر تا تاریخ ۱۵ نوامبر با ۱۵ دسامبر هر سال یعنی هنگام آغاز تصدی و عهدهداری وظایفش طی تاریخ پیشبینی شده در اصل هشتادوسوم با ضرورت حضور بهمرسانی دبیر اداره ذیربط جهت ارائه و گزارش حسابها/ به اصطلاح پس دادن حسابها/ به مجلس نمایندگان ارجاع و ارسال خواهد داشت.

این قوه قادر نیست خارج از آنچه ضرورت داشته باشند، عهدهدار یا پیشنهاد دهنده برخی پرداختها از محل این بودجه و در این هیات و مقوله گردد. چنین عهدهداری و پیشنهاد دهی فقط در حیطة اختیارات وزراء و با موافقت کتبی شخص رییس جمهور قابل تحقق است.

هدف از بررسی و بازبینی حسابهای عمومی شناخت نتایج عملکرد مالی کشور است و نیز پی بردن به صحت و سقم این مطلب که آیا هزینهها و حساب و کتاب مالی کشور با معیارهای مشخص در بحث بودجه و نیز در جهت اجرای اهداف و برنامههای بودجه کشور هست یا خیر.

چنانچه بر اثر بازبینیها و بررسیهای ذیحسابی کل کشور و تشکیلات دارایی، اختلافاتی ظاهر گردند بین ارقام و اعداد هزینه شده و حسابهای بودجهای کشور و یا دقت عمل و توجیه بایسته در هزینههای انجامی وجود نداشته باشد، مسؤولیت این نخواندن و اختلاف حساب از سوی قانون تعیین خواهد شد.

حسابهای عمومی سال قبل هر سال مالی میبایست نزد مجلس نمایندگان کنگره محترم در خلال ده روز اول ماه ژوئن ارائه گردد.

و تنها عاملی که باعث افزایش مهلت جهت ارائه لایحه پیشنهادی قانون درآمدها و برنامه بودجه هزینهها و نیز کلیه حسابهای عمومی خواهد شد، وساطت و درخواست قوه مجریه است که باید به قضاوت مجلس یا کمیسیون دائمی امری موجه و درخواستی متین و منطقی باشد و در کلیه این شئون حضور دبیر اداره ذیربط جهت اطلاعدهی نسبت به علل این درخواست ضروری است.

۵- امکان و اختیار اظهار این مطلب که فردی از کارکنان دولتی مرتکب جرم یا جرائمی در چارچوب اصل یکصدویازده (۱۱۱) قانون اساسی شده یا خیر.

و نیز آگاهی از تخطیها و جرائمی که هر يك از کارکنان بخش دولتی به شرح مفاد اصل یکصدوده (۱۱۰) قانون اساسی مرتکب گردد اقدام و عملکرد هم چون نهادی اتهام زننده در محاکمه سیاسی علیه افراد یا نهادهایی که علیه این محاکمه اقامه دعوا نمایند.

۶- حذف شده است.

۷- حذف شده است.

۸- دیگر مراتبی که قانون اساسی برایش متصور بدانند.

اصل هفتاد و پنجم

مجلس نمایندگان به هنگام تأیید و تصویب بودجه مختص هزینههای کشور، نمی تواند مالیاتی جدید یا مجددی را بر مشاغلی که قبلاً مراتب مالیاتدهی اش توسط قانون مقرر و مصوب گشته، مترتب دانسته یا اعمال نماید. و در صورت بروز هر گونه وضعیتی که بواسطه آن مراتب

تثبیت دستمزد هر يك از مشاغل حذف قلمداد گردد، تلوياً استنباط خواهد شد كه در طی بودجه سال قبل مراتب، منظور و ملحوظ گشته است.

اصل هفتاد و ششم

اینها از اختیارات منحصر سناست:

۱- بررسی و تحلیل سیاست خارجی كه توسط قوه مجریه فدرال و براساس گزارشات سالانه‌ای كه رییس جمهور و دبیر اداره ذریبط نزد كنگره ارائه می‌دهند، به علاوه تأیید مراتب معاهدات بین‌المللی و كنوانسیونهای دیپلماتيك كه قوه مجریه بخواند منعقد سازد.

۲- تصویب انتصابهایی كه مقام رییس‌جمهوری از ناحیه دادستانی كل كشور، وزراء، نمایندگان دیپلماتيك، سه كنسولها، كاركنان ارشد دارایی، سرهنگها و دیگر سران ارشد ارتش نیروی دریایی و نیروی هوایی در چارچوب مقررات و قوانین بخواند تحقق بخشد.

۳- تصویب مراتب تصمیم‌گیری و تأیید شخص رییس جمهور هنگامی كه می‌خواهد و برای اینکه بتواند به اعزام نیروهای لشكري كشور به خارج از مرزها مبادرت ورزد، همین‌طور تأییدات لازم جهت آنكه شخص رییس‌جمهوری بتواند حضور نیروهای بیگانه را در خاك مكزيك و اسكان اسكانداریهای نیروی بیگانه را در آبهای ملی برای مدتی بیش از يك ماه اجازه دهد.

۴- اعلام رضایت نسبت به اینکه رییس‌جمهور بتواند گارد ملی را در خارج از حیطه و حوزه استحفاظی و قضایی ایالات مربوطه خویش در اختیار گیرد و نیز نیروی لازم را خود بتواند تعیین و تثبیت نماید.

۵- اظهار اینکه در زمان نبود تمامی قوای سه‌گانه مشروطه، می‌توان فرمانداری موقت را برای ایالتی انتصاب نمود تا این فرد اقدام به برگزاری انتخابات مطابق با قوانین مشروطه همان ایالت بنماید.

انتصاب فرماندار از سوی سنا و به پیشنهاد مشخص و مصرح شخص رییس جمهور و با تصویب دوسوم نمایندگان حاضر در سنا تحقق خواهد گرفت و در صورت نبود این امکان، کمیسیون دائمی بر اساس همان مقررات پیش‌بینی شده دست به انتصاب خواهد زد.

مقام منتصب نخواهد توانست در انتخاباتی كه بعدها خود این شخص فرمان‌برگزارش را بدهد مبادرت به شركت نماید و مادام كه قوانین اساسی ایالات مختلف پیش‌بینی خاصی برای این معضل یا مورد نکرده‌اند، مقررۀ فوق مجری خواهد بود و سندیت خواهد داشت.

۶- حل معضلات سیاسی كه بین قوای سه‌گانه روی دهد، هنگامی كه یکی از آنها به علت همین اختلاف‌نظر و بروز معضل به سنا رجوع کرده باشد و یا هنگامی كه در نظام مشروط بواسطه بروز يك درگیری یا منازعه مسلحانه اختلال یا اختلالی حادث شده باشد كه در این صورت سناست كه با استناد بر نص صریح قانون اساسی كل كشور و قانون مربوط به ایالت مربوطه، اعلام نظر و حكم خواهد كرد.

و قانون است كه نحوه و مقررات اجرای این اختیار و نیز اختیارمندی مورد قبل را تنظیم و وضع خواهد نمود.

۷- حضور در هیأت منصفه دادگاه جهت بازشناسی و آگاهی از يك محاکمه سیاسی نسبت به كاركنان خاطی دولتی و هنگامی كه به خصوص پای منافع عمومی در وسط باشد و یا منافع اداره مربوط به كارمند خاطی میان باشد، همواره در چارچوب اصل يكصدوده (۱۱۰) قانون اساسی.

۸- انتصاب وزراء و قضات دیوان عالی عدالت كشور آن هم از میان جمعی كه شخص رییس جمهوری در نظر داشته باشد و نیز اعطای تأیید یا امتناع درخواست تأیید استعفاي آنهاي كه در حیطه وظایف و اختیارات رییس جمهوری باشد.

۹- انتصاب و عزل والي منطقه پایتخت در مفاد پیش‌بینی شده در این متن قانون اساسی.

۱۰- و دیگر اختیاراتی كه به نص صریح قانون اساسی حاضر به وی اعطا و تفویض گشته باشد.

اصل هفتاد و هفتم

هر يك از مجلسین بدون دخالت دیگری قادر است:

۱- تصمیمات و قطعنامه‌های اقتصاد مرتبط با نظام داخلی خود را تنظیم و اعمال نماید.

۲- با مجلس دیگر و نیز با قوه مجریه از طریق کمیسیون‌های داخلی خود مرادده و ارتباط برقرار نماید.

۳- کارکنان دبیرخانه خویش را انتصاب نماید و آیین‌نامه داخلی جهت این دبیرخانه تنظیم و وضع کند.

۴- به صدور فراخوان جهت انتخابات فوق‌العاده به قصد پوشش جاهای خالی اعضای خویش مبادرت ورزد. در خصوص مجلس نمایندگان باید گفت که جاهای خالی اعضای منتخب که از طریق اصل احراز نمایندگی بالنسبه گزینش شده باشند، می‌بایست توسط نامزدهای حزبی همان اعضای قبل که صحنه را به دلیلی خالی کرده‌اند به ترتیب تقدم از روی خدمت منطقی‌های مربوطه اشغال گردد. آن هم پس از اینکه مشخص شد چند کاندیدا، حق مربوط به حزب مزبور می‌باشد.

بخش چهارم در خصوص کمیسیون ویژه اصل هفتاد و هشتم

در طی غیبت و نبوده کنگره کمیسیونی به نام کمیسیون دائمی متشکل از ۲۷ عضو که ۱۹ نفرشان نمایندگان و ۱۸ نفرشان سناتور هستند و همگی از سوی مجلسین مربوط خویش و در آستانه اختتام دوره جلسات عادی مجلس مربوطه برگزیده شده‌اند. و برای هر یک از حائزین و گزینش شدگان از سوی مجلس مربوطه، و از میان نمایندگان خویش، یک نفر به عنوان جانشین برگزیده خواهد شد.

اصل هفتاد و نهم

کمیسیون ویژه به علاوه اختیارات و وظایفی که قانون اساسی حاضر برایش متصور و مترتب می‌داند، اختیارات و وظایف زیر را نیز عهده‌دار است:

۱- اعلام رضایتمندی جهت استفاده از گارد ملی در مواردی که اصل هفتادوشش (۷۶) بدان اشاره دارد.

۲- احتمال دریافت مراتب اعتراض رئیس‌جمهوری در خصوص چند و چون این استفاده.

۳- حل مسایل تحت کنترل و مرتبط با حیطة اختیاراتش و دریافت پیشنهادات و لوایحی قانونی پیشنهادی که به مجلس خطاب می‌شوند در غیاب کنگره و نیز توزیع به جای آنها جهت ابلاغ به کمیسیونهای مرتبطه در مجلس به منظور طرح و بررسی در جلسات به موقع و بلافاصله هر مجلس بسته به موضوعیت هر قضیه و نزد کمیسیون ذیربط.

۴- موافقت با پیشنهاد قوه مجریه در خصوص فراخوانی مجلسین یا یکی از دو مجلس نسبت به برگزاری و برپایی جلسات فوق‌العاده، در شرایطی که ضرورت اخذ دو سوم آراء حاضر در هر دو حالت وجود دارد. / طی این فراخوانی منظور نظر یا مقاصد مورد نظر جلسات فوق‌العاده، مشروحاً به عرض نمایندگان می‌رسد.

۵- اعطا یا بازپس‌گیری تأیید نسبت به انتصاب دادستان کل کشور که از سوی مقام ریاست جمهوری انتصاب گشته شده باشد.

۶- اعطای مجوز تا ۳۰ روز به شخص رئیس‌جمهوری و انتصاب شخص رئیس‌جمهور موقت که برقرار است جای رئیس‌جمهور فعلی را اشغال نماید.

۷- تأیید مراتب انتصابهایی که رئیس‌جمهوری نسبت به آقایان وزراء اعمال نموده یا نمایندگان سیاسی خارج از کشور همین طور و کارکنان ارشد وزارت دارایی، سرهنگها و نیز دیگر سران ارشد ارتش و نیروی دریایی و نیروی هوایی در چارچوب مقرره قانونی.

۸- بررسی و بازشناسی و تصمیم‌گیری در خصوص تقاضاهای مجوز که از سوی قانونگذاران نزد این کمیسیون طرح و پیشنهاد گشته است.

۹- حذف شده است.

فصل سوم در خصوص قوه مجریه اصل هشتماد

مراتب اجرای ارشدیت قوه مجریه کشور در هیأت يك شخص مجلس و متصور می‌گردد که نامش هست مقام ریاست جمهوری ایالات متحده مکزیك.

اصل هشتماد و یکم

گزینش رییس جمهور به طور مستقیم و در چارچوب مقرر انتخابات کشور صورت می‌گیرد.

اصل هشتماد و دوم

برای رییس جمهور شدن باید حائز شرایط زیر بود:

- ۱- از بدو تولد شهروند مکزیك بوده و با برخورداری از کلیه حقوق يك شهروند و نیز فرزند پدر یا مادر مکزیكي بوده و حداقل بیست سال در مکزیك اقامت گزیده باشد.
- ۲- به هنگام گزینش سی و پنج سال سن داشته باشد.
- ۳- در طول سال قبل از روز انتخابات در خاک مکزیك بسر برده باشد. ولی غیبت حداکثر تا سی روز حتی پیوسته و پشت سر هم، هم مانعی برای اقامت و قبول يك سال اقامت وی نمی‌تواند تلقی شود.
- ۴- نباید متعلق به تشکیلات کلیسا یا راهبر و مرشدی از هیچیک از مذاهب باشد.
- ۵- اگر در سرویس ارتش می‌باشد نباید در خدمت فعالانه به این نهاد لاقلاً در خلال شش ماه قبل از روز انتخابات باشد.
- ۶- نباید به هنگام گزینش در سمتهای وزارتی، معاونت وزارتی، ریاست یا دبیر کلی هیچ اداره و تشکیلات اداری مملکتی، دادستانی کل کشور و یا فرمانداری هیچ يك از ایالات بوده باشد و لاقلاً اگر هم قبل از انتخابات سمتی را عهده‌دار بوده باید که حداکثر شش ماه قبل از تاریخ گزینش‌اش از این سمتها منفک شده باشد.
- ۷- نباید هیچ يك از عدم کفایت‌های مندرج در اصل هشتمادوسه این قانون شامل وی گردد.

اصل هشتماد و سوم

رییس جمهور که وظایف محوله را از تاریخ یکم دسامبر سال انتخاب خویش عهده‌دار خواهد شد و شش سال پیاپی در سمت ریاست جمهوری باقی خواهد ماند. شهروندی که عهده‌دار سمت رییس جمهوری می‌شود چه رییس جمهوری منتخب مردم و چه رییس جمهوری موقت یا جانشین و کفیل باشد، به هیچ وجه و به هیچ علت و انگیزه‌ای قادر نخواهد بود مجدداً در این سمت گزینش گردد. یعنی در تمام عمر فقط یکبار این امکان به وی دست می‌دهد.

اصل هشتماد و چهارم

در صورت غیبت مطلق رییس جمهور، در دو سال نخست دوره ریاست جمهوری، چنانچه کنگره در شرف انجام یا در حین انجام جلساتش باشد، فوراً تشکیل جامعه انتخاباتی داده خواهد شد و با رأی‌گیری محرمانه از بین حداقل (۲/۲) کل نمایندگان مجلسین فردی که حائز اکثریت مطلق آراء است به گزینش يك رییس جمهور موقت مبادرت ورزیده خواهد شد. و نیز کنگره است که در خلال ده روز متعاقب انتخاب شخص رییس جمهوری موقت اقدام به فراخوانی جهت گزینش رییس جمهوری که باید ادامه زمان دوران ریاست جمهوری شخص غایب را پر نماید خواهد نمود حد فاصل تاریخ فراخوانی به منظور فوق و تاریخی که انتخابات مجدد صورت خواهد گرفت نباید از ۱۴ ماه کمتر و از ۱۸ ماه بیشتر باشد. چنانچه کنگره در حین جلسات خود نباشد، کمیسیون دائمی است که البته رییس جمهور موقت را انتصاب خواهد نمود و مجلسین را جهت اجلاس فوق‌العاده فراخواند تا کنگره نیز به نوبه خویش رییس جمهور موقت را منصب دانسته و مراتب برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را در خلال مهلت فوق‌الذکر طی پاراگراف قبلی، اعلام و صادر نماید.

چنانچه غیبت رییس جمهور در خلال ۲ سال نخست دوران ریاست جمهوری باشد چنانچه کنگره در حین انجام جلسات دوره‌ای (پریودیك) خویش باشد، فردی را به عنوان رییس جمهوری جایگزین یا جانشینی که موظف به عهده‌داری سمت ریاست جمهوری تا پایان دوره شش ساله می‌باشد، انتصاب خواهد کرد اما اگر کنگره در این امر متحد، عمل ننماید و اتفاق نظر نباشد، لذا کمیسیون دائمی فردی را به عنوان رییس جمهور موقت منصوب خواهد نمود و کنگره را جهت اجلاس فوق‌العاده فراخواهد خواند تا به برپاسازی يك ستاد انتخاباتی مبادرت ورزیده به گزینش يك رییس جمهور جایگزین یا جانشین همت گمارد.

اصل هشتماد و پنجم

اگر به هنگام دوره ریاست جمهوری طبق نص صریح قانون اساسی، رییس جمهوری منتخب خود را ننماید یا حضور به هم نرساند، یا انتخابات تا یکم دسامبر سال مورد بحث تکمیل و انجام نشده باشد، به هر صورت رییس جمهوری پیش خاتمه یافته باشد به کار خود خاتمه داده و از این پس قوه مجریه است که عهده‌دار سرپرستی کشور در هیأت رییس جمهور موقت خواهد شد یعنی فردی را به انتصاب از سوی کنگره معرفی خواهد نمود و در غیاب وی در هیأتی موقت و غیر دائمی فردی که از سوی کمیسیون دائمی گزینش و انتصاب شده باشد عهده‌دار سمت ریاست جمهوری خواهد شد و مراتب حضور به هم رسانی این فرد یا فرد قبل طبق مفاد اصل قبل خواهد بود.

چنانچه غیبت رییس جمهوری، موقت و کوتاه باشد، کنگره در حین برگزاری اجلاس‌هایش باشد ابتدائاً، و در صورت غیبت کنگره، کمیسیون دائمی شخص را به عنوان رییس جمهور موقت جهت عهده‌داری وظایف رییس جمهور تا انتهای این زمان غیبت منتصب خواهد نمود. چنانچه غیبت رییس جمهور بیش از سی روز باشد و کنگره در حین اجلاس نباشد، کمیسیون دائمی کنگره را جهت برپایی اجلاس فوق‌العاده فراخواهد خواند تا در خصوص مجوز و نام رییس جمهوری موقت تصمیم‌گیری و اعلام نظر نماید. چنانچه مراتب غیبت مقام ریاست جمهوری از حالت موقت به مطلق گراید، سپس در این صورت مراتب اصل قبل مجری خواهد بود.

اصل هشتماد و ششم

سمت ریاست جمهوری تنها در موارد بسیار وخیم که درجه این وخامت را کنگره تعیین خواهد کرد، قابل استعفا و کناره‌گیری است و مراتب این کناره‌گیری نیز نزد کنگره قابل طرح است.

اصل هشتماد و هفتم

رییس جمهور به هنگام عهده‌داری سمت خویش در پیشگاه کنگره و یا کمیسیون دائمی. «اینجانب بدینوسیله مراتب کناره‌گیری خویش را در عهده‌داری حراست از قانون اساسی ایالات متحده مکزیك و نیز کلیه قوانین منبعث از این قانون اعلام داشته اظهار می‌دارم که دیگر قادر به عهده‌داری وفادارانه و میهن پرستانه سمت ریاست جمهوری کشورم نیستم که ملت به من اعطا و تفویض نموده نمی‌باشم و این اعلام انصراف و کناره‌گیری از این سمت صرفاً به خاطر مصالح و خیر کشور و میهن‌ام می‌باشد و اگر چنین نباشد وانده ملت بوده و کشور قادر است مرا تحت تعقیب قانون قرار داده، خواهانم باشد.»

اصل هشتماد و نهم

رییس جمهور بدون مجوز کنگره و یا کمیسیون دائمی در صورت ضرورت مداخله این کمیسیون قادر به ترك کشور نخواهد بود.

اختیارات و وظایف رییس جمهور عبارتند از:

- ۱- تصویب و اجرای قوانین صادره از سوی کنگره و تدارك و پیش‌بینی فضایی مناسب مدیریت بر قوانین مزبور تحت نظارت دقیق خویش.
- ۲- عزل و نصب آزادانه معاونین خود یا همان وزرای کابینه و نیز نمایندگان سیاسی در خارج از کشور و کارگزاران وزارت دارایی و نیز انتصاب و عزل آزادانه دیگر کارگزاران کشور که انتصاب و

- مراتب عزلشان به گونه‌ای دیگر در متن قانون اساسی و سایر قوانین درج و پیش‌بینی نشده است.
- ۳- انتصاب قضات، نمایندگان سیاسی خارج کشور، سر کنسولها و نیز همواره با تأییدات سنا.
 - ۴- انتصاب، سرهنگها و دیگر افسران ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی و سایر مقامات ارشد وزارت دارایی با تأییدات سنا.
 - ۵- انتصاب دیگر افسران ارتش، نیرو دریایی و نیرو هوایی مطابق با قوانین.
 - ۶- در اختیار گرفتن تمامی نیرو دریایی و ارتش نیروی زمینی و نیز ناوگان جنگی و نیروی هوایی جهت تأمین امنیت داخلی و دفاع خارجی از تمامیت مملکت.
 - ۷- در اختیار گرفتن گارد ملی جهت مقاصد مشروحه در بخش ۴ اصل ۷۶ قانون اساسی.
 - ۸- اعلان جنگ به نام ایالات متحده مکزیك با گذرانیدن پیشا پیش لایحه قانون مزبور نزد کنگره.
 - ۹- انتصاب دادستان کل جمهوری با تصویب سنا.
 - ۱۰- هدایت سیاست خارجی و انعقاد پیمانهای بین‌المللی، با گذرانیدن همه آنها از مجلس سنا. / در امر هدایت چنین سیاستی، مسؤول قوه مجریه یعنی شخص رییس جمهور اصول و مقررات زیر را مد نظر خواهد داشت:
 - رعایت خودمختاری ماتها، عدم مداخله در امور داخل کشورها، حل مسالمت‌آمیز مناقشات، امتناع از هر گونه تهدیدات و عدم استفاده از زور و جبر در مناسبات بین‌المللی، رعایت مراتب برابری حقوقی دولتها، مشارکت بین‌المللی در جهت توسعه ملل و نیز نبرد به خاطر برقراری صلح و امنیت بین‌المللی.
 - ۱۱- فراخوانی کنگره برای جلسات فوق‌العاده هنگامی که کمیسیون دائمی نیز با این امر اتفاق نظر داشته باشد.
 - ۱۲- فراهم‌آوری تسهیلات جهت قوه قضاییه، مثل کمک‌رسانیهای ضروری جهت اجرای صحیح و به موقع وظایف‌اش.
 - ۱۳- توانمندسازی انواع بنادر و برقراری گمرکات دریایی و مرزی و نیز تصمیم‌گیری نسبت به محل استقرار هر یک.
 - ۱۴- اعطای بخشودگی به مجرمین محکوم به خاطر ارتکاب جرائمی که نزد محاکم فدرال کشور محرز شناخته شده و جرائمی از نزع عمومی بازشناسی شده است، البته مطابق با قوانین.
 - ۱۵- اعطای امتیازات انحصاری و به مدت زمان محدود مطابق با قوانین به کاشفین، مخترعین و یا تکمیل سازان شاخه یا پروژه‌ای صنعتی.
 - ۱۶- هنگامی که مجلس در حین برپایی جلسات خود نباشد، رییس جمهور خواهد توانست نسبت به انتصابات مندرج و مشروحه در بخش‌های ۳ و ۴ و ۹ همین اصل، اقدام مقتضی مبذول دارد، مراتب تصویب و تأیید کمیسیون دائمی را همواره در این انتصابات مدنظر و ملحوظ داشته باشد.
 - ۱۷- حذف می‌شود.
 - ۱۸- ارائه مشروحات خویش در خصوص انتصاب مقامات عالی‌رتبه و قضات دیوان عالی عدالت نزد سنا و نیز ارائه مدارک تأیید یا انصراف ایشان که باید به تأیید خود سنا رسیده باشد و لاغیر.
 - ۱۹- حذف شده است.
 - ۲۰- و دیگر اختیارات و وظایفی که قانون اساسی به وی تفویض داشته است.

اصل نودم

هیأت حاکمه کشور متمرکز و فرا ایالتی بوده از قانون تشکیلاتی که کنگره صادر می‌نماید تبعیت می‌کند و هم کنگره است که امورات این هیئت را طبق نوع و نظام اداری و مدیریتی نهادهای متنوع کشور توزیع و تشریح می‌نماید و سپس انجام امورات محوله بر عهده وزارتها و ادارات و نهادهای دولتی و مملکتی بود و نیز کنگره است که مبانی عمومی ایجاد واحدهای فرا ایالتی و فرادولتی و نیز نحوه دخالت حضور قوه مجریه را در عملکرد این تشکیلات تعریف و تبیین خواهد نمود.

قوانین، چارچوب مناسبات بین واحدهای فرا ایالتی و قوه مجریه و نیز بین این واحدها با وزارتها و تشکیلات اداری مملکتی را تعیین خواهند نمود.

اصل نود و یکم

جهت عهده‌داری پست و سمت وزارت یعنی وزیر شدن نیاز هست به اینکه فرد از ناحیه تولد مکزیکی بوده و ضمن برخورداری از حقوق حقه و بایسته خویش سی سال تمام نیز سن داشته باشد.

اصل نود و دوم

تمامی مقررات، لوایح، توافقات و فرامین رییس جمهور بایستی به امضاء وزیر یا رییس تشکیلاتی که مورد مقرر، لایحه و توافق و یا فرمان به آن مربوط است برسد و لذاست که بدون داشتن چنین امضایی قابل تبعیت نیستند.

اصل نود و سوم

وزراء و رؤسای نهادهای اداری مملکتی و تشکیلات هیأت حاکمه کشور، پس از آغاز دوره جلسات عادی کنگره، گزارش از حساب و کتاب ایالت خود را نزد مجلسین تقدیم خواهند نمود. و هر يك از مجلسین قادر است به تنهایی وزراء را فراخواند و نیز می‌تواند مقام دادستانی کل کشور و دیگر رؤسا هیأت حاکمه را نزد مجلس احضار نماید و نیز قادر است مدیران تشکیلات و نهادهای غیر متمرکز فدرال یا سایر مؤسساتی که به نحوی مشارکت اعظم ایالتی- دولتی دارند را جهت ارائه گزارش و صورت وضعیت‌شان به مجلس فراخوانند آن هنگام که قانونی تحت بررسی است یا امری یا اموری مرتبط با شاخه فعالیت نهاد مربوطه نزد هر يك از مجلسین تحت مطالعه است.

هر يك از مجلسین مجلس نمایندگان به درخواست يك چهارم اعضای خویش و مجلس سنا به درخواست نیمی از اعضای اختیار دارند تا اقدام به تشکیل کمیسیونهایی جهت تحقیق عملکرد نهادها و واحدهای غیرمتمرکز و نیز مؤسساتی که به نحوی مشارکتی عظیم را در امور دولتی و ایالتی دارا هستند، نمایند. نتایج تحقیقات به اطلاع مسؤول قوه مجریه یعنی رییس جمهوری خواهد رسید.

فصل چهارم

در باب قوه قضاییه

اصل نود و چهارم

مراتب اختیاری قوه قضاییه کشور بر عهده دیوان عالی عدالت محکمه انتخاباتی و دادگاههای تحت پوشش و یا منحصر از حیطه قضایی کشور و نیز شورای قضایی فدرال کشور نهاد می‌شود. دیوان عالی عدالت کشور از یازده قاضی متشکل می‌شود که هم متفقا هم در مواردی به شکل موردی و اجلاسی تشکیل جلسه داده و کار می‌کند.

حسب الامر قانونی، جلسات متفق و اجماعی این دیوان و همین‌طور اجلاسهای موردی‌اش عمومی بوده و در موارد استثنایی هنگامی که اختلافات جامعه و یا منافع عمومی و اجتماعی اقتضا نماید بطور محرمانه تشکیل اجلاس خواهد داد.

کلیه عملکرد این دیوان چه سراسری و چه موردی و تخصص و نیز عملکرد دادگاههای تحت پوشش قوه قضاییه، محاکم، دادسراهای ناحیه‌ای و نیز محکمه انتخاباتی و نیز کلیه مسؤولیتهایی که مرتبط با کارکنان عمومی و دولتی قوه قضاییه کشور باشد در چارچوب قوانین و مطابق با مبانی مقرره توسط قانون اساسی حاضر رهنمود گرفته، هدایت می‌شوند. و وظیفه شورای قضایی فدرال کشور است که تعداد و نحوه تقسیمات و عملکرد سراسری کشور و نیز در مواردی تعیین امور تخصصی دادگاههای تحت پوشش و یا منحصر و همین‌طور محاکم و دادسراهای ناحیه‌ای را تبیین و تعیین نماید.

هیأت سراسری دیوان عالی عدالت مختار به صدور توافقاتی عمومی و سراسری به منظور حصول توزیع مناسب امور بین دادسراها و محکمه می‌باشد و هم اوست که به منظور صدور هر چه سریعتر احکام و دستیابی به سرانجام امور و پرونده‌های قضایی تعیین تکلیف قضایی خواهد نمود.

و قانون است که میانی و چارچوب موظف عملکرد قضایی محاکم قوه قضاییه را در خصوص تفسیر و تعیین قانون اساسی، قوانین و مقررات سراسری و محلی و توافقات بین‌المللی منعقد از سوی دولت مکزیك و نیز تعیین تکلیف جهت دخالت قوه قضاییه و حتی هر گونه تغییر و تبدیلی را تعریف و تکلیف خواهد نمود.

حق‌الزحمه قضات این دیوان و نیز قضات سراسر کشور چه ناحیه‌ای و نیز مشاوران قضایی کلیه محاکم کشور و نیز قضات محکمه انتخاباتی در طی عهده‌داری وظایف ایشان به هیچ وجه قابل کاهش نیست.

قضات دیوان عالی عدالت به مدت پانزده سال در سمت خود ابقاء می‌مانند و تنها در مواردی که مفاد عنوان چهارم قانون اساسی تعیین می‌نماید قابل عزل می‌باشد و نیز در مواردی که بطور عادی در سمت خویش باقی مانده و به انتهای زمان عهده‌داری سمت خویش رسیدند برخوردار از حق بازنشستگی و تبعات این حق خواهند بود.

هیچ فردی که در دورانی قاضی بوده است نخواهد توانست برای دوره‌ای مجدد در این سمت انتصاب گردد به جز در مواردی که در دوره قبلی فقط عهده‌داری سمت قضاوت به شکل موقت و در هیأت غیر دائمی خدمت کرده باشد.

اصل نود و پنجم

جهت انتخاب شدن به عنوان قاضی دیوان عالی عدالت، فرد باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- شهروند مکزیك از باب تولد بوده باشد و محق به برخورداری از کلیه حقوق سیاسی و مدنی‌اش.

- ۲- به هنگام انتصاب حداقل سی و پنج سال سن داشته باشد.

- ۳- «انتصاب» ده سال تمام از اخذ مدرک حرفه‌ای و دانشگاهی وی در رشته حقوق سپری شده باشد. مدرک‌های که به امضاء مقام و مؤسسه دانشگاهی معتبر رسیده و شرف صدور یافته باشد.

- ۴- دارای حسن شهرت و نداشتن هیچ گونه پیشینه محکومیت به جهت ارتکاب جرم یا جرائمی که به لحاظ محکومیت و حبس، وی را بیش از یک سال در حبس و حصر نگهداشته بوده باشد. اما چنانچه مراتب جرم وی مرتبط با دزدی، کلاهبرداری، جعل و سوء استفاده از اعتماد و دیگر مواردی که به نحوی ولی جداً شرکت وی را نزد عموم و همگان خدشه‌دار ساخته باشد و در هر میزان و مقدار و به هر کم و کیفی دوران حبس و جزایش باشد دیگر فرقی نمی‌کند، به هر صورت وی را از عهده‌داری چنین سمتی محروم خواهد ساخت.

- ۵- باید که در طی دو سال اخیر یعنی دو سال قبل از تاریخ انتصابش ساکن کشور بوده باشد و نهایت اینکه:

- ۶- در طول یک سال قبل از تاریخ انتصابش به هیچ عنوان عهده‌دار مشاغلی از قبیل وزارت ریاست تشکیلات دولتی، دادستانی کل کشور یا ناحیه پایتخت، سناتوری، نمایندگی مجلس، فرماندار هیچ یک از ایالات یا ناحیه فدرال منظور پایتخت نبوده باشد.

انتصاب قضات باید که به طور اکمل از بین اشخاصی که با کفایت کامل و شایستگی تمام عهده‌داری خدمات بوده‌اند و برخوردار از حسن عدالت و رعایت عدل و انصاف بوده یا به خاطر اعتبار و آبرومندی‌شان و تواناییها و پیشینه‌های حرفه‌ایشان در انجام فعالیت‌های حقوقی خویش شاخص بوده باشد، صورت پذیرد.

اصل نود و ششم

جهت انتصاب دیوان عالی عدالت، شخص رییس جمهوری قبل از حضور به هم رسانی افراد مورد نظرش مراتبی پیشنهادی را نزد مجلس سنا مطرح خواهد نمود که این نقش سناست که به گزینش فرد مورد نظر به عنوان قاضی در اشغال سمت خالی موجود همت خواهد گمارد.

مراتب این انتصاب از طریق رأی‌گیری و در صورت اعطای رأی دو سوم اعضای حاضر در اجلاس سنا در فاصله زمانی و غیر قابل تهدید سی روزه تحقق خواهد گرفت. چنانچه سنا در فاصله مهلت بایسته امر انتخاب را تحقق نبخشد و تصمیم‌گیری در خصوص این انتصاب ننماید، عهده‌دار وظایف قاضی مورد بحث و نظر خود خواهد شد و رییس جمهوری از میان افراد پیشنهادی‌اش وی را برمی‌گزیند.

در صورتی که مجلس سنا کلیت پیشنهادات رییس جمهور را در خصوص انتصاب فوق رد نماید رییس جمهوری مجموعه پیشنهادی جدید را نزد سنا ارائه خواهد کرد که در چارچوب مفاد پاراگراف قبل این امر صورت می‌پذیرد و اگر مجدداً این مجموعه پیشنهادی نیز برگردد، عهده‌دار سمت خالی نزد دیوان عالی عدالت خواهد شد.

اصل نود و هفتم

قضات شورا و قضات ناحیه از سوی شورای قضاوت فدرال یا کشور منصوب و تعیین می‌شوند و معیار این گزینش و تعیین معیارهایی ملموس و مطابق با شرایط و تدابیر مقرر از سوی قانون خواهد بود. این شش سال در سمت خویش منتصب خواهند بود و چنانچه مورد تأیید و توضیح به سمتهای بالاتر قرار گیرند تنها و تنها مطابق با تدابیر اتخاذی از سوی قانون و در صورت مواردی خاص امکان محرومیت از سمتهایشان هست.

دیوان عالی عدالت خواهد توانست یک یا چند تن از اعضاء و یا قضات نواحی مختلف قضایی کشور را تعیین نماید و یا به انتصاب یک یا چند کمیته ویژه به اقتضای درخواست مجلسین مبادرت ورزد و یا حتی به نصب فرماندار فی‌المثل هر یک از ایالات همّت و اقدام ورزد، آن هم در مواردی که بتوانند برای صحت و سقم بروز و ارتکاب خشونت علیه ضمانت‌های فردی در جامعه به تحقیق پردازند هم چنین می‌تواند از شورای قضایی فدرال کشور بخواهد که نسبت به عملکرد و رفتار یک مقام قضایی کشور به تفحص پردازد.

این دیوان همچنین مجاز و مختار است که نسبت به تحقیق راجع به هر گونه خشونت و اعمال خشونت‌آمیز علیه آراء مردمی وارد عمل شود اما فقط در مواردی که مراتب ظن و تردید بر مشروعیت روند انتخابات از سوی یکی از سه قوای کشور مترتب باشد. لذا نتایج حاصله نیز به نهادهای ذیصلاح و ذیربط ارجاع خواهد شد.

دیوان عالی عدالت هم چنین در مقامی هست که بتواند به نصب و عزل دبیر کل و یا دیگر مقامات و کارگزاران این محکمه عالی مبادرت ورزد و سپس قضات و مقامات قضایی نیز در هر ایالت و ناحیه از چنین حقی و اختیاری بهره‌مندند.

هر چهار سال، اجلاس سراسری دیوان عالی از میان اعضاء خویش ریاست این دیوان را بخواهد گزید ولی گزینش مجدد و بلافاصله مقام ریاست عالی دیوان میسر نیست. هر قاضی دیوان عالی به هنگام استقرار در سمت محوله به شکل زیر در برابر سنا سوگند یاد خواهد کرد:

ابتدا ریاست دیوان وی را سوگند می‌دهد که:

آیا سوگند یاد می‌کنید که در انجام وظایف وفادار بوده و با حس میهن‌پرستان در سمت قضاوت در مسند دیوان عالی عدالت عهده‌دار مسؤولیت شدید، مسؤولیتی که بر عهده شما از سوی قانون اساسی دیگر قوانین مترتبه ایالات متحده مکزیکی نهاده شده و در تمامی شئون و مراتب خیر و مصلحت جامعه و مملکت را در نظر بگیرید؟
و سپس قاضی مورد ادای سوگند می‌گوید:

بله، قسم می‌خورم.

و باز ریاست اجلاس می‌گوید: و اگر چنین نکنید، باشد که مملکت و ملت شما را بازخواست نماید.

دیگر مقامات قضایی نواحی فدرال کشور نیز در برابر شورای قضایی فدرال کشور و یا برابر مقام و مرجعی که قانون مصلحت و تعیین نماید سوگند یاد خواهند کرد.

اصل نود و هشتم

هنگامي که غيبت يك قاضي ارشد از يك ماه تجاوز کند، مقام رياست جمهوري به انتصاب يك قاضي جانشين مبادرت خواهد ورزید با تصويب سنا و مراتب اصل ۹۶ را در بحث اين انتصاب، طبق نص صريح قانون اساسي لحاظ خواهد نمود.

چنانچه يك قاضي به علت فوت يا انگيزه ديگري از عهده‌داري سمت محوله بطور قطع منفي گردد، رياست ديوان عالي به انتصاب فرد جديدي با تصويب سنا و در چارچوب مفاد اصل ۹۶ قانون اساسي مبادرت خواهد ورزید.

مراتب استعفای قضات ديوان عالي عدالت فقط به علل وخيم جهت بررسي و اظهارنظر رسيدگي خواهند شد و سپس به قوه مجريه ارجاع خواهد شد و چنانچه اين قوه با مراتب كناره‌گيري موافقت نمايد، جهت تصويب غايي به سنا خواهد فرستاد.

پروانه قضات اگر مراتب تشریفات صدورش بيش از يك ماه به طول نينجامد از سوي ديوان عالي عدالت به ايشان تفويض و اعطا خواهد شد ولي چنانچه مراتب تشریفات از يك ماه تجاوز کند، اين مقام رياست جمهور است که با تصويب سنا پروانه ايشان را اعطا خواهد نمود. مدت تشریفات صدور و اعطا و تفويض پروانه قضات نمي‌تواند از دو سال بيشتر به طول انجامد.

اصل نود و نهم

مرجع ديوان عدالت جهت اجراي احكام و فرامين اين محكمه، دادگاهها در محل محاكم عالي خويش و سالن‌هاي قضايي منطقه‌اي به تشكيل جلسه و صدور قطعنامه خواهند پرداخت و جلسات همه عمومي خواهند بود و در چارچوب مقرر قانون، همچنين دادگاهها از يك مجموعه كاركنان حقوقي و اداري ضروري براي عملکرد مناسب خويش بهره‌مند خواهند بود.

در هر محكمه عالي از هفت مقام قضايي انتخاباتي متشكل خواهد بود. مقام رياست اين محكمه توسط اعضاي محكمه برگزيده خواهد شد و از ميان اعضاي خويش، به اجراي وظايف محوله به مدت چهار سال بپردازد.

مراتب تصميم‌گيري به شكل قطعي و غير قابل نفوذ و خدشه‌ناپذير در چارچوب مقرر قانون اساسي به عهده اين دادگاه‌هاي انتخاباتي است که طبق قانون مي‌پردازند به:

۱- کليه دعاوي مطروحه در بحث انتخابات کشور، نمايندگان و سناتورها.
۲- کليه دعاوي مطروحه در بحث انتخاب رييس جمهوري که تنها در يك کشور و تحت نظارت و توسط محكمه عالي تصميم‌گيري و صدور حکم خواهند شد.

محكمه عالي به شمارش نهايي امر انتخابات رياست جمهوري پس از اعلام نظر قطعي و صدور حکم در خصوص دعاوي که در زمينه انتخابات و انتخاب شخص رييس جمهوري مطرح بوده خواهد پرداخت و اقدام به اعلام مراتب صحت و اعتبار اين گزينش خواهد نمود، يعني بر اساس رعايت اکثريت آراء اتخاذي توسط هر يك از نامزدهاي انتخاباتي.

۳- و نيز رسيدگي به دعاوي که در خصوص اقدامات و تصميمات مرجع و مقام انتخاباتي کشور مغاير با آنچه در دولت فوق‌الذکر اخير در تجاوز به حریم و مقررات مندرج در قانون اساسي و ديگر قوانين کشوري باشند.

۴- همين طور رسيدگي به دعاوي عليه اقدامات و تصميمات قطعي کليه مقام‌هاي ذيربط قضايي به منظور هر چه منسجم‌تر ساختن روند انتخاباتي کشور و نتايج غايي انتخابات. اين تشریفات اخير در بند ۴ حاضر موقعي به تحقق خواهد رسيد که مراتب رسيدگي، حقوقي و مشخص در فاصله مهلت‌هاي انتخاباتي، مربوطه مطرح و درخواست گشته باشند و نيز در مهلت‌هاي معين و مشخص و پيش‌بيني شده توسط قانون اساسي، موارد عملي و قابل تحقق باشند تا نهادهاي ذيربط و مراجع تصميم‌گيري و موضع‌گيري در خصوص گزينش شدگان به ايفاي وظيفه بپردازند.

۵- همين طور مراتب رسيدگي به اقدامات و تصميماتي که حقوق عمومي و سياسي- انتخاباتي شهروندان رأي دهنده و رأي گيرنده را به زير سؤال برده باشد و خدشه‌دار کرده باشد.

۶- و رسيدگي به منازعات و اختلافاتي که بين محكمه و خدمتگزاران و کارگزارانش حادث شده باشد.

۷- و رسیدگی به اختلافات و دعوای کاری بین مؤسسه انتخاباتی کشور و خدمتگزاران و کارگزارانش.

۸- و نیز مراتب تعیین و تحمیل مجازاتهایی که در رابطه موضوع فعالیت محکمه لازم‌الاجرا است.

۹- و نیز دیگر مراتبی که قانون بدان اشاره داشته باشد.
هنگامی که يك محکمه انتخاباتی در حال مطالعه بر روی تز یا رساله‌ای در خصوص عدم مشروعیت و عدم مشروطیت يك اقدام دادگاهی و یا تصمیمی متخذه از سوی محکمه و یا در خصوص تبیین و تفسیر نظریه و قسمتی از این قانون می‌باشد و یا این تز و یا رساله احتمالاً مغایرتی با مراتب دیگر محاکم و یا اجلاس سراسری دیوان عالی عدالت و یا هر يك از قضات و دیگر محاکم و قسمت‌های مختلف تشکیلات قضایی داشته باشد، نسبت به این مغایرت می‌توان شکایتی تنظیم نمود و البته در چارچوب قانون، تا اجلاس سراسری دیوان عالی عدالت مشخص نماید که کدام رساله گویا و معتبر است. / تصمیمات و احکام محکمه انتخاباتی که در این مقوله بگنجد اثری بر امور حل شده و حکم صادر شده نخواهد داشت.
سازمان دهی محکمه انتخاباتی و نوع مناسبات بین محاکم و نیز تدابیر اتخاذی در خصوص تصمیم‌گیری امور و نیز مکانیزم‌ها و راهکارهایی که جهت تثبیت معیارهای حوزه قضایی کاربری دارند همه و همه از سوی نص صریح قانون اساسی و قوانین دیگر و مرتبطه، تعیین تکلیف خواهند داشت.

مراتب مدیریت و اعتبار و نظم در دادگاه انتخاباتی، در چارچوب قوانین، بر عهده کمیسیون‌های نام کمیسیون شورای قضایی فدرال کشور است که سرپرستی این مراتب را نیز عهده‌دار خواهد بود. / این سرپرستی متشکل از:

يك مقام قضایی انتخاباتی از محکمه عالی منصب از سوی هیأت عالی‌رتبه محکمه فوق و نیز سه عضو از شورای قضایی فدرال کشور، همین طور محکمه است که مراتب بودجه‌ای را نزد ریاست دیوان عالی کشور ارائه خواهد داشت تا در مراتب بودجه کل کشور مطرح و مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد.

و نیز محکمه است که مراتب مقررات داخلی و توافقات عمومی يك عملکرد مناسب را تعیین تکلیف خواهد نمود.

مقامات قضایی انتخاباتی کشور، که عضو محکمه عالی کشور و یا مناطق متنوع کشور باشند، با رأی دوسوم اعضای حاضر در سنا و در غیاب ایشان، از سوی کمیسیون دائمی و به پیشنهاد دیوان عالی عدالت گزینش گشته و انتصاب خواهند یافت. و قانون است که مقررات و تدابیر اجرایی مربوطه را سر و سامان خواهد بخشید.

این مقامات بایست منطبق با آنچه از سوی ریاست دیوان عالی تصریح گشته بوده و نیز به مدت ده سال در پشت انتصابی عهده‌دار سمت خویش باشند. لذا:

مراتب کناره‌گیری و غیبت و صدور پروانه جهت این افراد تماماً از سوی محکمه عالی عدالت و در چارچوب مقررات قانونی تشریفات گشته مجری خواهند شد.

آن دسته از این مقامات که در محاکم منطقه‌ای ایفای وظیفه خواهند نمود، می‌بایست از عهده ارائه شرایط بایسته جهت عهده‌داری و وظایف محوله از سوی قانون برآیند و نیز در سمت خویش به مدت ۸ سال به شکلی غیرقابل تمدید انتصاب گشته، به جز مواردی که این عده به مناصب عالی و سمت‌های ارشد ترفیع یافته باشند.

کارکنان محکمه عالی مناسبات کاری خویش را بر طبق مقررات قوه قضاییه کشور تنظیم نموده و نیز رعایت مقررات ویژه و استثنائات مصرح در قانون را خواهند نمود.

اصل صدم

مراتب اداره و حمایت و نظم بخشی قوه قضاییه، به جز تشکیلات دیوان عالی عدالت بر عهده شورای قضایی کشور بوده و نیز مراتب لحاظ این قانون اساسی و دیگر قوانین مرتبطه نیز مدنظر قرار خواهند داشت.

شورای مزبور متشکل از هفت عضوند که از این جمع یکی شخصاً ریاست دیوان عالی بوده و نیز هم اوست که ریاست شورا را بر عهده خواهد داشت، و نیز يك قاضی از محاکم تحت پوشش تشکیلات قضایی کشور و يك قاضی از محاکم واحد و يك قاضی از مناطق ناحیه‌ای،

که این عده همگی، به شکل قرعه‌کشی‌گزینه‌ش خواهند شد. و نیز دو رایزن منصب از سوی سنا و یکی از سوی رییس جمهور. / این سه تن اخیر، افرادی خواهند بود که به جهت صلاحیت‌ها و توانایی‌های خویش برگزیده شده و مراتب صداقت و شرافت‌شان طی اجرای وظایف‌شان در امور حقوقی محرز گشته باشد. رایزنان مطروحه می‌بایست دارای شرایط لازم طبق اصل ۹۵ قانون اساسی باشند.

شورای مزبور به شکل سراسری و کمیسیونی ویژه عملکرد خواهد داشت. / اجلاس سراسری شورا، در خصوص انتصابات، الحاقات و عزل‌های مقامات قضایی و قضات تصمیم‌گیری خواهد نمود و نیز در خصوص دیگر موارد مترتبه از سوی قانون.

به جز شخص ریاست شورا، دیگر رایزنان به مدت پنج سال در سمت خویش ابقاء خواهند بود و نیز به شکل تدریجی و رده‌بندی شده جایگزینی خواهند گرفت ولی برای مدت مجدد دوره جدید امکان‌گزینه‌ش نخواهند داشت.

رایزنان به شکل مستقل و در نهایت بیطرفی به اجرای وظایف خواهند پرداخت، و در طی عهده‌داری سمت خویش فقط خواهند توانست، در چارچوب قانون مصرحه طی عنوان چهارم قانون اساسی عزل گردند.

قانون مبنای تشکیل و تنظیم بروز کارگزاران و نیز امر توسعه روند قضایی کشور را که بر مبنای اصولی عالی و محکم استوار است را مقرر خواهد نمود، روند قضایی کشور در عین استواری بر مبنای و اصولی مستحکم و همچنین در مسیری هدف‌دار، بی‌طرف و حرفه‌ای و مستقل طریق خود را خواهد نمود.

شورای مزبور مختار و مجاز به صدور توافقاتی عمومی جهت اجرای هر چه مناسبتر نقش‌ها و وظایفش حسب‌الامر قانون خواهد بود.

تصمیمات شورا قاطع و خدشه‌ناپذیر بوده مگر در مواردی که به امر انتصاب و جذب نیرو یا حذف و عزل آنها، منظور مسئولین و مقامات قضایی و قضات کشور، مربوط می‌شود. این امر اخیر به هر صورت از سوی دیوان عالی عدالت و منحصرأً به جهت تشخیص صحت و سقم اینکه رعایت مراتب قوانین تشکیلاتی مربوطه شده باشد، مورد رسیدگی و بازبینی قرار خواهد گرفت.

دیوان عالی عدالت از بودجه خاص و مختص خود برخوردار و عهده‌دار چگونگی بکارگیری آن نیز خودگردانانه خواهد بود ولی شورا است که باقی تشکیلات قضایی کشور را، برخاسته از منبع قوه قضاییه کشور، رتق و فتق خواهد نمود. مراتب بودجه قوه قضاییه و دیوان عالی عدالت هر دو اموری است که از سوی رییس دیوان عالی عدالت شرف صدور خواهد یافت.

و از سوی همین مقام در شمول بودجه کل کشور از بابت هزینه‌های جاری مملکتی درج خواهد گردید.

اداره دیوان عالی عدالت بر عهده ریاست دیوان است.

اصل صد و یکم

قضات دیوان عالی و نیز مقامات قضایی کل کشور، قضات نواحی متنوع مملکتی و نیز معاونین آنها، همین‌طور رایزنان قضایی فدرال کشور و نیز مسئولین قضایی محاکم عالی و همین‌طور دادگاه انتخاباتی کشور به هیچ وجه من‌الوجود نخواهد توانست سمتی یا مسئولیتی در اداره مملکت چه به شکل دولتی چه خصوصی بر عهده گیرند چه در ناحیه پایتخت چه در دیگر نواحی یا ایالات فدرال کشور، مگر در مواردی که از عهده عهده‌داری این سمت‌ها هیچ گونه دستمزدی برایشان مترتب نباشد مثل همکاری و خدمت برای اجتماعات و تشکیلات علمی، آموزشی ادبی و یا خیریه.

افرادی که به نحوی عهده‌دار وظایف قضاوت در هر سمتی از سمت‌های تشکیلاتی قوه قضاییه و نظام قضایی فدرال کشور می‌باشند، در خلال سال‌های عهده‌داری وظایف قضایی محوله، تا پایان این زمان نخواهند توانست در هیأت وکیل، قیّم و یا نماینده هیچ پروسه‌ای نهاد‌های قوه قضاییه کشور به خدمت و انجام وظیفه اشتغال یابند.

در خلال این سال‌ها یا مدت، افرادی که در سمت قاضی انجام وظیفه نموده‌اند، به جز در مواردی که در هیأت موقت و جایگزین نقش داشته‌اند، نخواهند توانست در سمت‌های مطروحه در قسمت ۲ از اصل ۹۵ قانون اساسی عهده‌دار وظیفه گردند.

موانع و رادع‌های این اصل در خصوص کارگزاران قضایی دارای پروانه قضاوت و قضا اجرا و پیگیری است.

ارتکاب خطا و تخطی از مراتب پیش‌بینی شده طی پاراگراف‌های قبل، به از دست دادن سمت قضایی فرد خاطی خواهد انجامید و نیز فرد خاطی از برخورداری منافع و مزایایی که در خلال سال‌های خدمت برای کارگزار مترتب می‌بوده، محروم خواهد ماند و این البته جدای مجازات‌هایی است که قانون برای خاطیان پیش‌بینی نموده است.

اصل صد و دوم

الف- قانون است که تشکیلات وزارت تابعه و مرتبطه با امر قضا در کشور که کارگزارانش از سوی قوه مجریه نصب و یا عزل می‌شوند را سازمان خواهد بخشید. و تشکیلات وزارتی مزبور از سوی دادستان کل جمهوری سرپرستی و مدیریت خواهد شد و این فرد را نیز فرد مسؤول قوه مجریه که همان رییس‌جمهوری است منتصب خواهد نمود با رعایت تصویب و تأیید سنا و در غیاب این نهاد مملکتی، کمیسیون دائمی است که مراتب انتصاب را تصویب خواهد نمود.

و برای عهده‌داری سمت دادستان کل کشور نیاز است به اینکه فرد: شهروند مکزیکی از باب تولد بوده و هنگام انتصاب به این سمت حداقل سی سال سن داشته باشد و دارای حداقل ۱۰ سال سابقه کار حرفه‌ای در حقوق بوده باشد.

حسن شهرت داشته و نیز هیچ گونه پیشینه محکومیتی و جنحه باشد قوه مجریه اختیار و اجازه دارد تا مقام دادستانی را به راحتی از کار عزل نماید.

ب- پیگرد قانون کلیه نافقین نظم کشور تا موعد احضار آنها به دادگاه، بر عهده نهاد وزارت کشور می‌باشد؛ به همین ترتیب، تقاضای بازداشت مجرمین، تحقیق و ارائه شواهد و مدارک که بر اتهام‌شان صحه بگذارد، اقدام لازم جهت پیشبرد دادرسیها با کار منظم و مستمر، به منظور اجرای سریع و بلا مانع عدالت، تقاضای بکارگیری و اجرای کیفر لازم و دخالت در کلیه اموری که قانون مقرر می‌دارد نیز به این نهاد وزارتی محول شده است.

دادستان کل جمهوری، شخصاً در مباحثات و اقدامات مندرج در اصل یکصد و پنجم قانون اساسی، دخالت خواهد نمود. دادستان کل شخصاً و یا از طریق نمایندگانش به تمامی امور مربوط به دولت، چه در خصوص امور سیاسیون و چه غیر سیاسیون معمولی و چه دیگر اموری که وزارت کشور می‌بایست در آنها دخالت نماید، رسیدگی می‌نماید.

دادستان کل کشور و نمایندگانش مسؤول هرگونه نقض، یا دستبرد در قانون می‌باشند و البته در صورتی که به مثابه کاریشان، با موردی از موارد این چنینی روبرو شوند و مسؤولیت رایزن قضایی دولت بر عهده بخش اجرایی دولت یعنی قوه مجریه است تا به نحو که باشد قانون را اجرا نماید.

ک- کنگره ائتلافی و مجالس ایالتی منظور مجلسین کشور، نمایندگان و سنا، در حدّ توانشان نهادهایی برای حمایت از حقوق بشر تا آنجا که با قوانین مکزیکی منافاتی نداشته باشد تأسیس خواهند نمود.

این نهادها به تمامی شکایات وارده، به منظور عملکرد نامناسب و هرگونه اهمال از سوی مدیریت کشورها هیأت حاکمه، در هر مقام و سمت اجتماعی که باشد ولی متجاوز به این حقوق شناخته شود، به جز و به استثنای قوه قضاییه، رسیدگی خواهد کرد. تصمیم‌های آزادانه و مردمی و البته نه شکایات و اعتراضات ابتدا تنظیم سپس نزد مقامات ذیربط ارائه خواهند شد، این نهادها، حق دخالت در امور قضایی، اشتغال و انتخاباتی را ندارند. نهادی که توسط کنگره کارش نهایتاً به تأسیس قطعی بکشد، به تمامی ایرادات مطروحه در ارتباط با توصیه‌ها و توافقات و یا غفلت‌های صورت گرفته در کار نهادهای ایالات دیگر نیز رسیدگی خواهد نمود.

اصل صد و سوم

دادگاه‌های عمومی به حل مشکلاتی که از این دست، به شرح زیر، بروز نمایند، مبادرت می‌نمایند:

۱- به خاطر رفتار یا عملکرد نامناسب مقاماتی که امنیت فردی را به نحوی بر هم می‌زند.

۲- به خاطر رفتار یا عملکرد نامناسب مقاماتی که به یکپارچگی و اقتدار ایالات و بر حیطة تواناییهای دولت در حوزه قضایی محوله و مربوطه صدمه زدن آن را محدود می‌نماید.

۳- به خاطر رفتار یا عملکرد نامناسب مقاماتی ایالتی در حوزه‌های قضایی مربوطه که به حیطة تواناییهای مقامات و حوزه قضایی محوله خدشه‌دار نموده تجاوز می‌نمایند.

اصل صد و چهارم

رسیدگی به امور زیر مربوط به حیطة اختیارات دادگاههای عمومی است:

۱- رسیدگی به مشکلات مربوط به نظم داخلی یا جنایی که بر اثر اعمال سوء و بکارگیری ناصحیح قوانین دولتی و یا توافقات بین‌المللی که توسط دولت مکزیك صورت گرفته است و هنگامی که این گونه مجادلات، منافع شخص را در نظر گرفته باشند، با انتخاب يك ناظر، قضاوت و دادگاههای مرتبط با نظم اجتماعی ایالات و حوزه‌های قضایی مربوط، به این امور رسیدگی خواهد شد. حکم صادره در مورد اول را می‌توان به نایب قاضی استیناف داد تا مورد رسیدگی قرار گیرد که رسیدگی به این نوع موارد، بشرح زیر در اولویت قرار دارد:

- رسیدگی به تقاضاهای تجدیدنظر که بر ضد تقسیمات قطعی دادگاههای اداری-قضایی، بشرح بخش ه- شماره ۲۹ از اصل ۷۳ و بند ۲، تبصره e از اصل ۱۲۲ قانون اساسی، فقط در مواردی امکان‌پذیر است که قانون مشخص می‌کند. تجدیدنظرهایی که دادگاههای ذیربط منطقه‌ای بدانها رسیدگی می‌نمایند، از مراحل مندرج در قانون اساسی، اصل ۱۰۳ و ۱۰۷ که برای تجدیدنظر یا به صورت مخالفت بر علیه تصمیمات دادگاهها صورت گرفته، پیروی می‌کنند، البته در صورتی که دادگاههای ذیربط منطقه‌ای به این تصمیمات رأی داده باشند، دیگر هیچ تجدیدنظری پذیرفته نخواهد شد.

- رسیدگی به تمامی مشکلاتی که درباره حقوق دریایی است.

- رسیدگی به تمامی مشکلاتی که خود دولت نیز به نوعی در آنها سهیم است.

- رسیدگی به تمامی مشکلاتی که در اقدامات مندرج در اصل ۱۰۵ که محکمه عالی عدالت بر آنها اشراف کامل دارد، مشروح گشته است.

- رسیدگی به مشکلاتی که میان دولت و یا يك یا چند دولت ایالتی همسایه روی داده است.

و

- رسیدگی به مشکلاتی که در موارد محوله به اعضای نهادهای سیاسی و یا غیرسیاسی روی داده است.

اصل صد و پنجم

محکمه عالی عدالت در چارچوب قوانین به موارد زیر رسیدگی می‌کند:

۱- رسیدگی به مجادلات مربوط به قانون اساسی به استثنای مشکلاتی که به موضوع انتخاباتی منتهی می‌شود، که میان نهادهای زیر یحتمل روی می‌دهد:

الف- دولت مرکزی و يك ایالت یا حوزه قضایی کشور.

ب- دولت مرکزی و شهروندان.

پ- قوه مجریه و کنگره؛ قوه مجریه و هر يك از دفتر خانه‌های کنگره یا دبیرخانه‌ها و معاونت‌های کنگره یا برخی موارد کمیسیون دائمی که به عنوان نهادی دولتی یا حوزه قضایی عمل می‌کند.

ت- يك ایالت و ایالت دیگر.

ث- يك ایالت و حوزه قضایی دیگر.

ج- يك حوزه قضایی و شهرداری.

چ- دو شهرداری از ایالات مختلف.

ح- دو قوه از قوای سه گانه مربوط به يك ایالت و در خصوص قانونمند کردن فعالیتها و اختیارات گسترده خود.

خ- يك ایالت و یکی از شهرداریهای تحت پوششش.

د. يك ايالت و يك شهرداري از ايالتي ديگر و در خصوص قانونمند کردن فعاليتها و اختيارات خود.

ذ. دو نهاد از حوزه قضايي يكسان و درباره قانونمندی ساختن فعاليتها و اختيارات گسترده‌شان، و هم مشروط بر اينکه مشكلات درباره اختيارات عمومي ايالتها و شهرداريهاي مورد اعتراض دولت يا اختيارات دولتي شهرداريهاي مورد اعتراض ايالتها بوده باشد و يا در خصوص موضوعاتي که در تبصره‌هاي K؛D قبلي مطرح شده، و تصميمات و احكام محکمه عالی عدالت آنها را بي‌اعتبار انگاشته باشد. احكام و تصميمات متخذه با اکثریت حداقل ۸ رأی مجري خواهند بود.

در ديگر موارد، تصميمات دادگاه عالی عدالت، تنها در خصوص موارد ذکر شده در مشكلات مطروحه فوق مؤثر خواهند بود.

۲. رسيدگي به مسئله قانونمندی که به منظور انحلال ضدیت موجود میان يك آيين‌نامه با متن قانون اساسي صورت مي‌گیرد. اقدامات قانونمندی فوق در طول سي روز پس از تاريخ انتشار آيين‌نامه صورت خواهند گرفت و به دليل آنکه يا در صورت آنکه:

الف. معادل ۳۳٪ از اعضاي مجلس نمايندگان کنگره ائتلافي يعني مجلسين کشور، بر ضد قوانين دولتي يا حوزه قضايي کنگره، رأی دهند.

ب. معادل ۳۳٪ از اعضاي مجلس سنا مخالف قوانين دولتي يا حوزه قضايي مربوطه و يا توافقات بين‌المللي تحقق يافته توسط دولت مکزيک باشند.

پ. مقام دادستاني کل کشور مخالف قوانين دولتي يا ايالتي يا حوزه قضايي مربوطه و توافقات بين‌المللي منعقد توسط دولت مکزيک باشند.

ت. معادل ۳۳٪ از اعضاي يکي از نهادهاي قانوني ايالتي مخالف قوانين صادره توسط آن نهاد خاص باشند.

ث. معادل ۳۳٪ از اعضاي جماعت نمايندگان حوزه قضايي کشور مخالف قوانين صادره توسط مجلس باشند.

ج. احزاب سياسي به ثبت رسیده نزد مؤسسه انتخابات کشور به خاطر خودي خود مخالف قوانين انتخاباتي دولتي يا منطقه‌اي باشند و احزاب سياسي با شعب ايالتي مجاور فقط با قوانين انتخاباتي صادره توسط يك نهاد قضايي ايالتي که به ايشان اجازه ثبت داده مخالف باشند.

چ. تنها راه براي حل ضدیت میان قوانين انتخاباتي و قانون اساسي، دقت لازم در اين اصل است. قوانين انتخاباتي دولتي و مجلس بايد در حداقل ۹۰ روز پيش از آغاز روند انتخابات اعلام و منتشر شدند تا در میان اين مدت فرصت اجراي به موقع نیز باشد و در حين اين مدت هم، هيچگونه تغييری در قانون اساسي امکان پذیر نیست.

تصميمات و احكام محکمه عالی فقط اجازه اعلام عدم اعتبار قوانين مورد اعتراض را دارد به شرط آنکه اين قوانين با اکثریت حداقل ۸ رأی به تصويب نرسیده باشند.

۳. رسيدگي به کل يا به درخواست دادگاه منطقه‌اي يا دادستاني کل کشور. محکمه عالی عدالت کاري است به تقضاي تجديدنظر بر عليه آراء صادره توسط قضات دادگاه مجلس در روند انجام امر دادرسي کشور به خاطر ذينفع بوده است يا نفوذ و قدرت و اختيارمندی در آن حضور داشته مبادرت به اين رسيدگي نماید. اعلان بي‌اعتباري تصميمات و احكامي که در بند يك و روي همين اصل اخير بدانها اشاره شد عطف به ماسبق نمی‌شود، به استثنای مورد کتوني که اصول مهم و نظم قانوني مناسبی بر آن متصور و مترتب است.

در صورت عدم اجراي تصميمات مندرج در بخشهاي يك و روي همين اصل در صورت مناسب، اقدامات مشروح در دو پاراگراف اول اصل ۱۰۷، بند ۱۶، به اجرا درخواهد آمد.

اصل صد و ششم

حل مجادلاتي که میان دادگاههاي دولت و ايالت يا حوزه قضايي دولت کشور يا يك دادگاه يا چند دادگاه از يك ايالت يا چند ايالت و يا میان دادگاههاي يك ايالت و دادگاههاي حوزه قضايي کشور، بوجود می‌آید، به دليل اهميت فراوان آنها چنانچه در قانون مربوط نیز ذکر شده، به قوه قضاييه کشور بستگی و ارتباط دارد.

اصل صد و هفتم

تمامی مشکلات اشاره شده در اصل یکدوسه پیرو اقدامات و روشهای نظم قضایی است که قانون بر مبنای مراتب زیر تعیین می‌نماید:

۱- حمایت همیشگی به درخواست بخش مورد اهانت واقع شده، برقرار بوده و خواهد بود.
۲- مجازات همیشگی فقط شامل افرادی خاص است، افرادی که کسی به نحوی از ایشان شکایت داشته بدون آنکه به دادگاه عرضحالی داده یا اقدامی در این جهت صورت گرفته باشد. نقائص شکایت از نوع فوق مدون در اصول ۱۰۲ و ۱۰۷، در بحث قضاوت نهاد حامی، حذف می‌شوند. هنگامی که اقدامی صورت می‌گیرد که می‌تواند عواقبی چون محروم ساختن از مالکیت یا بی‌بهره کردن عموم مردم از آنها، زمینها، چراگاهها و دشتهای را به دنبال داشته باشد در این صورت می‌بایست تمامی شواهدی که به نفع مردم با اشخاص مربوطه و تحقیقات لازم برای اعاده حق کشاورزان چه و چه در صورت بروز صدمات وارده به ایشان جمع‌آوری گردد. در نوع قضاوت‌هایی که در پاراگراف‌های قبل بدانها اشاره شد هیچگونه دعوی بر ضد توده مردم یا اجتماعات و طرفین برخوردار از مراتب طیفی فوق صورت نخواهد گرفت و نیز هیچ موردی به خاطر عدم فعالیت دادگاهی خاص نگه نداشته خواهد شد و نه دادخواست به بوته فراموشی سپرده خواهد شد، بلکه هر یک خواهند توانست به منافع خویش برسند و هنگامی که ادعاهایی بر علیه حقوق گروهی از مردم می‌شوند، نه دعوی سکوت خواهند ماند و نه اجازه اقدام سریع در خصوص فعالیت‌های خاص داده خواهد شد، به استثنای مورد اول که توسط مجلس نمایندگان مورد توافق و تصویب قرار گرفته باشد و یا مورد دوم که از اولی منبعت است.

۳- عملکرد دادگاه اجباری قضایی، اداری یا مربوط به کار هنگامی مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد که یکی از موارد تخلف زیر بروز کرده باشد:

الف: هنگامی که دادگاه برخلاف اصول تعیین شده رأی یا حکمی مبنی بر خاتمه محاکمه بدهد، در حالی که مطابق آن اصول هیچ راه حل متعارفی برای تغییر و اصلاح رأی نهایی وجود ندارد و نداشته باشد، وجود تخلف در مراحل محاکمه بر دفاعیات شاکی اثر منفی می‌گذارد و بر حکم نهایی دادگاه رجحان دارد. دلیل اغلب تخلفات و معضلات مدنی بوجود آمده راه حل‌های متعارفی است که توسط قانون در دادگاه ثانویه مطرح و ایجاد می‌شود. البته اگر از دادگاه شهرستان یا گذشته باشد.

شایان ذکر است که این تخلفات به خواسته‌های شما علیه احکام صادره در خصوص معضلات و اختلافات خانوادگی که بر روی ثبات و پایداری خانواده تأثیر می‌گذارد، پاسخی ندارد.

ب- برخلاف احکامی که در دادگاه پس از اجراء جبران‌شان غیر ممکن است، و بیرون از دادگاه پس از پایان جریان محاکمه هنگامی که راه حل‌هایی پیشنهاد می‌شوند و راه بجایی نمی‌برند پ- بر علیه احکامی که در افراد ناآشنا با مقررات دادگاه و محکمه اصولاً تأثیر بگذارند.

د- در زمینه‌های اداری؛ اصل حمایت برخلاف راه حل‌هایی که مسئله‌ای غیر ممکن به جبران یا غیر قابل جریان را از طریق منبعی محکم کند، دادگاهی یا روشی توافقی و قانونی ایجاد نمایند، به اجرا درمی‌آیند و الزامی نخواهد داشت که بر این مسئله خاتمه دهیم هنگامی که قانون، مراتبی را برایش لحاظ کرده است. برای به تعلیق درآوردن حکم اعتراض به شرایط بیشتری از شرایط تعیین شده در آیین‌نامه، نیاز هست، تا تعلیق به مرحله اجرا درآید.

ه- حمایت برخلاف احکام قطعی یا قضاوتها و تصمیمات محکمه که به روند محکمه خاتمه دهند، باید تخلف در طی مراحل مختلف محکمه یا در خلال اتخاذ و صدور حکم نهایی به وقوع پیوسته باشد که در این صورت به دادگاه قضایی بخش خود مربوطه، ارجاع می‌گردد و بر طبق صلاحیتهایی که قانون تشکیلاتی قوه قضاییه مملکت، در موارد زیر وضع کرده است:

الف- در زمینه اجرایی؛ علیه راه حلها و تصمیمات متخذه قطعی و صادره توسط محکمه‌های قضایی، چه این محاکم فدرال یا ایالتی باشند چه عمومی و چه نظامی.

ب- در زمینه اداری؛ هنگامی که توسط احکام صادره جداگانه قطعی و راه حلها و تصمیماتی که به دادگاه مربوط خاتمه دهند، درخواست شوند و این احکام توسط دادگاههای اداری و قضایی صادر شده باشند و به واسطه تصمیمات و احکام متخذه، جبران ناپذیر باشند.

ج- در زمینه مدنی: هنگامی که احکام صادره قطعی از دادگاههای ایالتی یا محاکم تجاری باشد، حال آنکه مقام صادر کننده محلی باشد یا ایالتی و یا حکم دادگاههای عمومی را داشته باشد.

د- دادگاههای مدنی ایالتی، هر دو طرف دعوی می‌توانند درخواست حمایت از احکام صادره را بکنند، حتی بوسیله مقامات و مراجع فدراسیون کشور و در دفاع از منافع موروثی خود.

ت- در زمینه‌های کاری: هنگامی که احکام صادره توسط شوراهای محلی یا ایالتی آشتی و داوری یا از طریق محاکم ایالتی صرف آشتی و داوری کارکنان دولتی درخواست شود. محکمه عالی عدالت به درخواست دادگاه قضایی بخش یا دادستانی فدرال کل می‌تواند از حمایت‌های مستقیمی که منافع و اهمیتش اینگونه اقتضاء و ایجاب می‌کند، استفاده نمایند.

۶- در مواردی که درباره قسمت قبل آمد، آیین‌نامه اصول ۱۰۳ و ۱۰۷ این قانون اساسی، راهها و حدودی که طبق آن دادگاههای داوری بخش باید قضاوت نمایند را مشخص می‌کند و در مورد آن، محکمه عالی، قطعنامه‌ها و راه‌حلهایی چند مرتبط با محکمه ذیربط صادر می‌نماید.

۷- حمایت علیه احکام در دادگاه یا بیرون از دادگاه پس از پایان یافتن جلسه دادگاه یا احکامی که در افراد ناآشنا با فضا و روند محکمه تأثیر منفی می‌گذارد و نیز برخلاف قوانین یا برخلاف احکامی که دارای مصوبات و اختیارات اداری است، با قاضی بخش در میان گذاشته می‌شود و در جایی که حوزه قضایی قاضی مربوطه است، حکم درخواست شده به مورد اجرا درمی‌آید یا سعی در اجرا می‌شود و راه‌حلهای لازم این موضوع فقط به قوه مجریه اطلاع داده می‌شود. سپس جلسه‌ای جهت ارائه مدارک طرفین دعوی و استماع اظهارات ایشان طبق دستورالعمل تشکیل خواهد شد و این اظهارات در جلسه محاکمه ایراد و استماع می‌شود.

۸- بر خلاف احکام حمایت از قاضی بخش یا قاضی دادگاههای خاص و منحصر که مصلحت تشخیص البته بر عهده محکمه عالی عدالت است: (یعنی در موارد زیر)

الف- هنگامی که به درخواست حمایت تعرض شده باشد، برای محاکمه مستقیم متجاوزان به قانون اساسی، قوانین ایالتی یا محلی، قراردادهای بین‌المللی و مقررات صادره از سوی رییس جمهوری مطابق با بخش اول از اصل هشتم قانون اساسی و مقررات محلی صادره از سوی فرمانداران ایالتی یا پایتخت، و اینکه این مراتب سبب طولانی‌تر شدن هر چه بیشتر معضلات را مبتلا به قانون اساسی بشود.

ب- هنگامی که مربوط به موضوعات مندرج در بخش ۲ و ۳ اصل یکصد و سه باشد. محکمه عالی عدالت قادر است تا به تشخیص حمایت‌های در حال بررسی مبادرت ورزد و با رعایت به درجه و تقدّم اهمیت در موارد پیش‌بینی نشده طی پاراگراف‌های قبل، دادگاههای قضایی بخش، تشخیص تجدیدنظر می‌دهند و احکام صادره ایشان اجازه طرح هیچگونه حکم و تصمیم اتخاذی دیگری را نمی‌دهد.

۹- احکام یا راه‌حلهای صادره از ناحیه دادگاههای قضایی بخش در زمینه حمایت مستقیم، اجازه طرح هیچگونه تصمیم و حکم دیگری را نمی‌دهند مگر در مواردی که مغایرتی با قانون اساسی یا تفسیر به رأی متن این قانون مطرح باشد، که در این صورت محکمه عالی عدالت تشخیص مصلحت می‌دهد.

۱۰- احکام درخواست شده می‌تواند علت تعلیق در موضوعات دادگاه باشد. طبیعت تخلف ارتكابی و بررسی شده، لحاظ قرار می‌گیرد و جبران صدمات و خسرانها توسط مقصر، همانا تحمل اجرای حکم است توسط او، حکمی که در اثر ارتكاب جرم صادر ولی مغایر با منافع شخص ثالث، یا منافع عمومی صادر گشته باشد. این تعلیق بر طبق احکام صادره قطعی در زمینه اجرایی باید لحاظ گردد و یا مرتبط شدن مقام قضایی با مسئله حمایت، در زمینه‌های مدنی، ضمانت مطروحه که شاکی برای پاسخگویی به صدمات و مرزهای مترتبه از سوی این تعلیق ارائه می‌دارد دیگر بر اثر خواهد بود.

۱۱- تعلیق، از مقام اجرایی مسؤول درخواست می‌شود. هنگامی که حمایت‌های ارائه شده موضوع دادگاههای بخش باشد. گناهکار به هر حال می‌تواند و باید از مسؤول اجرایی مربوطه محکمه خویش درخواست حمایت نماید و رونوشت این درخواست را نزد قسمت‌های دیگر محکمه نیز ارائه دهد، بعلاوه برای مقام قضایی ارشد دولت و نیز نسخه‌ای هم برای پرونده در

موارد دیگر، دادگاههای بخش یا محاکم تحت پوشش نظام قضایی کل کشور مراتب هر گونه تعلیق را بازشناسی می‌بایند و حل و فصل خواهند کرد.

۱۲- ضمانت‌های مورد تخلف و مطروحه طی اصل شانزده ۱۶، در زمینه‌های جزایی و اصول ۱۹ و ۲۰ نوزده و بیست، در برابر مقام ارشد دادگاهی که مرتکب تخلف شده، تقاضا خواهد شد و یا نزد قاضی محکمه بخش یا دادگاه ویژه مربوطه درخواست خواهد شد و در خصوص احکام اعلامی در محدوده و چارچوب بخش هشتم از همین اصل، می‌توان توضیحاتی را درخواست نمود.

اگر قاضی بخش یا دادگاهی خاص از طیف قضایی کشور، در همان محلی که مقام مسؤول و مورد بحث این اصل سکونت و اقامت داشته باشد، ساکن نباشد، قانون است که یک قاضی یا یک دادگاه جهت مراتب حمایت مطروحه تعیین خواهد نمود و می‌تواند بطور موقت حکم درخواست تعلیق را به تعلیق درآورد، همواره و مادام که در چارچوب وضع شده توسط قانون اساسی عمل نماید.

۱۳- هنگامی که دادگاههای حوزه قضایی کشور یا طیف قضایی مملکت، پیشنهادها یا مخالفت‌آمیز خود را نزد محاکم حمایت صلاحیت بازنگهدارند، اعضای محکمه عالی عدالت، دادستان کل جمهوری و دادگاه یا دادگاههای ذیربط راه بجایی نبرند، می‌توانند مراتب مخالفت خود را نزد محکمه عالی عدالت به شکایت ببرند تا مراتب صحت، سقم حقوقی اظهاراتشان تحقق گردد و این محکمه و دادگاه است که تشخیص خواهد داد چقدر یا چه گونه ادعای کدام طرف ارجح است و محق.

احکامی که محکمه عالی عدالت اعلام و صادر نمایند، بخصوص در خصوص مواردی که در پاراگراف قبلی بدانها اشاره رفت تنها به دلیل اینکه از لحاظ حقوقی پایدار خواهند بود از هر گونه خدشه‌ای برای خواهند بود.

۱۴- بجز موارد مطروحه در پاراگراف قسمت دوم- بخش آخر این اصل، بقیه امر به تعویق حمایت یا درخواست به خاطر عدم پیگیری شاکی یا مراجع مدعی و به همان طریق هنگامی که حکم تقاضا شده، جنبه مدنی داشته باشد یا اداری، در مواردی که آیین‌نامه مشخص می‌کند، مراتب بطلان حکم صادره قطعی است.

۱۵- دادستان کل جمهوری یا مسؤول ارشد قضایی کشور، به هر صورت، نقشی در محاکمات حمایت خواهد داشت. اما حق نیز دارد در محاکماتی که منافع عمومی و تقاضا نظم عمومی و مصالح عمومی مدنظر نباشد هیچگونه مداخله‌ای ننمایند.

۱۶- اگر در صورت عدم پیگیری حمایت، مقام اجرائی مسؤول در صدور و تکرار حکم درخواست شده، پافشاری نماید و یا سعی در طفره رفتن از حکم دستگاه اجرای عدالت نماید و محکمه عالی عدالت تشخیص دهد که این عدم تبعیت و نافرمانی، غیر قابل توجیه است، مقام اجرائی حکم مزبور بلافاصله از سمت خویش برکنار خواهد شد و نزد قاضی مربوط به بخش خود معرفی می‌شود. چنانچه مراتب نافرمانی وی توجیه شد. مراتب تبرئه مسؤول اجرائی حکم درخواست خواهد شد و به وی نزد دادگاه جایی با حفظ تأمل بیشتر پیشنهاد و امکان داده خواهد شد تا در اجرای حکم شرکت نماید ولی اگر مقام مسؤول این بار در اجرای حکم قصور ورزد، محکمه عالی عدالت به همان میزان و در همان چارچوب و طبق احکامی که قبلاً اشاره شده عمل خواهد نمود.

هنگامی که ماهیت حکم اقتضا نماید، محکمه عالی عدالت به محض روشن شدن مراتب نافرمانی، قادر است سمت کفالت قضایی مسؤول خاطی را عهده‌دار شده به اجرای حکم فرمان دهد ولی هنگامی که اجرای حکم منافع و مصالح عمومی جامعه را در خطر بیندازد و منافع اقتصادی را مصالح شخص سومی در خطر قرار گیرد. اینجا دیگر شاکی است که می‌تواند درخواست اجرای حکم را نزد محکمه عالی بنماید.

عدم پیگیری طرف خواهنده یا خواهان، مراتب بطلان حکم را در چارچوب مقررات در برو خواهد داشت.

۱۷- مقام مسؤول همان مقام اجرائی است. هنگامی که حکم صادره لغو نشود و در حالی که می‌بایست لغو گردد و نیز هنگامی که محکمه ضمانت ناکافی را رد نماید، در این دو مورد اخیر، مسؤولیت مدنی عدم اجرای حکم مشترک خواهد بود بین فردی که ضمانت را تقدیم داشته و ارائه نموده و فردی که به آن معترض است.

عنوان چهارم در خصوص مسؤوليتها و تعهدات کارگزاران دولتي اصل صد و هشتم

به جهت اثرات و نتایج مسؤوليتها و تعهدات دولتي که این فصل و این عنوان از قانون اساسي بدانها اشاراتي دارد کلیه نمایندگان بر گزیده مردم، اعضای قوه قضاييه کشور، قوه قضاييه پایتخت، کارکنان مستخدمین دولت و بطور کلي هر فردي که شغل و مسؤولیت و مأموریتی از هر قبیل در حکومت و دولت فدرال یا هر يك از تقسیمات جزیه، وزارتخانه‌های کشوري یا دوائر پایتخت دارد، و نیز شاغلین مؤسسه فدرال انتخاباتی به عنوان کارگزاران و خدمتگزاران دولت محسوب می‌شوند و لذا افرادی که بواسطه اعمال سوء یا اهمال در مسؤوليتهاي محوله مقصر شناخته شوند، مسؤول قلمداد می‌گردند.

رییس‌جمهور در طول دوران تصدی خود تنها بواسطه خیانت و پیمان‌شکنی به میهن یا ارتکاب جرائم و تخلفات سنگین در ارتباط با قانون و نظم عمومی متهم و مسؤول شناخته خواهد شد. قوانین اساسي ایالات جمهوری در چارچوب نخستین پاراگراف همین اصل به جهت اثرات و نتایج منبثه از مسؤوليتهايشان و تعهداتی که برعهده مأمورین و کارگزاران دولتي مترتب می‌دانند، زیر سؤال قرار خواهند داشت.

اصل صد و نهم

مجلسین کشور و تشکیلات قانونگذاری در درون حوزه صلاحيتهاي قضايي و استحقاقی قضايي خود قوانینی را در ارتباط با تعهدات خدمتگزاران دولتي و نیز ضوابط مقتضي جهت کيفر و مجازات خاطیان از این تعهدات صادر می‌نمایند، به شرح زیر:

۱- از طریق دیوان عدالت، مجازاتهای معین شده در اصل یکصد و دهم، در خصوص خدمتگزاران دولتي مشخص گشته که در قانون اساسي، اعمال می‌گردد ولي چنانچه صرف ابراز و اظهار عقیده فردي يك کارگزار بدون آنکه مصالح عمومی جامعه خدشه‌دار شود، مطرح باشد مجازاتهای فوق اعمال نمی‌گردد.

۲- ارتکاب جرائم و تخلفات از جانب هر خدمتگزار دولتي پیگرد قانونی داشته و مجازات مقتضي در پی خواهد داشت و بر حسب مراتب پیش‌بینی شده در قوانین فدرال کشور.

۳- مجازاتهای اداری مربوط به خدمتگزاران دولتي که به جهت اهمال ایشان صورت گرفته باشد و بر اصل امانت‌داری و وفاداری حرفه‌ای و بیطرفی و کفایت شغلی ایشان اثر سوء بگذارد به مورد اجرا گذارده خواهد شد. روند قضايي در اجرای مجازاتهای ذکر شده بطور مستقل سوا خواهد یافت ولي مجازات هر چه باشد، به هیچ وجه و بواسطه يك تخطی صرف، از يك نوع، دوبر و بطور مجدد اجرا و اعمال نمی‌گردد. قانون است که تکلیف افرادی که به سبب اغناء غیرقانونی خود در طول اشتغال به سمتهای دولتي در هر سمت و رتبه، و بواسطه‌های فردي یا میانجی‌گرایی و نیز به علت افزایش غیرقانونی دارایی خویش به تکاثر ثروت پرداخته‌اند را تعیین خواهد نمود. قوانین جزایی، مجازات این عده را که با تصرف و ضبط و صلب محرومیت از مالکیت سرمایه‌های مزبور علاوه بر دیگر کيفرها تعیین خواهند نمود. هر شهروند تحت لوای مسؤولیت محوله، از طریق ارائه عواملی در جهت تحقیق و رسیدگی خواهد توانست مراتب شکوائیه خویش را نزد مجلسین سنا و نمایندگان کشور و در ارتباط با سوء رفتار مشروحه فوق از ناحیه کارگزاران دولتي، ابراز نماید.

اصل صد و دهم

اعضای مجلس سنا و نمایندگان همین‌طور نمایندگان مجلس قانونگذاری و نیز مقامات محاکم عالی کشور، مشاوران قضاييه فدرال و وزراء و رؤسای دواير مملکتی، نمایندگان مجلس ناحیه پایتخت، فرماندار پایتخت، دادستان کل جمهوری و دادستان کل پایتخت، قضاوت حوزه قضايي و دادرسان ناحیه‌ای، قضات و دادرسان موضوعه مشترک ناحیه پایتخت، مشاورین قوه قضاييه ناحیه فدرال، مشاور رییس‌جمهور، مشاورین انتخاباتی، مقام اجرای مؤسسه انتخابات کشور، کلیه قضات و مدیران کل و همرازان‌شان در تشکیلات غیرمتمرکز و سازمانهای محلی،

شرکتهای عمده دولتی، اجتماعات و وجود سعی از این دست به و کلیه ائتلافهای ملی و مردمی، همگی اینها را می‌توان مورد محاکمه قرار داد. فرمانداران ایالتی، نمایندگان ناحیه‌ای، قضات محاکمه عالی عدالت و در همین مورد، اعضای شورای قوه قضاییه نواحی، اعضای هیأت دادرسان نواحی، تنها به موجب همین عنوان از عناوین قانون اساسی بواسطه تخلف سنگینی و تخطی از نص صریح قانون اساسی و قوانین فدرال، نشأت گرفته از همین قانون، مورد داوری و محکمه سیاسی قرار خواهند گرفت. بدین منوال در بکارگیری و هدایت نامشروع سرمایه‌ها و ذخائر فدرال کشور مورد مؤاخذه و محاکمه قرار خواهند داشت و در این حالت، راه حل خاص، تبیین و اظهار خواهد شد و نزد قوه مقننه نواحی مرتبته ابلاغ گشته برای اجرای اسناد این ابلاغیه، بدانگونه که شایسته است عمل خواهد شد. مجازات و یک نفر در خصوص مراتب فوق عبارت اند از عزل و انفصال و اخراج کارگزار دولتی و انحلال عدم صلاحیت در عهده‌داری مشاغل و وظایف و مسؤولیتها یا مأموریتهایی در هر یک از زمینه‌های خدمات دولتی. برای اجرای مجازات و کیفری که به این حکم مرتبط می‌شود، مجلس نمایندگان، اتهام مربوطه را به مجلس سنا ارجاع داشته ولی پیشاپیش، بیانیه‌ای به تأیید اکثریت مطلق تعداد حاضر در جلسه آن مجلس پس از طی روند قضایی مربوطه با حضور متهم و پس از اثبات تخطی وی، شرف صدور می‌یابد.

مراتب به رسمیت شناسایی اتهام از سوی سنا در رأی و حکم هیأت منصفه مستتر گشته است و کیفر مربوطه پس از تصویب از سوی دو سوم اعضای حاضر در جلسه به محض حضور متهم و استماع اظهارات وی به مورد اجرا درخواهد آمد. اظهارات و تصمیمات مجلسین مصون از دخل و تصرف است.

اصل صد و یازدهم

برای مبادرت به طرح مرافعه و دعوی، به شکل اجرایی و بر علیه نمایندگان و سناتورهای، قضات دادگاههای عالی کشور، قضات محکمه عالی عدالت و دادگاه نهادهای اداری مملکتی، نمایندگان مجلس پایتخت، فرماندار پایتخت، دادستان کل جمهوری و دادستان کل ناحیه پایتخت و نیز مشاورین رییس جمهوری و مشاورین انتخابات شورای عمومی مؤسسه انتخابات کشور، همگی بواسطه تخلف و تخطی در مأموریتها محوله و تصدی در دوران اشتغال، مجلس نمایندگان، با تصویب اکثریت مطلق حاضرین در جلسه، مراتب صحت و سقم موارد مرافعه و دعوی بر علیه متهم یا متهمین را باز خواهد شناخت و ابلاغ و اعلان خواهد نمود.

اگر رأی با حکم مجلس صنفی بود که تمامی روز قضاتش ثانویه سکوت خواهد ماند، لیکن، این مورد، مبالغه نخواهد بود در راه پیگیری جریان اتهام و تخلف خاطر؛ و چنانچه متهم به پایان دوران خدمتش رسیده باشد، دیگر مجلس نسبت به اوضاع اتهام وی داوری نخواهد داشت.

رییس جمهوری تنها به استناد و به موجب مفاد اصل یکصد و سه قانون اساسی می‌توان متهم نمود، آن هم در حضور سنا و سناست که به موجب قوانین و مقررات جزایی قابل اجرا، تصمیم‌گیری خواهد نمود. امکان طرح اقامه دعوی به شکل جزایی بواسطه تخلفات فدرال و بر علیه فرمانداران ایالتی و نمایندگان نواحی و قضات دادگاههای عالی و داوری ایالات، اعضای شوراهای قوه قضاییه نواحی مختلف و فدرال کشور، در همین اصل مشروحاً ذکر گردیده‌اند و در این خصوص اظهار اصلی به جهت و به نگاه قوه مقننه منطقه‌ای است تا در اجرای مفاد، به گونه‌ای مقتضی عمل شود.

بیانیه‌ها و تصمیمات مجلسین، سنا و نمایندگان، مصون از دخل و تصرف می‌باشد. فرد خاطی و منفصل از خدمت چنانچه انفصال و کنار گذارنش از خدمت طی گردد، تصدی وی باشد، عفو و تخفیفی در مجازاتش اعمال نمی‌گردد. مجازات و کیفر جزایی مطابق با آنچه در قوانین و مقررات جزایی تعیین شده اجرا خواهد شد و تخلفات و جرائمی که بواسطه تصدی متهم، هر گونه منفعتی اقتصادی و مالی یا زیانی را موجب گردد، بسته به مورد دو نوع منفعت حاصله، ضرورت جبران خسارت بواسطه رفتار سوء نامشروع خاطر به شدت ایجاب می‌شود.

مجازات‌ها و کیفرهای اقتصادی نمی‌تواند بیشتر از سه برابر منفعت‌های حاصله در ازای خسارات وارده بر قربانی باشد.

اصل صد و دوازدهم

نیازی به اظهارنامه و بیانیه نمایندگان مجلس نمایندگی کشور و با استناد به نخستین پاراگراف از اصل یکصدویازدهم، هنگامی که فردی از خدمتگزاران دولتی در طول دوران اشغال خود به دلیل ارتکاب تخلف در تصدی خود از اشتغال منفصل می‌شود، نیست و وی به منصب پیشین خود بازخواهد گشت. چنانچه خدمتگزار دولتی مجدداً برای عهده‌داری مسئولیت فراخوانده شود یا برای تصدی سمت دیگری به شغل دولتی بازگردانده شود، بواسطه مراتب اصل یکصدویازدهم، مطابق با نظامنامه مربوطه با وی برخورد و رفتار خواهد شد.

اصل صد و سیزدهم

قانون در خصوص مسئولیت‌های اداری خدمتگزاران دولتی با رعایت مراتب مشروعیت و شرافت و امانت‌داری و وفاداری و ثبات قدم و بیطرفی و بیغرضی و لیاقت و شایستگی‌های وی در عهده‌داری وظایف، تعیین تکلیف و تبیین شرح وظیفه خواهد نمود و نیز پیش‌بینی کیفرهای قابل اجرا بواسطه روند قضایی اعمال این کیفرها بر عهده قانون است. برخی از این کیفرها عبارت خواهند بود از: تعلیق حکم استخدامی، عزل و انفصال از خدمت، اعلام عدم صلاحیت و اعمال مجازات‌های اقتصادی و مالی بر حسب میزان منافع حاصله و در ازای خسارات وارده بر قربانی از جانب مسؤول خاطی و همواره با عنایت به قسمت سوم از اصل یکصدونهم قانون اساسی که نمی‌تواند میزانش از سه برابر منافع حاصله تجاوز نماید.

اصل صد و چهاردهم

روند سیاسی تنها در طول دوره‌ای که طی آن خدمتگزار دولتی، عهده‌دار مسئولیت خود بوده و یا ظرف یک سال پس از آن آغاز خواهد شد. مجازات و کیفر مرتبته، در دوره‌ای نه بیشتر از یک سال بعد از روند دایره‌ای مشروع شده و اجرا خواهد شد. مسئولیت جرائم و تخلفات مرتکبه، در طول اشتغال خدمتگزار دولتی، برای وی متصور خواهد بود و بر طبق مدت معینی و تأیید شده براساس قانون جزا هرگز از سه سال کمتر نخواهد بود. ضمناً، مدت معین برای این امر به محض آن که خدمتگزار دولتی، برخی از مشاغل مندرج در اصل یکصدویازدهم را عهده‌دار گردد قطعی شده، پایان بپذیرد و قانون است که با رعایت به نوع و ماهیت و اثر و نتیجه اهمالات خاطر که در بخش سوم از اصل یکصدونهم بدانها اشاراتی شده، تعیین تکلیف می‌نماید. هنگامی که اعمال خطا و اهمال از سوی خاطی سنگین و وخیم توصیف شود، مدت معین و قانونی کیفر وی از سه سال به هیچ وجه کمتر نخواهد بود.

عنوان پنجم

در خصوص ایالات فدراسیون کشور و ایالت مرکزی با پایتخت

اصل صد و پانزدهم

ایالات متحده مکزیك قادرند جهت رژیم و نظام داخلی خویش به اتخاذ شکل حکومت جمهوری مبادرت ورزند، حکومتی مردمی، مبین، و برخوردار از امکان تقسیم قلمرو و سازماندهی سیاسی و اداری کشوری و ایالتی خویش و شهرداری آزاد، مطابق با مراتب زیر بپردازند:

- ۱- هر شهرداری و شهر توسط نهادی شهرداری و با انتخاب مستقیم مردم اداره خواهد شد و هیچ مقام و نهادی در وساطت نخواهد داشت و هیچ واسطه‌ای نخواهد توانست بین وی و دولت مرکزی ارتباط ایجاد نماید. رؤسای شهرداریها، سرپرستان و مسؤولین اصناف مرتبط با شهرداریها، که بطور مستقیم گزینش شده‌اند، جهت دوره بلافاصله بعدی نمی‌تواند گزینش

شوند. افرادی که به علت گزینش مستقیم با انتصاب پی‌واسطه از سوی یک نظام به عهده‌داری وظایف محوله پردازند نمی‌توانند مجدداً برای دوره بعدی گزینش شوند. تمامی کارگزاران فوق‌آنگاه که دارای هویت و آیینی قطعی در امر عهده‌داری وظایف محوله باشند نمی‌توان ایشان را جهت دوره بعدی به مقام، حتی جانشین و جایگزین، انتخاب نمود. اما آنها که دارای هویتی جایگزین باشند می‌توانند به عنوان نامزد قطعی منتخب گردند حتی برای دور بعدی و بلافاصله مشروط بر این که به هیچ عنوان در دوره قبلی در هیأت یک نماینده یا نامزد کامل و قطعی ایفای وظیفه ننموده باشند. مقامات قضایی در صورت تصویب دو سوم اعضای حاضر می‌توانند بر لغو تعلیق شهرداریها مبادرت ورزند، حتی به ذکر تعلیق این نهاد پردازند. در صورت اعلام ناپدیدي یا حذف و کناره‌گیری یک تشکیلات شهرداری، چه به علت کناره‌گیری خود نهاد یا غیبت مطلقه اکثریت اعضای این نهاد، چنانچه طبق قانون، و رود بکار و ادامه فعالیت این نهاد توسط جانشین و نیروی جایگزین توجیهی قانونی و حقوقی نداشته باشد، نیز انتخابات مجدد هم برگزار نگردد. کارگزاران قانون و قانونگذاران کشور، اقدام به انتقال شوراها، شهرداری برای مدت به دست گرفتن سکان هدایت نهاد شهرداری مورد بحث نموده و این شوراها تا پایان دوره مربوطه به عهده‌دار سمت محوله خویش خواهند پرداخت. چنانچه هر یک از اعضاء شهرداریها از ایفای نقش و وظیفه محوله سرباز زند و انصراف جدید، از سوی یک نیروی جانشینی، جایگزین خواهد شد و در غیر این صورت، این قانون است که نسبت به طی طریق و سیر مسیر کار وی تعیین تکلیف خواهد نمود.

۲- شهرداریها در یک هیأت و شخصیت حقوقی تحلیف خواهند شد و مراتب بر عهده قانون بوده و مطابق با قانون هدایت و مدیریت خواهند شد.

شهرداریها برخوردار از اختیاراتی جهت صدور توافق بر سر مبانی مقرراتی خواهند بود که می‌بایست نسبت به مراتب و مراجع قانونگذاری ایالت مربوطه و نیز وضع توافقات و مبانی و مقررات بایسته اقدامات مقتضی صورت بخشنده و نیز نسبت به برقراری تشکیلات پلیسی و نظام حاکم بر رأس شهرداری مربوطه و همین‌طور در جهت صدور بخشنامه‌ها و دیگر مقررات اداری و نظارتی، در حیطه حوزه حقوقی موظف و مرتبط مبادرت خواهند ورزید.

۳- شهرداریها با انجام فراخوانی سراسری از سوی دولت ایالتی، هنگامی که ضرورت و مراتب قانونی ایجاب نماید، موظف به عهده‌داری وظایف و امور خدماتی زیر هستند:

- الف- تأمین آب آشامیدنی و آب هرز جهت شرب نهایی در فاضل آنها.
- ب- تأمین روشنایی عمومی.
- پ- تأمین تمیزی و نظافت شیر.
- ت- تأمین و پیش‌بینی بازار و مراکز خرید ارزاق عمومی جهت شهروندان.
- ث- تأمین گورستان برای شهر.
- ج- تأمین پیاده‌رو و مسیر عابر پیاده.
- چ- بهداشت و نظافت و ساخت خیابانها و پارکها و گل و گیاه و فضای سبز جهت بهره‌مندی عموم.

ح- تأمین امنیت شیری و شهروندی در زمینه عبور و مرور و تردد شهری.

خ- دیگر مراتب و مواردی که قوانین محلی طبق شرایط اقلیمی و اجتماعی و اقتصادی شهرها و نواحی شهری و نیز بر حسب تواناییها و ظرفیتهای اداری و مالی آن شهر و آن شهرداری تعیین تکلیف نماید.

ضمناً شهرداریهای یک ایالت خاص و منحصر یا هماهنگ سازی و همخوانی پیشاپیش شهرداریهای نواحی مختلف و خود و با استناد بر قانون می‌توانند با یکدیگر به مشارکت‌هایی چند نایل گردند.

۴- شهرداریها آزادانه دارایی خود را دخل و خرج و اداره می‌نمایند، یعنی از بابت درآمد عایدی خود از محل بازدهی اموالی که به آنها متعلق است، طبق تعریفی که قانون و مقررات کشور برای ایشان مترتب و متصور از بابت تعلق و چگونگی تعلق، تأمین خود را عهده دارند و نیز از محل مالیاتها و دیگر درآمدهایی که مراتب و مراجع قانونگذاری بر ایشان مترتب می‌داند ولی به هر حال شهرداریها تأمین‌اند از محل:

الف- مالیاتهای اموال غیرمنقول در هر شرایطی که قرار داشته باشند، برخی و بخشی از این درآمد و عایدی، چه اموال مزبور تفکیک شوند چه تقسیم شوند، چه تحکیم و نوسازی و چه

انتقال و چه بهینه گردند، از همین راه تأمین می‌گردد. شهرداریها می‌توانند با دولت ایالتی خود به انعقاد پیمانهای در جهت اداره هر یک از وظایف محوله و مترتبه با اداره این مالیاتها اقدام ورزند.

ب- مشارکت فدرال شهرداریها نیز بر مبنای مقررات و شالوده‌هایی چند و با توافق بر سر هزینه‌سازی این عایدی‌ها و نیز بر حسب دوره‌های زمانی و مبنای مورد توافق به شکل سالیانه از سوی قانونگذاران ایالتی قابل اجراست.

پ- درآمدهای حاصله از سرویس دهی‌های عمومی نهادهای شهرداری، قوانین فدرال اختیارات ایالات را جهت وضع مالیات طبق زیربندهای الف و پ تفویض نموده، جز آنکه هیچ معافیتی و تبری از این بابت رعایت یا لحاظ گردد. قوانین محلی هیچ‌گونه معافیت و سوبسیدی را در خصوص مالیاتهای فوق در نظر نخواهد گرفت و نه موقعیت و هویت خاص افراد حقیقی و حقوقی و یا نهادهای رسمی و خصوصی را لحاظ قرار خواهند داد و تنها اموال دولتی و ایالتی است که از پرداخت چنین مالیاتی معافند.

مراتب و مراجع قانونگذاری ایالتی به تصویب مقررات و قوانین مرتبط با عایدی شهرداریها و نیز به نظارت حسابهای عمومی و دولتی‌شان خواهند پرداخت. بودجه‌هایی که جهت هزینه‌های شهرداریها در نظر گرفته می‌شود، توسط شهرداریها و مبتنی بر درآمدهای موجود و در دسترس مورد تصویب قرار خواهند گرفت.

۵- شهرداریهای، در چارچوب قوانین فدرال کشور و ایالتی مربوطه، اختیارمند تنظیم و تأیید و اداره اموری چون منطقه‌بندی و طرحهای توسعه شهری و نیز مشارکت در ایجاد و اداره ذخائر مملکتی و کنترل و نگهداری از هر چه بهتر بکارگیری خاک و قلمروی محدود در حوزه حقوقی قضایی خویش می‌باشند، و نیز اختیار دارند تا به سرمایه‌گذاری در زمینه عادی سازی حفظ و تملک قطعات زمین شهری و نیز اعطای مجوز جهت ساخت و مشارکت در ایجاد و اداره مناطق و ذخائر اقلیمی و اکولوژیک سرزمین مبادرت ورزند. بدین منظور و مطابق با مقاصد متذکر و طی پاراگراف سوم اصل بیست و هفتم قانون اساسی، به صدور مقررات و دستورالعملهایی اداری و ضروری همت و مبادرت خواهند ورزید.

۶- هنگامی که دو یا چند مرکز شهری مستقر در قلمروی شهری واقع در دو یا چند منطقه و خطه فدرال در حال تشکیل یا اقدام به تشکیل یک گستره مردمی یا اسکان انسانی باشند، مملکت و کلیه مناطق فدراتیو مملکت و نیز شهرداریهای مربوطه در چارچوب مقررات و مقدرات به طرح و تنظیم مشترک و هماهنگ امر و موضوع مربوطه خواهند پرداخت. توسعه مراکز مربوطه با استناد و تشبث به قوانین فدرال و در زمینه مورد بحث امکان پذیر و قابل اجراست.

۷- قوه مجریه و فرمانداران ایالات مختلف کشور، اختیار هدایت نیروهای مردمی را در شهرداریها و شهرها، بطور معمول و یا به شکل موقت، دارای می‌باشند و نیز:

۸- قوانین ایالات به طرح و ارائه اصل «نمایندگی بالنسبه» نیز در امر گزینش شهرداریهای تمامی شهرها خواهند پرداخت.

مناسبات کاری بین شهرداریها و کارگران شهرداری از سوی قانون تنظیم و تعیین خواهند شد و این قانونگذارانند که بر مبنای مقررات مندرج در اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی و دیگر مقررات مرتبطه، به صدور مقرراتی در ارتباط با چارچوب این مناسبات خواهند پرداخت.

۹- حذف شده است.

۱۰- حذف شده است.

اصل صد و شانزدهم

قوای دولتی و نیز مردمی ایالات متحده مکزیکی به حسب نوع وظیفه مندی و اختیارمندی، به سه قوه مجریه و مقننه و قضاییه تقسیم گشته و نمی‌توان دو یا سه قوه را در هیأت یک فرد و نهاد یا تشکیلات منحصر و یکتا مجسم دانست و نیز نمی‌توان قوه مقننه را در یک فرد منحصر مجسم دانست و برشمرد. قوای سه گانه ایالات، طبق متن صریح قانون اساسی هر یک از ایالات و با استناد به مراتب مقررات زیر سازماندهی خواهد شد:

۱- فرمانداران ایالات متبوع جمهوری مکزیکی نمی‌توانند در سمت خویش بیش از ۶ سال بمانند. فرمانداران ایالات که مبنای گزینش ایشان یک گزینش مردمی، عادی یا فوق‌العاده

باشد، به هیچ عنوان نمی‌تواند دوباره و برای مرتبه‌ای دیگر عهده‌دار سمت قبل خود حتی در مقام یک فرماندار موقت، جایگزین گشته و مسؤولیت بپذیرند و نیز افراد زیر هرگز نمی‌توانند جهت دوره‌ای مجدد بلافاصله پس از دوره انتصاب و عهده‌داری، گزینش شوند؛
الف- فرماندار جانشین و مشروطه یا منتصب به جهت ادامه تا اتمام دوران غیبت یک فرماندار که غیبتی مطلق را مرتکب گشته، حتی هنگامی که در سمت مغایر از سمت جانشینی برگزیده شده باشد.

ب- فرماندار موقت یا هر شهروندی که تحت هر سمت و نوع انتصابی در اشغال سمت موقت یک فرماندار ایفای وظیفه نماید، مادام که عهده‌دار سمت فرد جایگزین گشته باشد بخصوص طی دو سال آخر دوران عهده‌داری سمت فرمانداری.

تنها یک شهروند مکزیکی در قاموس تولد و بومی و خاک این کشور یا با امکان اقامت گزینی به مدت نه کمتر از پنج سال قبل از تاریخ گزینش‌اش، می‌تواند فرماندار مشروطه و قانونی یک ایالات از ایالات متحده مکزیکی باشد.

۲- تعداد نمایندگان در مجلس قانونگذاری به شکل بالنسبه و به قیاس تعداد ساکنین کشور و بسته به هر ایالت خواهد بود. اما به هر صورت نمی‌توان برای هر ایالت کمتر از هفت نماینده لحاظ داشت، منظور ایالاتی که تعداد ساکنین اثر به مرز ۲۰۰ هزار نفر نمی‌رسد. اما این تعداد نماینده به مرز ۹ تن می‌رسد چنانچه جمعیت یک ایالت از مرز چهارصد هزار تن تجاوز کند و تا هشتصد هزار نفر نوسان داشته باشد و نیز مرز تعداد نماینده مجاز برای ایالات با بیش از هشتصد هزار نفر جمعیت به ۱۱ تن افزایش خواهد یافت.

نمایندگان مجلس قانونگذاری مملکت نمی‌توانند برای دوره بلافاصله بعد از عهده‌داری سمت بالفعل‌شان گزینش مجدد شوند در حالی که نمایندگان جانشین می‌توانند برای دوره بلافاصله بعد از عهده‌داری سمت بالفعل خویش، به عنوان نماینده قطعی گزینش شوند. مادام که در حال انجام سمت و عهده‌داری وظیفه خویش نبوده باشند اما نمایندگان نمی‌توانند حتی به عنوان جانشین نماینده برای دوره بعدی بلافاصله از دوره عهده‌داری سمت خویش، گزینش گردند.

تشکیلات قانونگذاری هر ایالت متشکل خواهد بود از: نمایندگان منتخب بر اساس اصولی که حداکثرشان مرتبط با مراتب نمایندگی بالنسبه باشند و همواره در چارچوب قوانین.

۳- قوه قضاییه ایالات از طریق دادگاه‌هایی که قوانین اساسی فوق و نیز مقررات تشکیلات ایالات، هر ایالت به نوبه خویش با تضمین گردند و این قانون است که شرایط را برای ورود و گزینش و تداوم و تربیت پرسنل متقاضی به این قوه تبیین و تعیین و تدوین خواهد نمود.

قضات و مقامات قضایی متشکله در قوای قضاییه محلی، می‌بایست کلیه شرایط مندرج در قسمتهای یک و پنج از اصل نودوپنج قانون اساسی را دارا باشند. افرادی که شغل یا سمتی در هیأت وزارتی یعنی به عنوان وزیر، دادستان کل یا ناحیه و یا مقامات معادل این سمتها برای یک سال گذشته و قبل از تاریخ گزینش‌شان عهده‌دار بوده باشند، یعنی در ایالات مربوطه خویش، نمی‌توانند در سمت مقام قضایی و قضاوت کشور انتصاب گردند.

انتصاب قضات و مسؤولین قضایی متشکله در قوای قضایی محلی و ناحیه‌ای از بین افرادی که خدمت خویش را با نهایت شایستگی و تدبیر در حیطه اداری و عدالت مربوطه به انجام رسانیده باشند تحقق خواهد گرفت و یا از میان افرادی که مراتب شرافت و صداقت و تجربه و پیشینه قوی‌شان در دیگر شاخه‌های حرف حقوقی کشور، به اثبات رسیده باشد، منتصب خواهند شد. مقامات قضایی، در اجرای وظایف خویش به مدتی که طی نص صریح قانون اساسی مشخص گشته ابقاء خواهند یافت و می‌توانند برای مرتبه‌ای مجدد چنانچه این انتصاب تحقق یابد، گزینش شوند و تنها در مواردی می‌توان آنها را از عهده‌داری سمت‌شان عزل و محروم نمود که در چارچوب مقررات مصرح از سوی قانون اساسی و قوانین نمایندگی و در خصوص خدمات دولتی، از مراتبی تخطی نموده باشند و در چارچوب قوانین و مقررات مرتبطه، خطایشان توجیه‌ناپذیر و قابل تبیین نباشد.

این عده از بابت خدمات خویش دستمزدی مناسب و غیرقابل اجتناب دریافت خواهند نمود و ضمناً طی دوران عهده‌داری سمت خویش این مبلغ دستمزد قابل کاهش نیست.

۴- قوانین اساسی و قوانین دیگر در ایالات، در زمینه انتخابات متضمن مراتب زیر خواهد بود.

الف- انتخابات فرمانداریهای ایالات و نیز اعضای قانونگذاری محلی و کارکنان شهرداریها از طریق همه‌پرسی سراسری، آزاد، مخفیانه و مستقیم صورت می‌پذیرد.

ب- در اجرای نقش انتخاباتی مقامات انتخاباتی کشور بایستی بر اصول برابری، مشروعیت و بیطرفی و عینیت و یقین و استقلال اصرار ورزید.

پ- مقاماتی که مراتب سازماندهی انتخابات و حوزه‌های استحقاقی و قضایی نواحی را بر عهده دارند، برخوردار از خودگردانی در عملکرد و استقلال در اتخاذ تصمیمات خویش هستند.

ت- قرار بر این است که نظامی از تدابیر رد و رفع برقرار گردد تمامی اقدامات و تدابیر انتخاباتی به گونه‌ای تغییر ناپذیر بر اصل مشروعیت مبتنی و استوار باشد.

ث- مهلت‌هایی مناسب برای رفع تمامی مراحل محاکم رد و انفصال با ملاحظه اصل قطعیت مراحل روند انتخاباتی تعیین خواهند گشت.

ج- مطابق با مقررات مرتبط با بودجه، احزاب سیاسی به گونه‌ای برابر و معادل، از مراتب سرمایه‌گذاری عمومی برخوردار خواهند بود و طی روند انتخاباتی خویش برخوردار از کمک و حمایت لازم جهت بهره‌وری از همه‌پرسی سراسری خواهند شد.

چ- شرایط از نهایت برابری برای دسترسی احزاب سیاسی به تدابیر و راه‌های ارتباط اجتماعی تسهیل و فراهم خواهند گردید.

ح- معیارهایی برای تعیین حدود حذف و انحلال احزاب سیاسی در طی مبارزات انتخاباتی‌شان، و نیز مبالغی برای سرمایه‌گذاری از ناحیه طرفدارانشان هم از جهت اظهار علاقمندی و هم از لحاظ کنترل و حفظ تمامی مراتب مشخص و معین می‌گردند و نیز جرائمی برای عدم وفای به عهد نسبت به مقررات صادره در این خصوص تعیین می‌گردند.

خ- جرائم نوع‌بندی و جرائم طبقه‌بندی شده تصوره‌های انتخاباتی مشخص می‌شوند و نیز جرائمی که باید خاطیان مشخص شوند.

اصل صد و هفدهم

ایالات به هیچ وجه نمی‌توانند:

- ۱- به برقراری و انعقاد پیمان و ائتلاف با دیگر دولت یا قدرتهای خارجی مبادرت ورزند.
- ۲- حذف شده است.
- ۳- به ضرب مسکوکات و صدور اسکناس و تمیر و کاغذهای سربرگ‌دار مبادرت نمایند.
- ۴- عوارض بر ترانزیت افراد و اشیاء در تردد ایشان در طول و عرض سرزمین بپردازند.
- ۵- به ممنوعیت و بستن عوارض مستقیم و غیرمستقیم امر ورود به خاک سرزمین یا خروج از آن نسبت به هیچ کالایی داخلی یا خارجی مبادرت ورزند.
- ۶- نمی‌توانند به گردش و چرخش و به گردش درآمدن اقلام‌های و خارجی و مصرف اینها عوارض تهیه یا مالیاتی را مرتب بدانند و یا حقوقی را نزد گمرکات وارده با خارجه بر ایشان مرتب بدانند، و نیازی بر همراهی اوراق ثبت بار یا اسنادی را بر همراهی کالا چه در ورود و چه در خروج مجاب و مترتب بدانند.
- ۷- به صدور یا حفظ برخی قوانین و مقررات مالی بر بحث مالیاتی این کالا مبادرت ورزند.
- ۸- به ایجاد مستقیم یا غیرمستقیم برخی تعهدات و مراتب وام‌های یا وام‌گیری در برابر دول بیگانه یا مؤسسات و شرکتهای بیگانه مبادرت ورزند و یا هزینه مربوط به شکل ارز بیگانه و یا در سرزمین بیگانه پرداخت شود.
- ۹- عوارض بر تولید و باروری و انبار و فروش تنباکو و این شاخه از تولیدات ببندند آن هم به گونه‌ای مغایر یا بیشتر از سهمیه اکثریتی که کنگره برایش مراتب دانسته.
- کنگره و مجمع قانونگذاری کشور موظف و مسؤول به اعمال قوانین مبارزه با الکلیسم‌اند.

اصل صد و هجدهم

نیز نمی‌توانند بی‌رضایت کنگره:

- ۱- به برقراری حقوقی بر توناژ و بنادر واردات و صادرات مبادرت ورزند.
- ۲- دارای لشکری مستقل، کشتی جنگی و در هیچ تاریخ و زمانی باشند.

۲- اعلام جنگ کشوری بیگانه در صورتی که این کشور هیچ اقدامی در جهت تجاوز و تصدی به کشور ترتیب ننموده و خطری را خاك مكزيك ننماید، بنمایند. به هر تقدیر در نیت به مبادرت به این او بایستی ابتدا رییس جمهور را مطلع نمایند.

اصل صد و نوزدهم

قوای سه‌گانه وظیفه حمایت از ایالات را در برابر تمامی تهاجمات بیگانه دارد یا بایستی مراتب خشونت و تجاوز خارجی بر کشور باشند. مراتب استرداد به اصرار و خواست دولت بیگانه از طرف قوه مجریه کشور تشریفات خواهد شد و در این قبال قضایی کشور در چارچوب مقررات قانون اساسی، دخالت خواهد نمود و حکم قاضی مسؤول در امر این استرداد مجرم روز کفی و مکفی تلقی می‌شود.

اصل صد و بیستم

فرمانداران ایالات مختلف، مجبور به انتشار و القا و اعمال قوانین فدرال کشورند.

اصل صد و بیست و یکم

در هر ایالتی از فدراسیون، مراتب اعتماد و وفاداری به کلیه اقدامات دولتی و مراتب ثبت و روشهای اتخاذی قضایی برقرار و متصور می‌باشد و کنگره از طریق قوانین عمومی، روش اثبات و تثبیت احکام و اقدامات فوق را پیش‌بینی نموده، پیش‌نویس و پیش‌تدوین خواهد کرد. رولی همواره مبتنی بر نکاتی زیر:

۱- قوانین يك ایالت تنها در منطقه ایالتی خویش اعتبار و مجریت یا قابلیت اجرا دارند و خارج از آن قابلیت اجرا ندارند.

۲- اموال منقول و غیرمنقول بسته به قانون محل استقرار و حضورشان قانونمند می‌شوند.

۳- احکام صادره از سوی يك دادگاه فلان ایالت، در خصوص حقوق واقعی و اموال غیرمنقول واقع در ایالتی مگر هنگامی که قوانین مترتبه اعمال نظر نمایند و مقرر دارند قابلیت اجرا در ایالت نخست را پیدا می‌کنند. و احکام صادره در خصوص حقوق فردی تنها وقتی شخص محکوم به لحاظ نوع و موقعیت اقامت و مسکن تحت محاکمه و احضار نزد محکمه مربوطه قرار می‌گیرد و حاضر می‌شود، قابلیت اجرا حتی در ایالتی دیگر پیدا می‌کنند.

۴- اقدامات يك موقعیت مدنی منطبق و تطبیق یافته بر قوانین فلان ایالت قابلیت اجرا در ایالت غیر را هم دارند.

۵- عناوین حرفه‌ای صادره از مقامات يك ایالت و همواره تشبیت بر قوانین در ایالت غیر هم قابلیت اجرا پیدا می‌کنند.

اصل صد و بیست و دوم

بر اساس ماهیت حقوقی ناحیه پایتخت که توسط اصل چهل‌وچهار قانون اساسی تبیین و تعریف شده مقرر می‌دارد که اداره حکومت ناحیه فدرال پایتخت بر عهده قوای فدرال نهاد قوه مجریه مجلس است و نیز بر عهده قوه قضاییه و مقننه محلی و در چارچوب این اصل.

مجلس مقننه و قانونگذار ناحیه فدرال پایتخت متشکل از يك تعداد نماینده مجلس برگزیده اصل اکثریت نسبی و نمایندگی بالنسبه بوده و از طریق نظامی مبتنی بر يك فهرست ثبت‌نام چند اسمی که در چارچوب مقررات انتخاباتی قانون اساسی رأی آورده و نیز رعایت نهاد اساسنامه دولت را نموده خواهد بود.

الف) و از جمله وظایف و اختیارات کنگره است:

۱- قانونمند سازی ناحیه فدرال پایتخت به جز مفاد مندرج در بحث وظایف مربوط به مجلس قانونگذاری.

۲- صدور اساسنامه دولت حاکم بر ناحیه فدرال پایتخت.

۳- قانونمند سازی بحث بدهی عموم و دیون دولتی پایتخت.

۴- اعمال مقررات عمومی که در تضامن عملکرد بایسته و شایسته قوای سه‌گانه باشد.

۵- دیگر انتسابات مرتبته با این ناحیه، مقرر از سوی قانون اساسی.

(ب) و از جمله وظایف و اختیارات رییس‌جمهور است:

- ۱- آغاز به اجرا درآوردن قوانین نزد کنگره در ارتباط با بحث پایتخت.
- ۲- پیشنهاد فرد جایگزین نزد سنا در صورت انفصال نفر قبل، یعنی فرماندار در پایتخت.
- ۳- ارسال سالیانه پیشنهاد مبالغ دیون ضروری جهت سرمایه‌گذاری در بحث بودجه پایتخت نزد کنگره که در این ارتباط فرماندار پایتخت مراتب پیشنهادیه خویش را در چارچوب قوانین مرتبته به عضو و نظر رییس‌جمهوری می‌رساند.
- ۴- تدارک زمینه اداری جهت مشاهده دقیق قوانینی که کنگره در ارتباط با ناحیه فدرال پایتخت صادر می‌نماید.

۵- و بقیه اسنادهایی که قانون اساسی به آنها اشاراتی دارد یا اساسنامه دولت و دیگر قوانین فدرال از آنها یاد رده است.

ج- اساسنامه دولت ناحیه فدرال بر مبنای زیر استوار خواهد بود:
مبنای اول: در ارتباط با مجمع عمومی قانونگذاری.

- ۱- نماینده‌ها از طریق مجمع قانونگذاری هر سه سال گزینش خواهند شد و از طریق رأی عمومی و آزاد و مستقیم و مخفی در دوره‌هایی که قانون پیش‌بینی نماید و نیز قانون است که سازماندهی انتخابات، صدور احکام و اتخاذ روش‌های مباحثه و مناظره را در این خصوص مورد توجه قرار خواهد داد، آن هم طبق مراتب مندرج در اصول ۶۱، ۶۰ و ۹۹ قانون اساسی.
- ۲- شرایط نمایندگی در این مجمع نمی‌تواند کمتر از مراتبی باشد که برای نمایندگی مجلس تقاضا می‌شود و نیز هر آنچه در شرح مفاد اصول ۵۱، ۵۹، ۶۱، ۶۴ و ۷۷ از عنوان چهارم قانون اساسی بدانها اشاره شده است.

۳- هر حزب سیاسی که برای خودش بیشترین تعداد کرسی از اکثریت و حداقل ۳۰٪ رأی را در ناحیه فدرال بدست بیاورد برای آن حزب تعداد نمایندگان از میزان و اصل نمایندگی نسبی، برای رسیدن به اکثریت مطلق مجمع عمومی تخصیص داده خواهد شد.

۴- تاریخهایی را برای برگزاری دو دوره نشست عادی در سال برای فعالیت نهاد موقت و درون تشکیلاتی که برای مقطعی از فعالیتهای مجمع عمل خواهد نمود تعیین خواهد شد. دعوت به نشست فوق‌العاده در صلاحیت قدرت این نهاد داخل و با درخواست اکثریت اعضایشان یا رییس حکومت ناحیه فدرال پایتخت صورت خواهد گرفت.

۵- مجمع عمومی قانونگذاری در چارچوب اساسنامه دولت از اختیارات زیر برخوردار خواهد بود:

الف: مجمع عمومی قانونگذاری در چارچوب فوق به صدور قوانین تشکیلاتی جهت تأیید حکومت پایتخت و ابلاغ وی و از ناحیه وی مبادرت خواهد ورزید.

ب: مطالعه، مباحثه و تصویب سالیانه بودجه و قانون درآمدهای پایتخت با تصویب مالیاتهای لازم جهت تأمین منابع بودجه فوق. در میان عایدیها، نمی‌توان مبالغی پیش از دیوان که قبلاً کنگره برای محاسبه بودجه پایتخت، مجاز دانسته مشتمل دانست. اختیار هر گونه پیشنهادی در رابطه با قوانین درآمدها و برآورد بودجه هزینه‌ها، انحصاراً با رییس دولت ناحیه پایتخت است. و مهلت برای ارائه هرگونه اظهار عقیده و پیشنهاد تا ۳۰ نوامبر است به استثنای سالیایی که انتخابات عادی ایالت حکومت پایتخت انجام می‌پذیرد که در این صورت تاریخ ۲۰ دسامبر خواهد بود.

این مجمع سالانه، پروژه برآورد بودجه‌اش را تنظیم نموده آن را به رأی رییس حکومت پایتخت خواهد فرستاد تا اولویت قرار گیرد. شرایط مفاد در دومین پاراگراف فرعی پ از قسمت چهارم اصل ۱۱۵ قانون اساسی، در خصوص دارائیهای عمومی ناحیه پایتخت در جایی که ناسازگار با طبیعت و ماهیت تشکیلاتی دولت و حکومت مرکزی نباشد، قابل اجراست.

پ: بازبینی حسابهای عمومی سال قبل، از طریق دیوان محاسبات کل و کمیسیون دارایی مجمع قانونگذاری با رعایت نقطه نظرات قسمت چهارم اصل ۷۴ و در جاهایی که مورد کاربرد داشته باشد. حسابهای عمومی سال قبل باید برای مجمع قانونگذاری کشور در نخستین دو روز ماه ژوئن ارسال گردد و این مهلت فقط زمانی افزایش خواهد یافت که درخواستی از مقام قوه مجریه پایتخت و کاملاً موجه از دید مجمع ارائه شده باشد.

ت: انتصاب فردي که بايد جايزگزين رئيس حکومت ناحيه مرکزي يا پايخت در صورت فقدان وي بشود.

ث: صدور مقررات قانوني براي سازماندهي ثروتهاي عمومي، حسابداري کل و برآورد بودجه و حسابداري و هزينه‌هاي عمومي پايخت.

ج: صدور مقرراتي که انتخابات محلي را در ناحيه پايخت اداره نمايند با عنايت به مباني اساسنامه دولت و به شکلي که مراتب مندرج در قسمت ب تا ج از قسمت چهارم اصل ۱۱۶ قانون اساسي لحاظ قرار گيرند.

در اين انتخابات فقط احزاب سياسي با شرط تحقق ثبت فدرال خویش مي‌توانند شرکت نمايند.

چ: وضع قانون در مورد اداره حکومت محلي و داخلي و کليه تدابير و فعل و انفعالات اداري هيأت حاکم.

ح: صدور قانون در مورد موارد مدني و جزايي با قانونمندی تشکيلات پشتيباني حقوق بشر و دفاع از حضور شهروندان و دفاع از مراتب ثبت مالکيت و تجارت.

خ: قانونمندی ساختن مراتب مدني و عدالت مدني در خصوص اهمالات و مقدرات و خطاهاي که از ناحیه پیش صورت مي‌گيرد و نیز قانونمندی سازي خدمات تأمين اجتماعي از سوي شرکتهای خصوصي و نیز مراتب پيشگيري و دوباره بازسازي اجتماعي افراد و نیز بهداشت و تأمين اجتماعي شهروندان.

د: صدور قوانيني در مورد طرح توسعه و کلا توسعه شهري مخصوصاً در بکارگيري زمين و حفظ محيط زيست و اکولوژي و تأمين مسکن و ساختمان سازي و ساخت راههاي عمومي و گذرگاهها و پارکينگها و تأمين و ساخت ابنیه عمومي و در خصوص بهره‌وري از ثروتهای عمومي پايخت.

ذ: تنظيم شرايط وامدهي و امتياز واگذاري خدمات عمومي، صدور قانون در بحث خدمات حمل‌ونقل شهري، شامل نظافت، توريسم، و خدمات اسکان مردمی و برپايي فروشگاههاي خريد عمومي و ساخت انواع نیازهاي ساختماني شهري و رفع احتياجات عمومي و امور قبرستانها ...

ر: صدور قانون در بحث توسعه اقتصادي و حمايت از شغل، توسعه کشاورزي و راه‌اندازي تشکيلات تجاري و حمايت از حيوانات و برپايي تماشاخانه‌هاي عمومي و کمک‌هاي فرهنگي و مدني و ورزش و ايفاي نقش اجتماعي و مدني تربيت و دوري تربيتي در چارچوب بخش هشتم اصل سي‌ام قانون اساسي

ز: صدور قانون تشکيلاتي دادگاههاي قضايي در پايخت و در رابطه با مسؤوليتها و خدمات عمومي نهادهای مزبور.

ژ: صدور قانون تشکيلاتي دادگاهها در موضوع منازعات و دعوای ناحیه پايخت.

س: معرفي پيشنهادهای قانوني يا در زمينه‌هاي مربوط به قوانين ناحيه مرکزي پايخت نزد کنگره.

ش: و ديگر مواردی که بطور فشرده در قانون اساسي بدانها اشاره شده يا خواهد شد.

مبناي دوم: در خصوص رئيس حکومت ناحیه مرکزي يا پايخت.

۱- وي مأموريت شش ساله خود را انجام خواهد داد، يعني از روز پنجم دسامبر سال انتخابات و مطابق با مراتب قانون انتخاباتي کشور. براي عهده‌داري سمت رئيس حکومت يا مرکزي يا پايخت و به قولی در هيأت فرماندار پايخت، جميع شرايط پيش‌بینی شده در اساسنامه دولت لحاظ است مثل: شهروند مکزيکی بودن، از باب تولد و با امکان برخورداري کامل از حقوق يك شهروند تبعه با اقامت قطعي و بدون وقفه از سه سال قبل تا روز انتخابات چنانچه وي متولد پايخت است. متولدیني با ماهيت تابعيتي غير، بايد پنج سال بي‌وقفه تا روز انتخابات در محل پايخت اقامت گزيده بوده باشند و نیز نبايد قبلا شغل فرمانداري ناحيه مرکزي يا پايخت را عهده‌دار بوده باشند. در بحث عزل فرماندار از سمت خویش، مجلس سنا به پيشنهادهای رئيس‌جمهور، جانشيني را معرفي مي‌کند که تا پايان دوره عهده‌دار مسؤوليت بوده و در جاي رئيس حکومت مغزول انجام وظيفه خواهد کرد.

در مورد فقدان موقت، کارگزاری از سوی سرویس دولتی، به عنوان جانشینی مأموریت، عهده‌دار وظایف فرد مغزول یا مستعفی، یا به هر حال به دور از صحنه فعالیت، مطرح و یقین می‌شود.

استعفای رییس حکومت یا فرمانداری پایتخت فقط به علل بحرانی پذیرفته خواهد شد و مراتب صدور کلیه مجوزهای اشتغال و عهده‌داری سمت در متن اساسنامه مربوطه تعیین و مبین خواهد شد.

۲- رییس حکومت ناحیه پایتخت دارای اختیارات و وظایف زیر است:

الف: اجرای قوانین مربوط به ناحیه پایتخت به درخواست کنگره و در زمینه صلاحیت نهاد اجرایی مربوطه یا احاد وابسته به این نهاد.

ب: اعلان و انتشار و اجرای قوانینی که مجمع قانونگذاری کشور یا تدارک در زمینه‌های اداری و با رعایت دقیق این قوانین پیش‌بینی نموده باشد و نیز صدور نظامنامه و تصویب‌نامه و توافق‌نامه و در حین انجام مشاهدات در یک مهلت دو روزه چنانچه لایحه پیشنهادی مورد مشاهده بوسیله اکثریت دوسوم از اعضاء مجمع حاضر تصویب گردد می‌بایست به وسیله رییس حکومت پایتخت یعنی فرماندار مورد تأیید قرار گیرد.

پ: ارائه پیشنهادات قانونی یا لوایح نزد مجمع عمومی قانونگذاری.

ت: انتصاب یا عزل آزادانه خدمتگزاران دولتی تابع نهاد اجرایی مجلس که به دلایل خاصی این قانون اساسی یا قوانین مترتبه، مراتب معرفی و عزل ایشان را پیش‌بینی ننموده باشد.

ث: اجرای عملکردهای سرپرستی نسبت به خدمات تأمین و امنیت عمومی و مطابق با اساسنامه دولت و نیز،

ج: کلیه موارد دیگری که قانون اساسی و اساسنامه دولت قوانین دیگر کشور به آنها اشاراتی دارند.

مبنای سوم: در خصوص تشکیل حکومت و هیأت حاکمه محلی در پایتخت:

۱- خطوط کلی توزیع وظایف و مناسبات بین نهادهای پایتخت و یا غیر متمرکز را تعیین می‌نماید.

۲- نهادهای سیاسی و اداری را در نواحی تعیین شده و در قلمروی ناحیه فدرال یعنی پایتخت مستقر می‌سازد و نیز معیارهایی را برای تقسیم‌بندی حدود نواحی فوق در پایتخت استقرار و مشخص خواهد کرد و همچنین صلاحیت نهادهای سیاسی و اداری مربوطه و مراتب عملکرد آنها را در ارتباط با رییس حکومت ناحیه مرکزی تعیین می‌نماید. مسئولین سیاسی و اداری پایتخت از نواحی مختلف به شکل سراسری، آزاد و مخفی و نیز مستقیم انتصاب خواهند یافت.

مبنای چهارم: در زمینه دادگاه عالی و بقیه نهادهای قضایی که دارای حیطه و حوزه قضایی مشترکند:

۱- برای قاضی شدن در دادگاه عالی یا ارشد، باید همان شرایط لازم را که قانون اساسی برای قضات دیوان عالی عدالت ایجاب نموده، دارا بود. به علاوه اجرای حرفه قضات ترجیحاً در ناحیه پایتخت لازم و قطعی خواهد بود. محکمه عالی عدالت از تعدادی قضات که قانون ارگانیک مربوطه خاطر نشان می‌سازد، متشکل خواهد بود. برای پوشاندن جای خالی قضات دادگاه عالی رییس حکومت پایتخت پیشنهاد مربوطه را به تصمیم مجمع عمومی قانونگذاری واگذار خواهد نمود. قضات مأموریت خود را به مدت ۶ سال ایفاء خواهند نمود و بوسیله مجمع عمومی مورد تأیید قرار خواهند گرفت. چنانچه تأیید شوند که هیچ‌گونه ایشان را تنها می‌توان حسب الامر چارچوب عنوان چهارم قانون اساسی از عهده‌داری سمت‌هایشان منفصل نمود.

۲- اداره، مراقبت و انضباط دادگاه عالی و دیگر دادگاهها و نهادهای قضایی بر عهده هیأت قوه قضاییه ناحیه پایتخت خواهد بود. این هیأت متشکل از ۶ عضو خواهد بود: یکی، رییس دادگاه عالی است که سرپرستی شورای قضایی پایتخت را نیز عهده‌دار می‌باشد. دیگران عبارتند از: یک قاضی، یک مقام قضایی از دادگاه شهرستان، یک قاضی از دیوان صلح، و یک قاضی که از سوی رییس حکومت مرکزی منتصب گشته و دو قاضی دیگر هم که از ناحیه مجمع قانونگذاری گزینش و معرفی می‌شوند.

شورای قضایی قضایای دادگاه شهرستان را برمی‌گزیند.

۳- قوانین عملکرد شورای قضایی طبق مفاد اصل یکصدم قانون اساسی قابلیت اجرا می‌یابد.

۴- محکمه مطابق با قانون تشکیلاتی مربوطه به سیر توسعه‌پذیر خود و مطابق با روند قانون روز توجیه شده و به حرکت قضایی خویش ادامه می‌دهد.

۵- موانع و محصورات و کیفرها و تصویبات پیش‌بینی شده در اصل یکصد و یکم قانون اساسی توسط اعضای شورای قضایی قابل اجرا خواهد بود.

۶- شورای قضایی با صرف وقت به برآورد بودجه دادگاه‌های قضایی دو بخش از ناحیه پایتخت خواهد پرداخت. سپس مراتب این برآورد فرمانداری ایالت مرکزی یا پایتخت برای شمول در لایحه پیشنهادی بودجه ارائه می‌شود.
مبنای پنجم: در زمینه دیوان اداری:

د- يك دادگاه یا دیوان عدالت اداری وجود خواهد داشت که دارای استقلال داخلی کامل است. و برای تنظیم بین مقامات نهادهای دولتی ناحیه پایتخت فعالیت می‌نماید. قوانین جهت تذهیب هر چه بیشتر مورد بررسی این دیوان قرار می‌گیرد. تشکیلات عمومی و دولتی پایتخت توسط دادستانی کل کشور سرپرستی و نظارت می‌گردد و در همین نظارت و سرپرستی است که تشکیلات و حیطة وظایف و اختیارات و قوانین و عملکردها معینی و متبیین خواهند شد.

ح- در ناحیه فدرال پایتخت، مراتب ارتباط رییس جمهور، مطروحه در بخش هفتم از اصل ۱۱۵، قابل اجرا و کاربرد خواهد بود. انتصاب يك کارگزار دولتی که حکم مستقیم از سوی مقام دولتی ارشد و ذیربط دارد، در موضوعاتی که اساسنامه دولت مطرح و معین می‌نماید تحقق خواهد یافت.

و- مجلس سنا در زمان استراحت و غیبت به کمیسیون دائمی اختیار خواهد داد تا رییس حکومت ناحیه فدرال را به سبب مراتب مهم ارتباطی یا قوای سه گانه حکومت در تماس و مراوده قرار دهد. درخواست دوباره به حرکت درآمدن فعالیت‌های سنا در دوران استراحت و غیبت باید بوسیله نیمی از اعضای سنا و یا کمیسیون دائمی ارائه و درخواست شود.

ض- برای هماهنگی بهتر حوزه‌های قضایی محلی و بشري با حکومت مرکزی و پایتخت و فی‌مابین، در امر طراحی و اجرای امر در مناطق مشترک شهری و همه روزه به خصوص با ناحیه پایتخت، طبق اصل ۱۱۵، بخش ۶، در زمینه اسکان انسانی، حمایت از محیط زیست و حفظ و تعادل اکولوژی محیط و برخورداری از يك روز مناسب جهت بکارگیری و عمل مناسب روی آنها و فضولات شهری برقراری و امنیت شهری. حکومت‌های نواحی مختلف می‌توانند به ایجاد کمیسیون‌هایی در سطح پایتخت مبادرت ورزند تا از طریق این مجامع که در هیأت کمیسیون‌هایی نقش دارند، به اجرای کامل و دقیق قوانین بپردازند. این کمیسیون‌ها با حضور جمیع اعضای خویش تشکیل جلسه خواهند داد و اجتماع خواهند کرد و در زمینه ساختار خویش به شکل تشکل و نحوه تجمع و ساختار و عملکرد و ایفای وظایف خویش نیز بذل توجه خواهند داشت.

از طریق این کمیسیون‌ها برقرار و وضع خواهند شد:

الف- مبانی برپایی توافقات و معاهدات و طبق مشخصات و مختصات حیطة زیر پوشش به عملکرد وظایف و اجرای عملیات بایسته خویش و سرویس‌دهی و اجرای اقداماتی در زمینه‌های مطروحه در پاراگراف نخست همین بخش.

ب- مبانی چندی برای برقراری هماهنگی بین اعضای کمیسیون‌ها و وظایف ویژه ایشان در زمینه‌های مطروحه و نیز اشتراك مساعی در زمینه‌های انسانی و مالی و عملیاتی جهت عملکرد مشترک و نیز:

پ- دیگر مقرراتی که به جهت يك هماهنگی جهت توسعه مناطق هم مرز شهری و بین شهری می‌تواند ضرورت داشته باشد.

ت- منع و محدودسازی سنت به برخی عملیات و عملکردها که قانون اساسی ایالات متحده مقرر داشته است.

عنوان ششم: در بحث کار و پیش‌بینی‌ها پیشگیرانه‌های اجتماعی:

اصل صد و بیست و سوم

هر شخص حق کار شایان خود را از لحاظ اجتماعی و مفید دارد. ایجاد حرفه و ایجاد تشکیلات اجتماعی برای جذب کار و ارائه کار مطابق با قانون لحاظ واضح می‌شود. کنگره کشور بدون تخطی از مراتب زیر می‌بایست قوانین برای میانی کار وضع نماید:

الف- در میان کارگران، کارگزاران روز فرد، کارمندان، خدمتکاران، صنعتگران یک نهاد یا محیط کاری دولتی همگی تحت قرارداد کاری قرار خواهند داشت و تحت شرایط ذیل:

۱- مدت کار و حداکثر ۸ ساعت خواهد بود.
۲- حداکثر مدت شبانکاری و کار شبانه، هفت ساعت خواهد بود. و کارهایی که برای سلامتی مضرند و نیز کارهای خطرناک و شبانه صنعتی و دیگر کارهای پس از ساعت ۱۰ شب برای افراد زیر هفده سال ممنوعند.

۳- استفاده از کار افراد کمتر از چهارده سال ممنوع است. افراد بین ۱۴ تا ۱۶ سال نیز می‌توانند فقط برای اشتغال در کارهایی به مدت شش ساعت در روز بکار گمارده شوند.

۴- برای هر شش روز کار، کارگر از یک روز استراحت بهره‌مند خواهد بود.
۵- زنها در طول آبستنی، کارهایی که نیاز به سعی قابل ملاحظه دارد، انجام نخواهند داد و کارهای خطرناک برای سلامتی‌شان در ارتباط با وضع جسمانی خاص آنها منع می‌گردد، ایشان از یک استراحت شش هفته‌ای قبل از تاریخ تعیین و تقریبی برای زایمان‌شان و نیز شش هفته پس از تاریخ زایمان با برخورداری از حقوق کامل برخوردار خواهند بود. شغل اینها در این مدت محفوظ خواهد ماند و خواهند توانست از دوران خاص شیردهی در دوران استعلاجی خویش رفاه و سلامت کودک و البته خود ایشان، به مدت نیم ساعت در هر روز برخوردار باشند.

۶- حداقل حقوقهایی که می‌بایست کارگران از آن بهره‌مند شوند، عمومی و یا حرفه‌ای است. حداقل حقوق برای برآوردن حواجی عادی و روزمره یک خانواده به طوری که بتوان تحصیلات اجباری و وضع فرهنگ و اجتماعی خانوار را تحت پوشش قرار داد از جمله مواردی است که قانون باید پیش‌بینی نماید. میزان حداقل حقوق را یک کمیسیون ویژه به نام شورای کار کشور که متشکل از نمایندگان کارگزاران و نیز سرپرستان و عوامل دولتی، تعیین خواهد شد.

۷- برای کار یکسان، حقوق یکسان بدون در نظر گرفتن جنس و ملیت فرد پرداخت می‌شود.
۸- میزان حداقل حقوق، از پرداخت هر گونه غرامت و کاهش و ضبط بری خواهد بود.

۹- کارگران، حق رقابت و برخورداری در منافع شرکتها یا واحدهای کار خویش را خواهند داشت بر مبنای قوانین و معیارهای زیر:

الف- یک کمیسیون دائمی متشکله از نمایندگان کارگران و سرپرستان و دولت درصد منافع قابل تقسیم بین کارگران را جهت توزیع و تقسیم عادلانه تعیین تکلیف خواهند نمود.

ب- کمیسیون ملی کارگری کشور، تحقیقاتی را بررسی خواهد کرد و مطالعات لازم و خاص برای شناخت شرایط عمومی اقتصادی کشور انجام خواهد داد.

پ- همان شورا خواهد توانست درصد تعیین شده هنگامی که مطالعات و تحقیقات جدید وجود دارند را تعیین و تفسیر نماید.

ت- قانون خواهد توانست به توزیع منافع به شرکت‌های تازه تأسیس شده طی یک مدت محدود مبادرت ورزد و ...

ث- برای تعیین مبلغ منافع هر شرکت مثل مبنای درآمد و عایدی آن شرکت، و نهایتاً حق کارگران برای شراکت در منافع.

۱۰- حقوق بایستی به طور دقیق و به پول رایج کشور محل کار پرداخت شود. نباید اجازه داد که این دستمزد با کالا یا اوراق بهادار تعویض گردد حتی معادل و برابر.

۱۱- وقتی به علت وضعیات فوق‌العاده، باید که ساعات کار را افزایش داد، یک درصد بیشتر از ساعات عادی تعیین شده، پرداخت خواهد شد. در هیچ موردی، کار فوق‌العاده نخواهد توانست از سه ساعت در روز تجاوز نکند. نه بیش از سه مرتبه متوالی، افراد کمتر از شانزده سال در این نوع از کار پذیرفته نخواهد شد.

۱۲- هر شرکت کشاورزی، صنعتی و معدنی یا هر نوع دیگر، مجبور است بر طبق قوانین و نظامنامه‌ها، مسکن و بهداشت مکفی در اختیار کارگران قرار دهد.

منفعت اجتماعی، صدور يك قانون را براي ایجاد يك تشکیلات تعیین شده توسط کارگزاران دولت فدرال، از سوی کارگران و سرپرستان که منافع عایدی بودجه ملی مسکن را اداره می‌کنند، لحاظ می‌گردد.

معاملاتی که در پاراگراف دهم از این بخش به آن اشاره شد، مثل بحث مسکن، و تأسیس مدارس و مریض‌خانه ارائه و خدمات دیگر، از امور لازم‌الاجرا به حساب می‌آید. علاوه بر اینها در این مراکز، هنگامی که جمعیت شهر از دویست نفر سکنه تجاوز کند می‌بایست يك فضای لااقل پنج هزار متر مربعی برای تأسیس مرکز خرید و معاملات عمومی و نیز ساختمانهای عمومی و خدمات شهرداریها و مراکز مفرح برای شهروندان در نظر گرفته شود. در تمام مراکز کار، تأسیس محلی برای مصرف مشروبات الکلی و مسکرات و خانه‌های بازی و قمار ممنوع است.

۱۲- شرکتها، از هر نوع که باشد، مجبور به در اختیار قرار دادن تجهیزات و مراتب آموزشی کار به کارگران خود می‌باشد. قانون تشکیلاتی نظام، مترها و اقدامات مقتضی را تعیین می‌نمایند.

۱۴- سرپرستان شرکتها و مؤسسات، مسؤول سوانح کاری خواهند بود و نیز مسؤول بیماریهای حرفه‌ای و کارگری که به سبب صدمات حرفه‌ای به کارگر وارد آید، می‌باشند. غرامت نیز در صورت بروز سوانح وخیم‌تر که به به بیماری وخیم و حتی مرگ کارگران توسط کارفرما قابل پرداخت است.

۱۵- کارفرما موظف است تا بر حسب ماهیت و نوع کار و کسب خود، مراتب قانونی بهداشت و امنیت را جهت کارگرانش در محل کسب خود رعایت نموده لحاظ قرار دهند و نیز به اتخاذ تدابیری مناسب جهت پیشگیری از حوادث در هنگام بکارگیری ماشین‌آلات محل کار، و نیز دیگر ابزار و ارقام مورد استفاده، در حین کار، بیشترین ضمانت را نسبت به بهداشت و زندگی کارگران رعایت و تأمین نماید و نیز رعایت حال زنان کارگر را بنماید. مراتب مجازات و جرائم در صورت تخلف از خطا فوق در قانون شده است.

۱۶- هم کارگران و هم تجار و صاحبان صنایع منظور کار فرمایان، حق تجمع و پیوستن به هم و تشریک مساعی جهت دفاع از منافع خود را خواهند داشت و در این رابطه می‌توانند به تشکیل صنف و اجتماع و جوامع حرفه‌ای و غیره دست بزنند.

۱۷- و باز قوانین‌اند که حق کارگران و کارفرمایان را در خصوص اعتصابات و از دست کارکشیدنها بازخواهند شناخت.

۱۸- هنگامی که قصد از اعتصاب بدست آوردن يك توازن و تعادل حقوقی بین عوامل متنوع تولید است محترم و قانونی و مشروع شمرده می‌شود، مادام که در هماهنگ سازی حقوق مترتب بر کار یا حقوق مترتب بر سرمایه بکوشد.

در زمینه خدمات عمومی، امری ضروری برای کارگران است که ده روز قبل از اقدام به تعویق و تعلیق کار مراتب قصد به این تعلیق و تاریخ اقدام به تعلیق به اطلاع شورای سازش و داوری برسانند. امر اعتصاب امری است غیرمشروع و غیر قانونی هنگامی که عاملین اعتصاب اقدام به اعمال خشونت بر علیه افراد و اموال عمومی نمایند و یا در صورت بروز جنگ روشن بشود که اعتصابیون متعلق به یکی از تشکیلات دولتی و عمومی است.

۱۹- اعتصابات تنها در مواردی که معتبر و شروع و قانون‌اند که مازاد تولید بطلبد تا از اداره تولید برای حفظ قیمت‌ها در حدی ارزشمند و قابل خرید سر باز زند و آن هم در پی تصویب و تأیید از قبل صادره از سوی شورای سازش و داوری.

۲۰- تفاوتها و اختلاف نظرها و یا درگیریها بین سرمایه و کار بسته به تصمیم شورای سازش و داوری است که متشکل است از نمایندگان کارگران و کارفرمایان و يك نفر از دولت با تعداد گروه نمایندگان کارگری و کارفرمایی متشکله، یکسان است.

۲۱- چنانچه کارفرما از طرح اختلافات نزد داوری سربازند، و با نظم و نظر و تصمیم شورای داوری را نپذیرد، قرارداد کار بین کارفرما و کارگر خاتمه یافته و کارفرما موظف است به پرداخت غرامت معادل سه ماه حقوق در سال از سنوات کار کارگر خواهد بود. بعلاوه آنچه مراتب غرامت و درگیری کاری هزینه داشته باشد بر عهده کارفرماست. این نوع غرامت دهی چنانچه از سوی کارگر مراتب امتناع از کار و ادامه همکاری جاری و مترتب گردد، دیگر معتبر نخواهد بود و صرفاً به اتمام دوران قرارداد منجر خواهد شد و بس.

۲۲- کارفرمایی که یک کارگر را بی‌علت موجه اخراج کند، یا به خاطر پیوستن به یک تشکیلات یا صنف یا یک اجتماع مورد اخراج قرار دهد و یا به خاطر مشارکت و حضور در یک اعتصاب قانونی مشروع از کار منبع نماید، موظف است تا به دلخواه و انتخاب کارگر اخراجی یا وی را مجدداً به کار بگمارد و یا مجاب است تا به وی در ازای هر سال کار و خدمات شرکا حق‌الزحمه و حقوق معادل ماهیانه وی پرداخت غرامت نماید، چه به وی و چه به همسر و والدینش، فرزندان یا برادران و خواهرانش؛ کارفرما موظف است تا به هر حال رضایت خانواده و بازماندگان را جلب نماید.

۲۳- اعتبارات و مزایایی که برای کارگران مترتب است چه حقوق و چه مزایای جانبی و ... بخصوص تا طی سال آخر سنوات خدمت وی، و یا به علل غرامت حرفه‌ای برای هر یک از کارگران مترتب است بلااستثناء.

۲۴- کارگران در برابر بدهیهای خود در قبال سرپرست و کارفرما، فرداً و شخصاً مسؤول بوده و به هیچ وجه نمی‌توان اقدام وی را موظف به پرداخت دیون نمود و نیز مبلغ دیون نمی‌تواند از رقم دستمزد ماهیانه وی تجاوز کند.

۲۵- امر تلاش برای استقرار کارگران در مسند و سمت و پست کاری امری است بدون چشمداشت و بطور رایگان از سوی کارفرما بطور وظیفه‌یابست که صورت پذیرد. چه این تلاش و دولت از سوی هر نهادی و یا مؤسسه رسمی و دولتی و خصوصی و آزاد بخواهد تحقق پذیرد. مراتب درخواست و تقاضا برای کار در استقرار نیرو لازم است تا لحاظ قرار گیرد و به طور عادلانه و برابر، این امکان دستیابی یا استقرار به کار که صورت پذیرد، اولویت و ارجحیت با آنهایی است که تنها مفر درآمد و محل اخذ دستمزدشان همین منبع و امکان کاری است که مورد بحث است.

۲۶- تمام قراردادهای کار بین شهروند مکزیکی و یک مؤسسه خارجی باید توسط یک مقام شهری صلاحیت‌دار به رسمیت شناخته شود و روایت معتبر نیز جهت کنسول کشور مربوطه جهت وی صادر گشته باشد، نیز هزینه بازگشت به وطن به نسبت کارگر تحت قرارداد توسط مؤسسه مزبور تأمین شده باشد و چنانچه:

۲۷- شرایط زیر بر کارگر تحمیل شود، قرارداد منعقد بر اعتبار خواهد بود، الف- کارگر مجبور به یک کار روزانه غیرانسانی باشد یا مفرط و کشنده.

ب- دستمزدی برایش معنا تعیین گردد که مراتب دادگاه رعایت نشده باشد.

پ- فرد روزانه وی را در مهلت‌های یک هفته‌ای به وی بدهند.

ت- مکان تویخ و تغذیه و بوفه و تفریحگاه بزرگ و فروشگاه برای رفاه حال کارگر وجود نداشته باشد.

ث- امکان تحصیل ارزاق عمده‌ای مجبور به تهیه از یک فروشگاه خاص و اجباراً از همان نقطه ولاغیر داشته باشد.

ج- دستمزد وی را به عنوان بخشی از جرائم حق مسکن یا اجاره بهای مسکن‌های ضبط کنند.

چ- کارگر وادار به ارائه استعفا بشود برخی غرامت‌های کاری که از ناحیه وی احیاناً بر حیطة کاری اثر وارد آمده باشد و تهدید به اخراج بوده باشد از ناحیه کارفرما.

ح- و کلیه دیگر ضوابط و مقرراتی که در قوانینی حمایت از امنیت شغلی و کاری وی مترتب است.

۲۸- قانون مراتب تعلق ثروتها و داراییهای متعلقه به یک خانواده کارگر را تعیین خواهد نمود. و این اموال غیر قابل انتقال و ضبط و حصر بوده، انحصاراً در اختیار و به جهت بازماندگان خانواده کارگر می‌باشد و لاغیر.

۲۹- قانون بیمه اجتماعی بر پهنه کار کارگر سایه گستر بوده، کلیه انواع این بیمه از قبیل پیری، ناتوانی، بیماری و حوادث و خدمات نگهداری و حمایت و رفاه کارگر و روستایی بردن دستمزد و دیگر اقشار اجتماع به جهت این نوع از کارگران و خانواده‌شان مترتب و متصور خواهد بود.

۳۰- بخش دیگر منافع اجتماعی مترتبه به نفع و سایه گستر بر حال کارگران، وجود و امکان دسترس به انواع تعاونیهای ساخت مسکن ارزان قیمت، امکانات بهداشتی است به نحوی که

در مهلت‌های تعیین شده و دراز مدت کارگر بتواند با پرداخت اقساط مربوطه مسکن را در اختیار و تملك خود قرار دهد.
 ۳۰- اجرائی قوانین کار در اختیار مقامات ایالات و در حوزه قضایی مربوطه ایشان است و جزو اختیارات مقامات مربوطه است رسیدگی به امور مرتبط با شاخه‌های زیر:
الف: شاخه‌های صنعتی و خدمات:

الف/ب: نساجی.	الف/پ: صنعت برق.
الف/ت: صنایع سینمایی.	الف/ث:
الف/ج: صنعت قندسازی.	الف/ج: معادن.
الف/ح: ذوب فلز و ذوب آهن و انواع استخراج معدنی‌ها و فولاد و ذوب این اقلام به تمامی اشکال از قبیل تیر یا دیگر فرآورده‌های ورقه شده معدنی. الف/خ: هیدروکربورها.	الف/د: پتروشیمی.
الف/ذ: سیمان آلات.	الف/ر: آهک آلات.
الف/ز: صنایع اتومبیل سازی و قطعات ماشین‌آلات و صنایع برق مربوطه.	
الف/ژ: شیمی و مشتمل بر شیمی دارویی و داروجات.	
الف/س: سلولز و کاغذ.	الف/ش: روغن‌جات و چربیهای نباتی.
الف/ص: تولید انواع خوراکیها و ساخت موادی که در محصول نهایی به شکل قوطی و بسته و جعبه بسته‌بندی می‌شود.	
الف/ط: سازنده انواع نوشیدنیها، که در محصول نهایی به شکل بسته‌بندی دریافت و قوطی ارائه می‌شود.	
الف/ظ: راه آهن.	
الف/ع: چوب و اقلام بنیادین چوب که دربرگیرنده تولیدات نجاری و ساخت انواع تخته سه لایی و نئوپان می‌شود.	
الف/غ: سازنده شیشه و منحصراً ساخت انواع شیشه تخت و صاف و حکاکی شده یا ظروف شیشه‌ای.	
الف/ف: توتون‌جات و تمامی مزایای ساخت و تولید توتون و نیز:	
الف/ق: ارائه خدمات بانکی و اعتباری.	

ب: شاخه مؤسسات:

ب/الف: آن دسته از مؤسساتی که به شکل مستقیم و غیر متمرکز از سوی دولت فدرال اداره می‌شوند.

ب/ب: آن دسته از مؤسساتی که بر حسب وجود قرارداد یا امتیاز واگذاری دولت مطرحند و نیز صناعی که به این ردیف از موضوعیت بحث، مرتبط و متصل‌اند؛ و ...

ب/پ: آن دسته از مؤسساتی که بکار در مناطق فدرال کشور اشتغال داشته و یا در حوزه قضایی فدرال کشور، در آبهای ارضی یا مناطق اقتصادی انحصاری کشور، حضور و فعالیت اقتصادی دارند.

و نیز از جمله وظایف و در حیطه امتیازات مقام فدرال کشور است:

اجرائی مقررات کاری، به ویژه مواردی که به بروز درگیری کاری بین دو یا چند واحد اقتصادی فدراتی انجامد و نیز برقراری قراردادهای جمعی که در پیش از یک واحد اقتصادی فدراتی کشور لازم‌الاجرا قلمداد می‌شود و نیز تحصیل وظایف و اجباراتی از سوی سرپرستی کارفرما

در زمینه‌های آموزش و در چارچوب قانون؛ همین‌طور در ارتباط با وظایف کارفرمایان در زمینه آموزش و تربیت نیروی کار خویش و مجرب سازی هر چه بیشتر کارگران واحدهای خویش و نیز تأمین امنیت و بهداشت در مراکز کاری که به منظور تحقق این امر مقامات فدرال از حمایت و کمک واحدهای دولتی مرتبته برخوردار خواهند بود. به ویژه هنگامی که بحث از مشاغل و فعالیت‌هایی باشد که در حوزه حقوقی قضایی محل مربوطه و در چارچوب قوانین تشکیلاتی مربوط جای گیرند.

ب: در بحث مناسبات بین قوای سه‌گانه مملکتی و دولت ناحیه فدرال یا پایتخت و کارگران و کارکنان این نواحی:

۱- طول ساعات کاری حداکثر در روز ۸ و در شب ۷ ساعت می‌باشد و هرگونه افزایش ساعات کاری مجری این خدمت افزوده را دستمزد فوق‌العاده خواهد کرد و درست دو برابر حق‌الزحمه کاری عادی و موظف به وی تعلق خواهد گرفت و به هیچ وجه مدت کار فوق‌العاده و اضافه کار نباید از سه ساعت کار در روز بیشتر گردد یا طی سه روز پی در پی این اضافه کاری بر کارگر تحمیل گردد.

۲- در ازای هر ۶ روز کاری، کارگر از یک روز استراحت برخوردار بوده و اگر قرار باشد که کمتر از یک روز استراحت به وی تعلق گیرد، پس معادل دستمزد بایسته و متناسب به وی پرداخت بوده می‌بایست که پرداخت شود.

۳- کارگران از تعطیلات سالیانه و حداقل بیست روز، نه کمتر برخوردار خواهند بود.

۴- میزان دستمزد طبق بودجه‌های پیش‌بینی شده تثبیت گشته و طی دوران خدمت طبق مدت قرارداد قابل کاهش نخواهد بود. به هیچ وجه من‌الوجهی، دستمزدها کمتر از میزان حداقل دستمزد عمومی و مصرحه در ناحیه فدرال یا پایتخت و دیگر آحاد در مؤسسات کاری و کارگری سرزمین جمهوری نخواهد بود.

۵- کار برابر، دستمزد برابر دارد و مسئله جنسیت کارگر به هیچ وجه مطرح نخواهد بود.

۶- تنها مراتب عزل و کاهش دستمزد و متوقف ساختن پرداخت دستمزد در مواردی که در قوانین پیش‌بینی شده و لاغیر، میسر و عملی خواهد بود.

۷- انتصاب پرسنل از طریق نظام‌هایی که مراتب اشتغال و آگاهیها و تجارب فرد متقاضی را لحاظ خواهد نمود، صورت می‌پذیرد و این دولت است که مراتب تشکیل مدارس دولتی و مدیریت این اماکن آموزشی را تضمین و عهده‌دار می‌شود؛ منظور جهت کارگران متقاضی که تا کار یاد بگیرند مترجم.

۸- کارگران از حقوق ترخیص خود به منظور برخورداری از ترفیع در جهت بهبود آگاهیهای خویش و تواناییها و سوابق کار حرفه‌ای خویش بهره‌مند خواهند بود و در شرایط برابر از لحاظ کاری و حرفه‌ای، حق تقدم با فردی است که تنها منبع درآمد و معاش‌اش همین موقعیت استخدامی و امکان اشتغال باشد.

۹- کارگران را تنها می‌توان از اشتغال معلق یا برکنار نمود هنگامی که علل توجیهی و در چارچوب قانون مشاهده و اثبات شده باشد. در صورت جداسازی و عزل غیر موجه یک کارگر از کار خویش، حق انتصاب و به کارگیری وی مجدداً متصور می‌باشد و نیز پرداخت غرامت دوران بیکاری وی قطعی محسوب می‌گردد. در صورت بروز جابجایی، کارگر جایجا شده، مستحق دریافت و برخورداری از معادلت دستمزد و نیز احیاناً غرامتی شایسته می‌باشد.

۱۰- کارگران حق اجتماع و ایجاد تجمع در دفاع از برخورداری از منافع مشترک را دارند و نیز برخورداری از حق مبادرت به اعتصاب با رایت شئونات قانونی خواهند بود هنگامی که مراتبی از حقوق ایشان، مصرحه در این اصل مورد تخطی و تعدی قرار گرفته باشند.

۱۱- امنیت اجتماعی و تأمین اجتماعی طبق مراتب ذیل، که مبانی حداقل محسوب می‌گردد، رعایت شده و محترم شمرده می‌شود:

الف: کلیه تصادفات و سوانحی و بیماری‌هایی کاری و حرفه‌ای را پوشش می‌دهد و نیز بیماری‌های غیر حرفه‌ای مثل بارداری و بازنشستگی و از کار افتادگی و کالت و مرگ نیز مورد لحاظ است.

ب: در صورت بروز سوانح وقوع بیماریها، حق برخورداری کارگر از مدت میان لازم جهت بازیافت خویش و امکان بازگشت به کار طبق قوانین، متصور خواهد بود.

پ: وضعیت زنان کارگر باردار، در طول دوران بارداری و کارهای خطر آفرین و فشارآور و نیز حوادث احتمالی که متوجه سلامتی ایشان شود، لحاظ قرار گرفته و به ایشان يك ماه مرخصی استحقاقی و استعلاجی قبل از تاریخ وضع حمل و نیز دو ماه از تاریخ وضع حمل، مجموعاً سه ماه، مرخصی و معافیت از کار تعلق می‌گیرد و در خلال این سه ماه ایشان مستحق برخورداری از حقوق بایسته خود با کلیه مزایا خواهند بود. در دوران شیردهی نیز کارگر مادر، از مرخصی و استراحت‌های فوق‌العاده در طول روز بهره‌مند بوده زمانی حدود نیم ساعت برابر هر مرتبه استراحت به وی اختصاص داده می‌شود تا بتواند فرزند و یا فرزندان خویش را تغذیه نماید. به علاوه از مراقبت‌های پزشکی و ملاحظات زنانه لازم و دارو و کمک‌های شیردهی و خدمت شیرخوارگاهها نیز بهره‌مند خواهد گردید.

ت: خویشان کارگران حق برخورداری از تأمین و مراقبت‌های پزشکی را در صورت‌ها و مراتب و نسبت‌های معین توسط قانون خواهند داشت.

ث: مراکز جهت تعطیلات و بازيابي و بهبود، نیز فروشگاه‌هایی جهت بهره‌مندی و در جهت رفاه حال کارگران و خویشان ایشان برپا خواهد بود و راه‌اندازی خواهد شد.

ج: جهت کارگران منازل و مساکن ارزان پیش‌بینی می‌شود و به شکل استیجاری یا به صورت فروش قطعی و مطابق با برنامه‌های از پیش تصویب شده و در اختیارشان قرار خواهد گرفت؛ به علاوه دولت از طریق کمک‌هایی که می‌کند، يك صندوق ملي مسکن به منظور راه‌اندازی و تأسیس منابع و اعتباراتی به جهت کارگران تأسیس خواهد نمود و نظامی از سرمایه‌گذاری که به کارگران وام‌های مختصر ولی کافی اعطا نماید، تا مسکن مناسب و بهداشتی در خور خود، ابتیاع نمایند و یا برای ساخت و بهینه‌سازی منزل مورد نظر خویش و یا به منظور پرداخت دیون خویش در ارتباط با مسکن در اختیار ایشان با اعتبارات کافی و مکفی و در ارقام پایین قرار دهد، راه‌اندازی خواهد نمود.

کمک‌هایی که این صندوق ملي مسکن به کارگران اعطا خواهد نمود، به اطلاع نهاد مسئول در تأمین اجتماعی کشور خواهد رسید و با قوانین مرتبطه و روش‌های مناسب اجرای این کمک مالی تطبیق خواهد یافت و صندوق مزبور است که بر مراتب اعطا و نحوه بازپس‌گیری اعتبارات مزبور مدیریت خواهد نمود.

۱۲- درگیری‌های فردی و جمعی بین صنفی نزد دادگاه فدرال و آشتی و داوری مطرح خواهد شد و مراتب رسیدگی مبتنی بر مقررات و پیش‌بینی‌های قوانین تشکیلاتی مزبور خواهد بود. درگیری‌های بین قوه قضاییه این قوه از سوی شورای قضایی فدرال رسیدگی و حل‌وفصل خواهد شد. اما آندسته از درگیری‌هایی که بین دیوان عالی و کارکنانش بروز نماید، توسط خود دیوان عالی عدالت حل‌وفصل خواهد گردید.

۱۳- نظامیها و دریانوردان و اعضای تشکیلات امنیت عمومی کشور، و نیز کارکنان سرویس خارجی، از طریق قوانین مرتبطه مؤسسات و البته رتق و فتق خواهند شد. دولت به جهت اعضای فعال اثر، نیرو هوایی و نیرو دریایی کمک‌هایی را که بحث ج در قسمت یازدهم همین موضوعات اخیر آمده و به شماره سپرده آن اینک وارد شده‌ایم، اعطا خواهد شد، البته در چارچوب مشابه و از طریق نهاد مسئول تأمین اجتماعی مرتبط با نهادهای فوق‌الذکر و نیز:

۱۳- مکرر: بانک مرکزی و نهادهای هیأت حاکمه کشور، که قسمتی از نظام بانکی را تشکیل می‌دهند، مناسبات کاری خویش را با کارگران، طبق مندرجات و مصرحات همین زیربندهای اخیرالذکر لحاظ خواهند شد.

۱۴- و قانون است که وظایفی که بایست در نهایت امانت و امین بودن توسط کارگزارانش عهده‌دار گردند را تعیین خواهد نمود. افرادی که عهده‌دار وظایف فوق باشند، از تدابیر امنیتی و حقوقی خاص برخوردار خواهند بود و مزایای تأمین اجتماعی نیز ایشان را لحاظ قرار خواهد داد.

عنوان هفتم
پیشگیری‌های عمومی
اصل صد و بیست و چهارم

اختیاراتی که توسط قانون اساسی به کارگزاران فدرال یا مملکتی تفویض نگشته‌اند، نزد ایالات و دولت‌های ناحیه‌ای فدراتیو کشور لحاظ بوده، برایشان مترتب می‌باشد.

اصل صد و بیست و پنجم

هیچ فردی قادر نیست در عین حال و همزمان عهده‌دار دو سمت مملکتی که به گزینش مردمی و عمومی منتصب گشته باشد، گردد مثلاً سمتی از ناحیه امور مملکتی و دیگری انتصابی از سوی دولت یا ناحیه فدراتیو مربوطه. اما فرد منتصب قادر است هر یک را که تمایل دارد، گزینش کرده و در آن سمت مشغول به کار گردد.

اصل صد و بیست و هشتم

طبق قانون اخیرالذکر، بابت عهده‌داری سمت ثانی که احياناً حق‌الزحمه و دستمزدی نیز برایش مترتب می‌باشد، هیچ دستمزدی قابل پرداخت یا دریافت نیست و مغایر است با نص صریح قانون اساسی.

اصل صد و بیست و نهم

رئیس جمهور، قضات دیوان عالی عدالت و وکلای مجلس و آقایان سناتورهای، نیز نمایندگان انجمن ناحیه پایتخت و دیگر کارگزاران دولتی و مملکتی، از بابت انجام وظیفه محوله و عهده‌داری سمت خویش دستمزد و حقوق مناسب دریافت خواهند نمود که این البته بطور سالیانه تنظیم و معین خواهد شد و نسبتی متساوی داشته و از بودجه کل کشور و پایتخت تأمین گشته و یا در بودجه‌های نهادهای شبه دولتی حسب مورد پیش‌بینی خواهد شد.

اصل صد و بیست و دهم

هر یک از کارگزاران دولتی و مملکتی بدون استثناء قبل از عهده‌داری سمت محوله و منتصبه، نسبت به حفظ و حراست از قانون اساسی و قوانین مترتبه و منبعثه از آن سوگند یاد خواهد نمود.

اصل صد و بیست و یازدهم

در زمان صلح، هیچ مقام نظامی نمی‌تواند عهده‌دار سمتی بجز مواردی که در ارتباط مستقیم با امر نظامیگری و ارتش کشور است باشد و تنها کلیه ستادهای فرماندهی نظامی ثابت و دائمی در مقرهای نظامی مربوطه که وابستگی بلافاصله به دولت و حکومت دارند با تشکیلات حکومتی و مملکتی مرتبط‌اند و لاغیر. ارتش تنها قادر است در اماکن و نقاطی که بیرون و دور از هسته‌های اسکان مردم غیر نظامی است تأسیسات و تشکیلات نظامی خود را برپا داشته رتق و فتق امور نظامیگری نماید.

اصل صد و سی‌ام

اصل تاریخی جدایی دولت و کلیسا یا کلیسا و حکومت به هدایت مقرراتی خواهد پرداخت که طی مفاد همین اصل اشاراتی بدان شده است و نیز کلیسا و کلیه تجمعات و انجمن‌های جوامع مذهبی از قانون حاضر تبعیت خواهند نمود.

الف- کلیه کلیساها و تجمعات مذهبی دارای شخصیتی حقوقی همچون انجمن‌ها و جوامع مذهبی بوده از لحظه‌ای که مراتب فعالیت و ابراز هویت خود را به ثبت رسانده باشند. و لذا، این قانون است که شرایط و ضرورت‌های ثبت مشروطه و مطابق با قانون اساسی را جهت این دستجات و تجمعات مذهبی تعیین و مشخص خواهد نمود.

ب- مقامات مملکتی و دولتی مجاز به نفوذ و دخالت در زندگی درونی تجمعات انجمن‌های مذهبی نیستند.

ج- شهروندان مکزیکی خواهند توانست به هر یک از ادیان و مذاهب موجود در سرزمین گرویده رفتار داشته باشند. هم شهروندان مکزیکی و هم خارجیها موظف‌اند در چارچوب قوانین به هر یک از این مذاهب که خواستند، گرویده و رعایت قوانین را بنمایند.

د. در چارچوب قانون تشکیلاتی مربوطه با امر فوق، دین مداران و مبلغان ادیان قادر نخواهند بود که به عهده‌داری وظایف دولتی و مملکتی تن بسپارند و و اینها مثل هر شهروند دیگری حق رأی داشته ولی حق انتخاب شدن و اخذ رأی به نفع خود را ندارند.

هـ - مذهب‌یون قادر نیستند، به منظور قصد سیاسی یا انجام فرایض مذهبی خود ولی بر له و یا بر علیه هر يك از نامزدهای انتخاباتی، احزاب و تشکیلات سیاسی کشور از هر نوع و جنس و مرتبه‌ای که باشند، اعلام پیوستگی و همبستگی نمایند.

و نیز قادر نخواهد بود تا در مجتمعات دولتی و عمومی و حتی مذهبی و یا تبلیغی- مذهبی، به مغایرت با قوانین کشور و نهادهای مرتبطه، ابراز مخالفت و یا ابراز انزجار و اهانت نمایند و این مغایرت به هر شکل که باشد مجاز نیست چه، در نهادهای ملی و میهنی، چه به هر شکل و تشبیت دیگر که باشد.

و نیز به شدت و قویاً تشکیل هر گونه تجمع سیاسی که به نحوی از انحاء معنایی و یا حتی اشارتی و عنوانی با مراتب و مظاهر مذهبی داشته باشد، نیستند، و نیز نخواهند توانست در معابد، به راه‌اندازی یا برپایی تجمعات به هر شکل از نوع سیاسی اقدام ورزند.

محض وعده یا کلامی در جهت مقاصد و وظایف سیاسی، کافی است که به فرد خاطی یا عدول کرده از مراتب بخش اخیر و قبل، مراتب مجازات و برخورد قانونی را مترتب دارند.

مذهب‌یون و نیز اخلاف و اسلافشان، همین‌طور اخوان و همشیرگان و همسران ایشان، بعلاوه، تجمعات و انجمنهای مذهبی متعلقه قادر به ارث بردن از بابت وصیت دیگری نیستند و یا این دیگری یعنی: افرادی که به نحوی تحت سرپرستی و هدایت مذهبی و حمایت معنوی مذهب‌یون بوده ولی هیچ گونه قرابت و خویشاوندی حتی تا درجه چهار با ایشان نداشته باشند.

مراتب ثبت احوال افراد از جمله امور موظفه مقامات اداره مملکتی و در چارچوب مقررات و قوانین بوده و از حقوق و اختیارات و اعتباری که این مقامات به ایشان منتسب بدانند برخوردارند و لاغیر.

مقامات فدرال کشور و ایالات و دولتهای ناحیه‌ای، شهرداریها و امثالهم، در این زمینه اخیر اختیارمند و مسؤول بوده و در چارچوب قانون عمل خواهند نمود.

اصل صد و سی و یکم

و نیز از جمله اختیارات خاصه و مختصه دولتی یا فدراسیون کشور است، بستن تعرفه به کالاهای وارداتی و صادراتی و حقوق ترانزیتی و یا عبوری و نیز قانونمندی‌سازی و قائل شدن هر گونه اجازه و هر نوع ممنوعیت به علل و انگیزه‌های امنیت و پلیسی کشور و نیز گردش و چرخش کالا به شکل و قصد در داخل کشور؛ اما مراتب حقوق و عوارض مندرج در قسمتهای ۶ و ۷ اصل یکصد و هفدهم بی‌آنکه دولت بتواند هر گونه اقدامی جهت وضع و تحمیل آنها بنماید قابل اجرا و کاربری است.

قوه مجریه می‌تواند از اختیاراتی که کنگره به وی تفویض می‌نماید جهت افزایش، کاهش یا حذف سهمیه‌ای تعرفه‌های صادرات و واردات که توسط خود کنگره حتی تصویب و صادر گشته، مبادرت ورزد و نیز می‌تواند نسبت به ایجاد و وضع تعرفه‌های دیگر نیز همت گمارد و یا در محدودیت و ممنوعیت امر واردات و صادرات و عبور کالاها و اقلام، هر گاه مقتضی و ضروری بداند به منظور تنظیم امر بازرگانی خارجی کشور و اقتصاد داخلی به اقداماتی مبادرت ورزد، و از این قبیل هر گاه که ثبات تولید ملی و هر گونه گامی در جهت منافع و مصلحت مملکت ضرورتش را حس کند، قادر است وارد عمل شود. و نیز از جمله اختیارات قوه مجریه است که با ارسال و طرح مراتب بودجه سالیانه نزد مجلسین و جهت تصویب به این مهم مبادرت ورزد.

اصل صد و سی و دوم

امنیه نظامی از قبیل برج و باروها، پادگانها، انبارهای مهمات و دیگر اموال و اقلام غیرمنقول که از سوی دولت به جهت خدمت به مردم و جهت استفاده‌های عمومی منظور و مصروف گردند، مورد لحاظ حوزه قضایی قوای سه‌گانه مملکتی در چارچوب قانون صادره از سوی کنگره قرار خواهند داشت. و مراتبی از این قبیل و مباحثی در این خصوص همه، از چارچوب مقررات و قوانین ایالات مختلف محدود نکرده، همواره تابع مقررات و قوانین جاری مملکتی خواهند بود.

اصل صد و سي و سوم

قانون اساسي حاضر و نيز کليه قوانين صادره از سوي کنگره منبعث از همين قانون اساسي و نيز کليه توافقات قانوني و برابر با نص صريح اين قانون، چه منعقد و چه در شرف انعقاد از سوي رئيس جمهوري و با تصويب سنا، به منزله قوانين عاليه مملکتي و مجري در تمامي قلمروي اين مرز و بوم است. قضات هر ايالتي خود را و مراتب اختيارمندی و تدبيراندیشي قضايي ايالت خویش را با متن قانون اساسي حاضر سازگار خواهند نمود و علیرغم هر گونه مغایرتي که احياناً با متون قوانين اساسي و ديگر قوانين داشته باشد، باز رعایت و لحاظ اين قوانين عاليه و لازمالاجرا و تخطي ناپذير است.

اصل صد و سي و چهارم

منابع اقتصادي که دولت فدرال در اختيار دارد و نيز کليه مدیریت‌هاي عمومي شبه دولتي در نهايت شايستگي و کفایت و صداقت و در جهت برآوردن اهداف مترتبه و غايي، مصروف گشته و هدایت مي‌گردند.

کليه خريدها، استیجارت و در اختيارگيري همه نوع اموال، ارائه خدمات و يا هر نوع بکارگيري خدمات و اموال از طريق مزایده‌هاي عمومي و از مجرای فراخواني‌هاي عمومي و سراسري صورت خواهند پذیرفت تا آزادانه هر کس و هر نهادي مایل است بتواند آزادانه به طرح درخواست و تمایلیش مبادرت ورزد بدیهي است در پاکت‌هاي در بسته و سربسته به نزد دولت و نهاد فراخوان دهنده خواهند رسید و در انظار عمومي و به شکل فاش بازگشايي شده تا دولت توانسته باشد تمامی شرایط بهینه موضوع را در خصوص قیمت پیشنهادي و بهاي مزایده و نيز کیفیت، سرمایه‌گذاري، فرصت‌دهي و ديگر موارد مربوطه تضمین بخشد.

چنانچه پیشنهادات شرکت در مزایده و خريد اموال پیشنهادي دولت، مکفي و مطلوب نظر نهاد فراخوان دهنده نباشد، قوانين جاري و مرتبطه جهت اعتبار بخشي به امر اقتصاد کشور و بهبود کیفیت و به ارتقاء شايستگي و رعایت نهايت بي‌نظري و بيطرفي و لحاظ صداقت در امر مزایده به نحوي که بهترين موقعیت و شرایط را جهت دولت تضمین بخشد، به وضع مباني و استقرار راهکردها و مقررات و شرایط و ديگر عوامل مترتبه مبادرت ورزید.

هدایت منابع اقتصادي فدرال کشور، استوار است به مباني همين اصل و لاغير؛ و کارگزاران دولتي مسؤول حسن اجرای اين مباني در چارچوب عنوان چهارم قانون اساسي حاضر خواهند بود.

عنوان هشتم

در خصوص اصلاحات وارده بر قانون اساسي حاضر:

اصل صد و سي و پنجم

قانون اساسي حاضر را مي‌توان مورد افزايش متن و يا اصلاح قرارداد و به جهت آنکه مراتب افزايش يا اصلاحات احتمالي بخش مشتمل در همين قانون قرار گیرند، نیاز است به اینکه کنگره با رأی دوسوم اعضاي حاضر نسبت به اصلاحات يا اضافات موضع‌گيري نموده و يا موافقت خود را اعلان نماید و نيز مراتب اين موافقت و تأیید، به تصويب اکثریت قانونگذاران مملکتي برسد.

کنگره و يا کمیسیون دائمي در صورت چنین امري شمارش آراء اتخاذي از سوي قانونگذاران مملکتي و اعلان مراتب تصويب و تأیید هر گونه افزايش و اصلاحي بر متن قانون اساسي مبادرت خواهند ورزید.

عنوان نهم

در باب حریم خدشه‌ناپذير و تجاوز ناکردني قانون اساسي.

اصل صد و سي و ششم

قانون اساسي حاضر از حیث اعتبار و اجرا نخواهد افتاد حتي آنگاه که به علت بروز شورش يا بلوا يا قيامي، در مشاهدات و نظارتش بر جامعه وقفه‌اي هر چند بیفتد. چنانچه بر اثر هرج و مرج عمومي حکومت و يا دولتي با اصول مقررۀ اين قانون مغایرت ورزد و عناد جوید، به محض

دستیابی به آزادی از سوی ملت و مردم، مراتب اعتبار و اجرای آن لحاظ گشته، مجری خواهد شد و بر طبق آن و دیگر قوانین، منبعثه و متشبیته، تمامی عوامل و عاملان بروز این شورش یا بلوا که بر ضد قانون اساسی و مغایر با آن عمل نموده باشند، همین‌طور تمامی دستیاران و همکاران این اقدام مغایر با قانون اساسی محاکمه خواهند شد.
